



مؤسسه آموزش عالی اطلاق و تربیت

بسم الله الرحمن الرحيم



اسلام پرورش های روان شناختی

# اسلام پرورش های روان شناختی

## دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت      مدیر مسئول: دکتر محمدجواد زارعان  
سرمدبیر: دکتر محمدرضا احمدی      مدیر اجرایی: امیر عرفانی نژاد

پست الکترونیکی: [pajoohesh.ueae@gmail.com](mailto:pajoohesh.ueae@gmail.com)      دورنگار: ۰۲۵۳۲۹۲۲۲۳۹  
پایگاه اینترنتی: [journals.ueae.ir](http://journals.ueae.ir)      صندوق پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵  
نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳      کد پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

### اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا)

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا احمدی
دانشگاه تهران	دکتر هادی بهرامی احسان
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت	حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد زارعان
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه	آیت الله سید محمد غروی راد
دانشگاه بقیة الله <small>عجل الله تعالی فرجه</small>	دکتر علی فتحی آشتیانی
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت	حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد فرهوش
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه	حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد کاویانی آرانی
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	حجة الاسلام و المسلمین دکتر رحیم نارویی نصرتی
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه	حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمود نودری

این فصلنامه در پایگاه اطلاع رسانی SID، Noormags و پرتال جامع علوم انسانی نمایه شده است.



## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

### مقدمه

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارائه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسائل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشد. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

### نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

### ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، شهر، کشور و ایمیل پژوهشگر/ پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلید واژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
- نکته: موارد فوق هم به زبان فارسی و هم لاتین بارگذاری شود.
- مقدمه: بیان مسئله، هدف، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها (شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند. همچنین

اعداد داخل جدول‌ها باید به زبان فارسی باشد و برای اعشار از نقطه (.) استفاده شود.

**نکته:** تعداد جداول متناسب با حجم مقاله باشد و فایل جداول علاوه بر متن اصلی به صورت جداگانه بارگذاری شود.

- بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آنها؛
- منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آنها استفاده و به آنها ارجاع شده است به ترتیب حروف الفبا. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

۱. کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار اصلی)، **عنوان کتاب**، شماره جلد، نام و

نام خانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.

۲. مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، سال/دوره، شماره، صفحات.

۳. پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، **عنوان پایان‌نامه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.

۴. گزارش: نام سازمان (سال انتشار)، «**نام گزارش**».

۵. اینترنت: نام خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.

- ضمایم (در صورت لزوم)

### نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به طور همزمان برای بررسی و چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.

۲. مقاله باید با نرم‌افزار Microsoft Word، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و به وسیله ایمیل، برای فصلنامه ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع دفتر مجله به نویسنده مسؤول مقاله نیز قید گردد.

۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

### ملاحظات

- فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.

- اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش فصلنامه یکسان‌سازی می‌شود.

- مسؤولیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤول آن است.

## فهرست مطالب

- طراحی بسته آموزشی ذکر به منظور کاهش نشانه‌های افسردگی بر اساس منابع اسلامی ..... ۷  
احمد انتصاری / رامین تبرایی / محمدرضا جهانگیرزاده
- طراحی الگوی مفهومی روش تربیتی تلقین از منظر اسلام (استراتژی تئوری داده بنیاد متنی). ۳۱.  
یعقوب زارع / زهره اسمعیلی / محمدرضا سرمدی / طیبه صفایی
- بررسی تطبیقی خاستگاه پوشش از منظر دین و روان شناسی ..... ۵۳  
مصطفی عرب پور / محمد دولتخواه / حمید رفیعی هنر
- واکاوای عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان دختر ..... ۷۳  
غلامرضا تاج‌بخش / رضا رضانی / زهرا علی‌دادی
- کارکردهای روان‌شناختی اخلاص بر اساس منابع اسلامی ..... ۹۳  
محمد حسین رحیمی / محمدصادق شجاعی / مهدی عباسی
- بررسی رابطه بین دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری با سلامت روان دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم (شهر نیشابور) ..... ۱۱۷  
علی اصغر جلیلی کیا / محبوبه ثابت ایمانی



# اسلام‌پژوهش‌های روان‌شناختی

سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (ص ۷-۳۰)

## طراحی بسته آموزشی ذکر به منظور کاهش نشانه‌های افسردگی بر اساس منابع اسلامی

### Designing the Educational Package of “Zekr” in Order to Reduce Depression Symptoms Based on Islamic Sources

✍ احمد انتصاری / کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.  
رامین تبرایی / دکتری روان‌شناسی عمومی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.  
محمد رضا جهانگیرزاده / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.

Ahmad Entesari / M.Sc. in Islamic Psychology, Institute of Higher Education, Ethics and Education, Qom, Iran.  
ahmaden@gmail.com

Ramin Tabaraei / PhD in General Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.  
Mohammad Reza Jahangirzadeh / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

#### Abstract

Depression is one of the most common and most important mental disorders. On the other hand, using “zekr” (i.e. religious formula) with its particular themes, is one of the most important religious confrontations. So this study aims at designing educational package of “zekr” in order to reduce depression symptoms based on Islamic sources. This study is of applied type wherein qualitative method of content analysis and quantitative method of Delphi have been used. First, zekr functions in Islamic sources were investigated in this study. Then the zekrs which were relevant to depression were collected based on specified criteria. In the following stage, existing teachings in selected zekrs were analyzed. In short, the teachings are as follows: God Attribution, God Owning, God Sheltering, Confidence

#### چکیده

افسردگی، یکی از شایع‌ترین و مهم‌ترین اختلالات روانی است، همچنین یکی از مهم‌ترین مقابله‌های دینی با این پدیده، استفاده از «ذکر» با مضامین خاص خود می‌باشد. از این رو، هدف این پژوهش، «تدوین بسته آموزشی ذکر به منظور کاهش نشانه‌های افسردگی بر اساس منابع اسلامی» است. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی بوده و در آن از روش کیفی از نوع تحلیل محتوا و کمی از نوع دلفی استفاده شده است. ابتدا کارکردهای ذکر در منابع اسلامی مورد بررسی قرار گرفت؛ سپس اذکار مرتبط با افسردگی بر اساس ملاک‌های مشخص گزینش گردید؛ در ادامه معرفت‌های موجود در اذکار منتخب، مورد تحلیل قرار گرفت. این معرفت‌ها به اختصار عبارت‌اند از: خداوندی،

in Alimant, Hope in God, God centrism, God Glorifying, Compensation and Hope, Possible Mistaking, God Blessing and Believing in Benevolence. Finally the educational package was designed based on these the epistemic, spiritual, emotional and behavioral functions of zekr and in the framework of logic of monotheistic orders in Islamic thought. It's necessary to say that the content validity of the taechings and educational package was evaluated by experts using CVI and CVR indices and confirmed by them.

**Keyword:** Zekr, educational package, Islamic sources, depression, depression symptoms.

خداملکی، خداپناهی، اطمینان به روزی، امید به خدا، خدامحوری، تنزه الهی، جبران و امید، ممکن‌الخطا بودن، خدامنعمی و خیر باوری. در نتیجه، بسته آموزشی بر اساس کارکردهای معرفتی، معنوی، عاطفی و رفتاری ذکر و در چارچوب منطق مراتب توحید در اندیشه اسلامی تدوین گردید. و در آخر، روایی محتوایی معارف و بسته آموزشی توسط کارشناسان با استفاده از شاخص‌های CVI و CVR مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفت. نتیجه آن که بسته آموزشی ذکر برای کاهش نشانه‌های افسردگی از لحاظ نظری قابلیت تدوین دارد.

**کلید واژه‌ها:** ذکر، بسته آموزشی، منابع اسلامی، افسردگی، نشانه‌های افسردگی.

## مقدمه

اختلال افسردگی به عنوان یکی از رایج‌ترین اختلالات روان‌شناختی تشخیص داده می‌شود. به طوری که این اختلال، علت پیش‌گام بیماری و ناتوانی در سراسر جهان است. اکنون بیش از سیصد میلیون نفر با افسردگی گریبان‌گیرند، و شاهد روند رو به رشد ۱۸ درصدی بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۵ بوده‌ایم (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۷).

اصطلاح افسردگی به منظورهای گوناگون و برای توصیف خلق، شناسایی یک نشانگان و به عنوان یک مفهوم در طبقه‌بندی بیماری‌های روانی به کار می‌رود. نشانه‌های افسردگی را بیشتر افراد با احساس ناخشنودی (غم) یا درماندگی می‌شناسند، این تجربه ممکن است شامل احساس بی‌حوصلگی، گناه، بی‌ارزش بودن، خودخوار شماری، واماندگی و بی‌تفاوتی باشد (لیندزی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷). همچنین فقدان لذت نسبت به فعالیت‌هایی که به طور معمول، مورد علاقه فرد بوده و به طور منفی بر انرژی، اشتها، خواب، اضطراب، تمرکز، قدرت تصمیم‌گیری، احساس خودارزشمندی، احساس گناه، امید و افکار منفی اثر می‌گذارد، از دیگر نشانه‌های این اختلال است (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۷). در ایران نیز وضعیت این اختلال، به قدری شایع گشته که گفته می‌شود از ۲۶ سال گذشته تا امروز، آمار افسردگی دو



برابر شده است به نحوی که در حال حاضر، آمارها حاکی از ۱۶/۸ درصد افسردگی در بین زنان و بیش از ۱۰ درصد افسردگی در بین مردان ایرانی است (هاشمی، ۱۳۹۵).

تاکنون اثربخشی مداخلات گوناگونی در جهت کاهش افسردگی به تأیید رسیده است (دادستان، ۱۳۹۴، ص ۳۶۰-۳۴۳). برخی از پژوهش‌ها حاکی از اثربخشی پایین درمان‌های شناختی و رفتاری بر کاهش افسردگی می‌باشند. به عنوان مثال در پژوهش آقایبی و همکاران (۱۳۹۱) با استفاده از الگوی فراتحلیل، میزان اثرگذاری درمان‌های شناختی و رفتاری بر کاهش نشانه‌های افسردگی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد میزان اثر مطابق جدول کوهن در حد پایینی است. این در حالی است که روش دارودرمانی نیز همراه با عوارضی چون خستگی، خشکی دهان، گیجی، تاری چشم یا گاهی حالت تهوع و سردرد می‌باشد (دادستان، ۱۳۹۴، ص ۳۵۸).

برخی مطالعات نشان می‌دهد که در حال حاضر با وجود تعدد و تکثر نظریه‌ها، نتایج ارزیابی اثربخشی مداخلات درمانی و پیگیری‌های درازمدت آنها چندان امیدوارکننده نیست (فیاض و همکاران، ۱۳۹۴). در این میان استفاده از روش‌های دینی در درمان بیماری‌های روانی مورد توجه پژوهشگران و درمانگران قرار گرفته است. در خصوص افسردگی نیز تاکنون شاهد مدل‌ها و الگوهای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی چون الگوی چندوجهی اسلامی در درمان افسردگی (غباری بناب، فقیهی، قاسمی پور، ۱۳۸۶) و الگوی درمانی خودنظم‌جویی برای افسردگی (رفیعی هنر، ۱۳۹۷) بوده‌ایم که در کاهش میزان نشانگان افسردگی مؤثر بوده‌اند.

از سوی دیگر، به اعتقاد روان‌شناسان، دعا، مناجات و گفت‌وگو با خداوند، تضمین‌کننده سلامت روانی انسان‌ها می‌باشد و «ذکر» موجب می‌شود فعالیت‌های ذهن همواره هدفمند باشد و افکار خودکار را که موجب احساسات بیمارگونه و اعمال نسنجیده می‌شوند، مهار کند (هادی و جان‌بزرگی، ۱۳۸۸).

همچنین در منابع دینی از تأثیر گذاری اذکار و ادعیه، بر حالات روانی همچون غم، وسواس، ترس و غیره بسیار سخن به میان آمده است (رک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۰۳؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۹۲؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۸۰). به عنوان مثال، ذکر «یا رَّبُّوْهُ یا رَحِیْمُ» برای رفع غم تجویز گشته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲، ص ۱۶۲). برای اذکار، کارکردهای دیگری چون کارکرد معرفتی نیز می‌توان در نظر گرفت (رفیعی پور، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸). و مداومت بر آنها باعث نفوذ و تثبیت معارف آن ذکر، در قلب و جان آدمی می‌گردد. به گفته امام خمینی علیه السلام (۱۳۸۷، ص ۲۹۳) نکته تکرار اذکار آن است که زبان قلب گشوده شود.

در قرآن به اثر آرامش‌بخش ذکر تصریح شده است؛ آنجا که خداوند می‌گوید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸). اثر روحی و روانی ذکر با بیان علامه طباطبایی رحمته‌الله ذیل این آیه بیشتر جلوه‌گر می‌شود: اول اینکه آیه دلالت دارد بر اینکه همه قلب‌ها به طوری که الف و لام (القلوب) افاده می‌کند. با ذکر خدا اطمینان می‌یابد. آری این معنا حکمی عمومی است که هیچ قلبی از آن مستثنا نیست، مگر اینکه کار قلب به جایی برسد که در اثر از دست دادن بصیرت و رشدش دیگر نتوان آن را قلب نامید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۸۸)؛ دیگر اینکه از ظاهر الفاظ آیه انحصار فهمیده می‌شود، در نتیجه می‌فهماند که دل‌ها جز با یاد خدا با چیز دیگری آرامش نمی‌یابد (همان). به طور کلی کارکرد و آثار ذکر عبارت است از:

الف. کارکرد معنوی: بدین معنا که اذکار بُعد معنوی انسان را تغییر داده و تعالی می‌بخشد. کارکردهایی چون نجات از دوزخ و نفاق (العروسی الحویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۸۶)، بخشش گناهان (احزاب: ۳۵)، نورانیت دل (صالح، ۱۴۱۴، ص ۳۹۲) و طرد شیطان (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۵) که در آیات و روایات به آنها اشاره شده، ناظر به تغییر در این بُعد از انسان می‌باشند؛

ب. کارکرد معرفتی: گاهی اذکار حاوی معرفت‌هایی هستند که با خواندن آنها، باورهای انسان اصلاح می‌گردد و با مداومت بر آنها، این باورها درون ذهن تثبیت می‌شوند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۷، ص ۴۲۲)؛

ج. کارکرد عاطفی: علاوه بر اینکه مصادیق مختلف ذکر چون ادعیه، اذکار و مناجات‌ها انسان را در یک رابطه عاطفی با خداوند قرار می‌دهند، در مورد بعضی ادعیه و اذکار به صراحت تغییرات عاطفی و خلقی چون رفع حزن و ... مورد توجه معصومین علیهم‌السلام قرار گرفته است (به عنوان مثال: ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۵۴۳)؛

د. کارکرد رفتاری: کارکردهای معرفتی و عاطفی ذکر، غیرمستقیم موجب تغییر در رفتار نیز خواهند شد؛ هرچند در بعضی روایات مستقیماً به آثار رفتاری بعضی اذکار نیز اشاره شده است (به عنوان مثال: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۴۰).

بنابراین، ذکر از میان متغیرهای معنوی، برای دسته‌ای از پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است. از جمله پژوهش‌ها می‌توان به نجیبه (۱۳۷۹)، صادقی جانبهان (۱۳۷۸)، قاسم‌نژاد و قاسمی‌پور (۱۳۹۷)، احمدی‌فراز و همکاران (۱۳۸۷) و الماسی (۱۳۸۰) اشاره نمود که هر یک به نحوی به تأثیر ذکر بر آرامش و نشاط پرداخته‌اند. اما با این حال طراحی بسته‌ای مبتنی بر ذکر به منظور کاهش افسردگی در دستور کار این محققان قرار نداشته است.

از این رو، اولاً با توجه به وارد شدن دین در عرصه درمان اختلالات روان‌شناختی؛ ثانیاً نقش درمان‌های اسلامی در کاهش میزان افسردگی؛ ثالثاً وجود کارکردهای روان‌شناختی برای اذکار و در نهایت، وجود اذکار مخصوص در منابع اسلامی با کارکردهایی چون زدودن غم و اندوه (که رکن اساسی افسردگی است)، این فرض قابل طرح است که می‌توان به کمک اذکار روایت شده در منابع اسلامی، بسته‌ای آموزشی، در جهت کاهش نشانه‌های افسردگی تدوین نمود. بنابراین، محقق در پژوهش حاضر درصدد است تا با استفاده از اذکار مرتبط با غم و اندوه، بسته‌ای آموزشی به منظور کاهش علائم افسردگی طراحی نماید. از اهمیت مطالعه اذکار و تأثیر مداومت آنها بر ارتقای سلامت روان که صرف نظر شود، این پژوهش با توجه به فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه ما دارای اهمیت خاصی است. به‌کارگیری روش‌های درمانی در هر جامعه‌ای باید با ارزش‌های حاکم بر آن جامعه هم‌خوانی داشته باشد تا مؤثرتر واقع گردد که از آن با عنوان روان‌شناسی فرهنگی تعبیر می‌گردد (اتکینسون و دیگران، ۲۰۰۰، ص ۵۹).

به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت ذکر در درمان اختلالات و سلامت روان از یک سو و ظرفیت منابع اسلامی و اذکار مأثوره موجود از سوی دیگر و گسترش فراوانی افسردگی در سراسر جهان و کمبود پژوهش در زمینه بسته‌سازی‌های مبتنی بر ذکر و نقش آن در کاهش اختلالات، ضروری می‌نماید تا با تدوین بسته ذکر بر اساس منابع اسلامی به منظور کاهش نشانه‌های افسردگی، در جهت پیشبرد روان‌شناسی مبتنی بر دین مبین اسلام و مطابق با فرهنگ بومی گام برداشت.

### روش پژوهش

در بخش اول پژوهش، روش کیفی از نوع تحلیل محتوا و در بخش دوم کمی از نوع دلفی می‌باشد. ابتدا با استفاده از کتب روایی شیعی اذکار مرتبط با افسردگی استخراج شد و از میان آنها اذکاری که دارای ملاک‌های غنای مفهومی، عدم تکرار، اختصار و وثاقت بودند، منتخب گشته و مورد تحلیل و تفسیر واقع شده و در نهایت ۱۱ معرفت استنباط گردید. اذکار منتخب همگی از منابع روایی با درجه اعتبار الف بوده‌اند (بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۲۷۶)؛ در بخش دوم، روایی محتوایی در دو مرحله سنجیده شد: ابتدا روایی معرفت‌هایی که بر اساس آن بسته ذکر طراحی شد و در مرحله بعد، روایی محتوایی بسته طراحی شده سنجیده شد.

## یافته‌های پژوهش

این پژوهش درصدد پاسخ به دو پرسش اصلی بود: ۱. بسته ذکر چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۲. آیا بسته ذکر از روایی مطلوب برخوردار است؟ در نتیجه جست‌وجوی اذکار مرتبط با افسردگی و با لحاظ ملاک‌های چهارگانه‌ای که بیان شد، پنج ذکر منتخب شد. این اذکار عبارت‌اند از: الف. ذکر «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

در آملی شیخ صدوق رحمته‌الله آمده است: «امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «آدم از حدیث نفس و اندوه به خدا شکایت کرد، جبرئیل بر او نازل شد و گفت: ای آدم بگو «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» آن را گفت و وسوسه و اندوه او رفت» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۵۴۳).

ب. ذکر «اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ» در کتاب شریف کافی آمده است: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «هر کس به او هم یا اندوه یا بلا و حزنی برسد، پس بگوید: الله پروردگار من است هیچ چیز را شریک او نمی‌دانم، توکل بر خداوند زنده و جاودانی کرده‌ام که نامیراست» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۵۶).

ج. ذکر یونسیه

در کتاب شریف من لا یحضره الفقیه آمده است: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «در تعجبم از کسی که غم‌زده است، به این گفته خدا پناه نمی‌جوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»، همانا شنیدم که خداوند عزوجل در عقب آن می‌گوید: او را اجابت کردیم و از غم نجاتش دادیم و این‌گونه مؤمنان را رهایی می‌بخشیم» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۹۲).

د. ذکر «يَا رَئُوفُ يَا رَحِيمُ»

امام رضا علیه‌السلام: من در اموری مبتلا به غم و اندوه شدم، پس امام باقر علیه‌السلام (در خواب) نزد من آمد و گفت: ای فرزندم خدا را بخوان و ذکر «يَا رَئُوفُ يَا رَحِيمُ» را زیاد بگو (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲، ص ۱۶۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۶۲ با اندکی تغییر).

ه. دعای پانزدهم صحیفه سجادیه

در کتاب صحیفه سجادیه، پانزدهمین دعای امام سجاد علیه‌السلام در خصوص هنگام ابتلا به بیماری، اندوه و یا گرفتاری می‌باشد (علی بن الحسین، ۱۳۷۶، ص ۷۶) که به جهت اختصار از آوردن متن آن صرف نظر می‌شود.

پس از تحلیل معرفتی اذکار فوق، یازده آموزه استخراج شد. در جدول ۱ و ۲ به طور کاملاً خلاصه مستندات هر معرفت آورده شده است.

## جدول ۱. مستندات معارف استخراج شده

مستندات و توضیحات	معارف استخراج شده	ذکر
ترجمه ذکر: هیچ حول و نیرویی نیست مگر به واسطه خدا؛ یعنی هیچ‌گونه تحول در حالات مختلف جهان و موجودات و هیچ‌گونه ظهور نیرو و قدرتی پدید نشود مگر از او و به سبب او و هیچ موجودی را حول و قوتی از خود نیست (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۳۹۱).	تفکر خداانسانی: همه چیز بر اساس قدرت الهی رقم می‌خورد.	
امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> : لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ یعنی که ما مالک هیچ چیز نیستیم و خدا مالک همه چیز است (شبروانی، ۱۳۹۰، ص ۸۹۸).	تفکر خدا مالکی: خداوند مالک همه چیز از جمله سلامتی، مال، آبرو و دیگر متعلقات من است.	لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
در روایتی دیگر می‌فرماید: إِنَّمَا هُوَ الْمَالِكُ لِمَا مَلَكَكُمْ وَالْقَادِرُ لِمَا عَلَيْهِ أَقْدَرَكُمْ أَمَا تَسْمَعُونَ مَا يَقُولُ الْعِبَادُ يَسْأَلُونَهُ الْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ حَيْثُ يَقُولُونَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (مؤسسة آل البيت <small>علیهم السلام</small> ، ۱۴۰۶، ص ۴۰۸).	تفکر خدا پناهی: خداوند به عنوان تکیه‌گاهی پایدار و مطمئن پشتیبان من در زندگی است.	
در روایتی در معنای توکل آمده است: «التَّوَكَّلُ تَبَاءٌ ذَلِكَ فِي قَوْلِهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۴۸). بنابراین، خداوند در موقعیت‌های گوناگون تکیه‌گاه، پناه و معتمد بندگان است.	تفکر اطمینان به روزی: خداوند مطمئناً روزی بندگان را می‌رساند.	اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ سَيِّئاً تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الَّذِي لَا يَمُوتُ
وقتی که خداوند را متکفل و پشتیبان خود در هر حال بدانیم، در مورد روزی‌رسانی هم این پشتیبانی صادق خواهد بود. لذا باور به روزی‌رسانی خدا از مصادیق توکل است (پسندیده، ۱۳۹۶، ص ۴۲۸).	تفکر امید به خدا: تنها به خدا، باید امید بست.	
فَقُلْتُ وَمَا التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ الْعِلْمُ بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَصُرُّ وَلَا يَنْفَعُ وَلَا يُعْطَى وَلَا يَنْتَعُ (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۴۸). (پس تنها معطی خداوند است و کسی نمی‌تواند مانع روزی ما شود).	تفکر امید به خدا: تنها به خداوند، باید امید بست.	
وَاسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ لَمْ يَعْمَلْ لِأَحَدٍ سِوَى اللَّهِ وَلَمْ يَرْجُ وَلَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ وَلَمْ يَطْمَعْ فِي أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ فَهَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۴۸).		

## جدول ۲. مستندات معارف استخراج شده

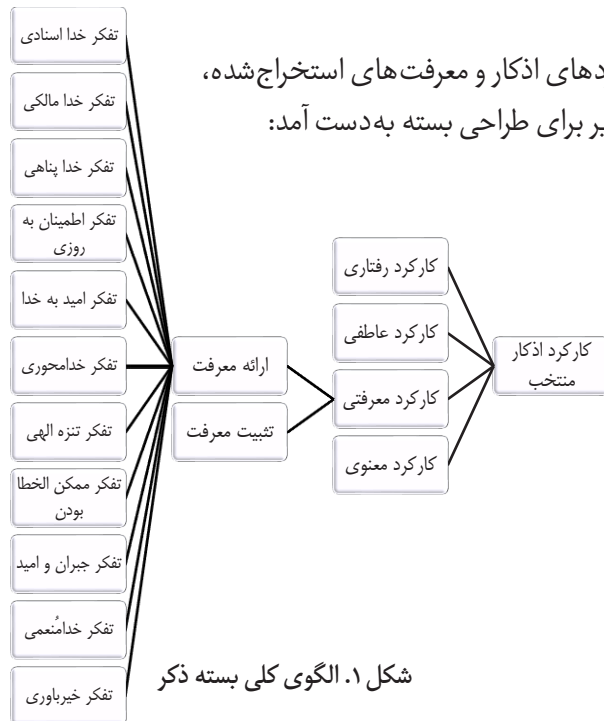
مستندات و توضیحات	معارف استخراج شده	ذکر
<p>علامه طباطبایی <small>رحمته الله علیه</small> می‌فرمایند: «حال یونس در بیرون شدن از قوم خود و به راه خود ادامه دادن و به سوی آنان برنگشتن حال بنده‌ای را می‌ماند (نه اینکه واقعاً چنین قصدی داشته است) که بعضی از کارهای مولای خود را نپسندد و بر مولای خود خشم کرده و از خانه او بگریزد و خدمت او را ترک گوید، و حال آنکه وظیفه عبودیت او این نیست» (۱۳۷۴، ج ۶، ص ۴۰۹) و در ادامه می‌فرمایند: «نتیجه این پیشامد و این تدبیر الهی این شد که حالتی که در آن زندان و در شکم ماهی برایش مجسم شده بود او را وادار سازد به اینکه اقرار کند که او معبودی است که جز او معبودی نبوده و از بندگی و عبودیت برای او گریزی نیست و لذا گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» (همان). بنابراین، توحید و خدامحوری این است که بنده پسند مولایش را بر پسند خود مقدم بدانند. در تفسیر المیزان آمده است: «شُرک در عمل این است که عمل برای هدفی باشد که هوای نفسش آن هدف را در نظرش جلوه داده، از قبیل مال دنیا، و یا ستایش مردم، و یا امثال آن، چنین انسانی هوای نفس خود را روبه‌روی خود قرار داده، و مانند پرستش خدا آن را می‌پرستد، و شریک خدایش قرار می‌دهد (همان، ج ۴، ص ۵۶۱).</p>	<p>تفکر خدامحوری: خواست خدا بر خواست و لذت من مقدم است.</p>	
<p>در مجمع‌البیان آمده است: «لفظ "سبحان" به معنای تنزیه ذات باری تعالی از عیوب است» (طبرسی، ج ۶، ص ۱۶۴) و از طلحه بن عبیدالله روایت شده که از پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> پرسش نمود از معنای «سبحانه»، پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> پاسخ داد که او منزّه از هر بدی است (طبرسی، ج ۲، ص ۹).</p>	<p>تفکر تنزه الهی: خداوند منزّه از هر عیبی است.</p>	<p>لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ</p>
<p>در تفسیر المیزان آمده است: «در این جمله (إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ) حضرت یونس به ظلم خود اعتراف کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۴۵). اساس اذکر یونسیه بیانگر توبه حضرت یونس پس از ترک قوم خود و گرفتار آمدن در شکم ماهی است. خداوند به خاطر این «ترک اولی» او را در تنگنای شدیدی قرار داد و سرانجام توبه کرد (مکارم، ج ۳، ص ۳۸۰). بنابراین، همیشه فرصت برای جبران وجود دارد و باید امیدوار بود.</p>	<p>تفکر جبران و امید: همیشه فرصت برای جبران وجود دارد پس باید امیدوار بود.</p>	
<p>تفسیر مجمع‌البیان در توضیح «إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» آورده است «من از کسانی هستم که ظلم کرده‌ام؛ یعنی چون بشرم، ممتنع نیست که ظلم کنم» (طبرسی، بی تا، ج ۱۶، ص ۱۵۸) پس هر کس ممکن است خطا کند و این منافاتی با ارزشمندی ندارد؛ چراکه از یکی از پیامبران الهی هم خطایی سر زد و به چنین گرفتاری و شکست ظاهری افتاده است. حال آنکه پیامبران الهی، ارزشمندترین انسان‌ها هستند، پس خطا و شکست هم ممکن است و هم منافاتی با ارزشمندی فرد ندارد.</p>	<p>تفکر ممکن بودن خطا: خطا و شکست طبیعی است و نشان بی‌ارزشی نیست.</p>	

<p>طبرسی <small>رحمته</small> در ذیل آیه ۱۴۳ سوره بقره رأفت را رحمت شدید گفته‌اند و راغب اصفهانی آن را رحمت و مهربانی مطلق گفته است. شیخ صدوق <small>رحمته</small> در توحید در معنی رحیم فرموده که معنی رحمت نعمت است و راحم به معنی منعم است (به نقل از: قرشی بنائی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۶۹). پس وقتی نعمت بخشی و مهربانی خدا به من شدید باشد، من غرق در نعمتم.</p>	<p>تفکر خدامُنعمی: خداوند مهربان است و من غرق در نعمتم.</p>	<p>یا زَوْفُ یا رَحِيمٌ</p>
<p>آنچه در این مناجات به چشم می‌خورد، تفسیری از بلاست. بلا نه یک تهدید بلکه یک فرصت محسوب می‌گردد. فرصتی که در آن انسان از آلودگی گناه پاک می‌شود. فرصتی که بدون هیچ زحمتی جز تحمل سختی بلا، ثواب والایی توسط کاتبان الهی و به دستور خدا برای انسان نوشته می‌شود. اغلب افراد بلا و بیماری را خالی از فایده می‌دانند و بنابراین آن را نعمتی الهی محسوب نمی‌کنند. حال آنکه در مناجات فوق برای بیماری فواید زیر برشمرده شده است: الف. پاک شدن از گناهان؛ ب. تنبه پیدا کردن نسبت به توبه؛ ج. نوشته شدن ثواب و اجر عظیم. تا جایی که حضرت در این دعا می‌فرمایند: «نمی‌دانم، ای خدای من، کدام یک از این دو حالت (تندرستی و بیماری) به سپاسگزاری تو شایسته‌تر و کدام یک از این دو هنگام برای ستایش تو سزاوارتر است؟»</p>	<p>تفکر خیرباوری: بلا و بیماری خیر و از نعمت‌های الهی و نیازمند شکرگزاری است.</p>	<p>دعای یانزدهم صحیفه سجادیه</p>

ارزیابی نظر ۱۰ تن از کارشناسان اسلامی (مشغول به سطح چهارم حوزه) از طریق محاسبه CVI (شاخص روایی محتوا) نشان داد که هر یازده معرفت فوق، مورد تأیید واقع شده‌اند. شیوه محاسبه این شاخص بدین صورت است که مجموع تعداد متخصصانی که دو گزینه «کاملاً مرتبط» و «مرتبط اما نیاز به بازبینی» را انتخاب کرده‌اند، بر تعداد کل متخصصان (در اینجا ۱۰ نفر) تقسیم می‌شوند و در صورتی که میزان CVI بیشتر از ۰/۷۹ باشد، شاخص روایی محتوا تأیید می‌گردد. همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، شاخص روایی محتوای تمامی معرفت‌ها، بیش از این مقدار است. همچنین از محاسبه CVR (ضریب نسبی روایی محتوا) صرف نظر شد؛ چراکه محاسبه آن، در این مورد بی معنی می‌نمود.

جدول ۳. نتایج محاسبه CVI برای هریک از معرفت‌های استخراج شده

معرفت‌ها	غیرمرتبط	نیاز به بازبینی جدی	مرتبط اما نیاز به بازبینی	کاملاً مرتبط	CVI
تفکر خدا اسنادی	۰	۰	۰	۱۰ نفر	۱
تفکر خدا مالکی	۰	۰	۰	۱۰ نفر	۱
تفکر خدا پناهی	۰	۰	۱ نفر	۹ نفر	۱
تفکر اطمینان به روزی	۰	۱ نفر	۱ نفر	۸ نفر	۰/۹
تفکر امید به خدا	۰	۱ نفر	۰	۹ نفر	۰/۹
تفکر خدامحوری	۰	۱ نفر	۱ نفر	۸ نفر	۰/۹
تفکر تنزه الهی	۰	۱ نفر	۰	۹ نفر	۰/۹
تفکر جبران و امید	۰	۰	۴ نفر	۶ نفر	۱
تفکر ممکن الخطا بودن	۰	۲ نفر	۲ نفر	۶ نفر	۰/۸
تفکر خدامنعمی	۰	۱ نفر	۱ نفر	۸ نفر	۰/۹
تفکر خیرباوری	۰	۱ نفر	۱ نفر	۸ نفر	۰/۹





در ادامه سعی شد تا ترتیبی منطقی مابین اذکار و معرفت‌های استخراج شده کشف گردد که به طور خلاصه بر اساس مراتب توحید و اقسام آن (توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی، توحید در عبادت)، ترتیب زیر به دست آمد:



شکل ۲. ترتیب جلسات بر اساس اذکار

در نهایت، بسته آموزشی ذکر بر اساس منابع اسلامی به منظور کاهش نشانه‌های افسردگی، در ۸ جلسه گروهی (یک پیش‌جلسه، یک اختتامیه و ۶ جلسه میانی) طراحی گردید که ساختار کلی آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. ساختار کلی بسته ذکر

اهداف	مکانیزم تغییر	محتوا و مراحل	تکنیک‌های کلی
به‌طورکلی بازسازی معرفتی - معنوی - هیجانی - رفتاری بر اساس آموزه‌های: تفکر خداآسنادی، تفکر خدامالکی	۱. تغییر معرفتی بر اساس آموزه‌های معرفتی اذکار	۱. بررسی موقعیت‌های افسرده‌ساز	۱. مشارکت جمعی (بحث گروهی) درون جلسه در مراحل ۱ تا ۳ از مراحل ستون قبل
تفکر خداپناهی، تفکر امید به خدا	۲. تغییر معنوی بر اساس کارکرد ماوراءالطبیعی اذکار	۲. آسیب‌شناسی معرفتی نحوه مواجهه با این موقعیت‌ها	۲. تکرار اذکار به شیوه خاص و همراه با مراقبه تأملی درون و خارج از جلسه
تفکر اطمینان به روزی، تفکر خدامحوری	۳. تغییر هیجانی بر اساس کارکرد عاطفی اذکار	۳. بررسی ارتباط آسیب‌شناسی فوق با آموزه‌های اذکار	۳. تمرین‌های رفتاری برآمده از آموزه‌ها، خارج از جلسه
تفکر تنزه الهی، تفکر ممکن‌الخطا بودن	۴. تغییر رفتاری بر اساس کارکرد رفتاری اذکار	۴. آموزش آموزه‌های اذکار به‌طور تفصیلی توسط درمانگر	
تفکر جبران و امید، تفکر خدامنعمی	۵. تغییر رفتاری بر اساس کارکرد رفتاری اذکار	۵. بازسازی معرفتی - معنوی - هیجانی - رفتاری با استفاده از تکنیک‌ها، تمرین و تثبیت	
تفکر خیرباوری			

همچنین صورت تفصیلی بسته ذکر به قرار زیر است:

جدول ۵. تفصیل بسته ذکر

جلسه اول: آشنایی با دوره	
هدف: معارفه و توجیه	
ساختار جلسه	آشنایی مربی و افراد با یکدیگر، دانش‌افزایی درباره افسردگی و نشانه‌های آن، دانش‌افزایی درباره ذکر (اهمیت، آثار، اقسام، آداب و...)، دانش‌افزایی درباره کارکردهای ذکر، معرفی اجمالی بسته آموزشی ذکر
جلسه دوم: آموزه خداوندی و خدامالکی	
هدف: بازسازی معرفتی. معنوی. هیجانی. رفتاری بر اساس آموزه‌های ذکر (لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ) (تفکر خداوندی، خدامالکی)	
ساختار جلسه	<p>بررسی موقعیت‌های افسرده‌ساز؛ آسیب‌شناسی معرفتی نحوه مواجهه با این موقعیت‌ها؛ بررسی ارتباط آسیب‌شناسی فوق با آموزه‌های ذکر (لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ)</p> <p>آموزش آموزه‌های ذکر حوقله به طور تفصیلی شامل:</p> <p>توضیح نقش معرفت و شناخت‌های ما در افسردگی، توضیح اهمیت و آثار ذکر حوقله، توضیح معرفت‌های موجود در این ذکر، توضیح رابطه این باورها با غم و افسردگی</p> <p>تکنیک:</p> <p>مشارکت جمعی و بارش فکری در بررسی موقعیت‌های افسرده‌ساز و نحوه مواجهه فرد</p> <p>اجرای ذکر حوقله به شیوه‌ای خاص و همراه با مراقبه تأملی بدین شکل که ابتدا موردی از غم‌های خود را در نظر بگیرند و در ادامه ذکر حوقله را بر زبان جاری می‌سازند همراه با تکنیک جنبی حرکت از قلب به لسان.</p> <p>تمرین‌های رفتاری برآمده از آموزه‌های خداوندی و خدامالکی</p> <p>تکلیف:</p> <p>تهیه لیست وقایع ناگوار زندگی و چیزهایی که از دست دادنشان ما را غمگین کرده یا خواهد کرد و اجرای ذکر حوقله بر هر یک از موارد این لیست به شیوه‌ای که در تکنیک بیان شد.</p> <p>خودمهارگری نسبت به سرزنش دیگران (به شیوه مراقبه، محاسبه، مشارطه)</p> <p>تکرار روزانه ۵ الی ۱۰ دقیقه (یا متناسب با حال درمان‌جو) ذکر حوقله با در نظر آوردن تمامی آموزه‌های آن همراه با حرکت از قلب به لسان، ترجیحاً بعد از اوقات سه‌گانه نماز در صبح و ظهر و شب که مجموعاً حدود بیست دقیقه می‌گردد.</p> <p>پرداخت صدقه به صورت روزانه همراه با مرور این فکر: «مال من امانتی است که به مالک اصلی آن بازش می‌گردانم».</p> <p>خواندن و تدبر در ادعیه ضمیمه‌ای</p> <p>گرفتن بازخورد</p> <p>نصب برچسب</p>

جلسه سوم: آموزه‌های خداپناهی، اطمینان به روزی، امید به خدا	
هدف: بازسازی معرفتی. معنوی. هیجانی. رفتاری بر اساس آموزه‌های ذکر توکل (تفکر خداپناهی، تفکر اطمینان به روزی، تفکر امید به خدا)	
<p>پل زدن به جلسه قبل و بررسی تکالیف، بررسی موقعیت‌های افسرده‌ساز، آسیب‌شناسی معرفتی نحوه مواجهه با این موقعیت‌ها، بررسی ارتباط آسیب‌شناسی فوق با آموزه‌های ذکر توکل آموزش آموزه‌های ذکر توکل به‌طور تفصیلی شامل: توضیح باورهای موجود در این ذکر، توضیح رابطه این باورها با غم و افسردگی تکنیک:</p> <p>مشارکت جمعی و بارش فکری در بررسی موقعیت‌های افسرده‌ساز و نحوه مواجهه فرد از منظر آموزه مربوطه</p> <p>اجرای ذکر توکل به شیوه‌ای خاص و همراه با مراقبه تأملی بدین‌شکل که ابتدا موردی از غم‌های خود را در نظر بگیرند و در ادامه ذکر توکل را بر زبان جاری می‌سازند همراه با تکنیک جنبی تمرکز و حضور قلب (توضیحات در فصل دوم آمده است).</p> <p>تمرین‌های رفتاری برآمده از آموزه‌های خداپناهی، اطمینان به روزی، امید به خدا تکلیف:</p> <p>تهیه لیستی از موقعیت‌ها یا شرایطی که در آنها احساس تنهایی و بی‌پناهی کرده‌ایم یا خواهیم کرد و اجرای ذکر توکل بر هر یک از موارد این لیست به شیوه‌ای که در قسمت تکنیک بیان گشت.</p> <p>رفتن به مکان‌های زیارتی هنگام رخداد احساس بی‌پناهی</p> <p>تهیه لیستی از چیزها یا کسانی که به آنها امید بسته‌ایم و اجرای ذکر توکل بر هر یک از موارد این لیست به شیوه‌ای که در قسمت تکنیک بیان گشت.</p> <p>تکیه بر مجاری صحیح در رسیدن به اهداف و برنامه‌ها، به جای تکیه بر آشنایان برای دور زدن قانون (به شیوه مراقبه، محاسبه، مشارطه)</p> <p>تهیه لیستی از اوقات و شرایطی که تردید در رسیدن روزی می‌کنیم و اجرای ذکر توکل بر هر یک از موارد این لیست به شیوه‌ای که در قسمت تکنیک بیان گشت.</p> <p>جود و احسان به اطرافیان (به عنوان مثال اطعام دوستان) به جای بخل ورزیدن و خساست (به شیوه مراقبه، محاسبه، مشارطه)</p> <p>تکرار روزانه ۵ الی ۱۰ دقیقه (یا متناسب با حال درمان‌جو) ذکر توکل با در نظر آوردن تمامی آموزه‌های آن همراه با حرکت از قلب به لسان، ترجیحاً بعد از اوقات سه‌گانه نماز در صبح و ظهر و شب که مجموعاً حدود بیست دقیقه می‌گردد.</p> <p>خواندن و تدبیر در ادعیه ضمیمه‌ای</p> <p>گرفتن بازخورد</p> <p>نصب برجسب</p>	ساختار جلسه

جلسه چهارم: آموزه‌های خدامحوری و تنزه الهی	
هدف: بازسازی معرفتی-معنوی-هیجانی-رفتاری بر اساس باورهای ذکر یونسیه ۱ (تفکر خدامحوری، تفکر تنزه الهی)	
<p>پل زدن به جلسه قبل و بررسی تکالیف، بررسی موقعیت‌های افسرده‌ساز، آسیب‌شناسی معرفتی نحوه مواجهه با این موقعیت‌ها، بررسی ارتباط آسیب‌شناسی فوق با آموزه‌های ذکر یونسیه آموزش آموزه‌های ذکر یونسیه به‌طور تفصیلی شامل:</p> <p>اهمیت ذکر یونسیه، توضیح باورهای موجود در این ذکر، توضیح رابطه این باورها با غم و افسردگی تکنیک: مشارکت جمعی و بارش فکری در بررسی موقعیت‌های افسرده‌ساز و نحوه مواجهه فرد اجرای ذکر یونسیه به شیوه‌ای خاص و همراه با مراقبه تأملی بدین‌شکل که ابتدا موردی از غم‌های خود را در نظر بگیرند و در ادامه ذکر یونسیه را بر زبان جاری می‌سازند همراه با تکنیک جنبی توجه به عدد ذکر.</p> <p>تمرین‌های رفتاری برآمده از آموزه‌های خدامحوری و تنزه الهی</p> <p>تکنیک: نوشتن لیستی از خواسته‌هایمان که در عمل آنها را برخواست خدا ترجیح می‌دهیم و اجرای ذکر یونسیه بر هر یک از موارد این لیست به شیوه‌ای که در قسمت تکنیک بیان گشت.</p> <p>پیش از انجام هر کار توجه کنیم که برای رضای خدا باشد (به شیوه مراقبه، محاسبه، مشارطه)</p> <p>نوشتن لیستی از سوءظن‌ها به خدا در وقایع ناگوار زندگی و اجرای ذکر یونسیه بر هر یک از موارد این لیست به شیوه‌ای که در قسمت تکنیک بیان گشت.</p> <p>خودمهارگری نسبت به گلایه، توبیخ و بازخواست خداوند متعال در پیشامدهای زندگی</p> <p>تکرار روزانه ذکر یونسیه با در نظر آوردن تمامی آموزه‌های آن همراه با رعایت عدد ترجیحاً ۵ الی ۱۰ دقیقه (یا متناسب با حال درمان‌جو) بعد از اوقات سه‌گانه نماز در صبح و ظهر و شب که مجموعاً حدود بیست دقیقه می‌شود.</p> <p>خواندن و تدبیر در ادعیه ضمیمه‌ای</p> <p>نصب برچسب</p> <p>گرفتن بازخورد</p>	<p>ساختار جلسه</p>

جلسه پنجم: آموزه‌های «ممکن‌الخطا بودن انسان» و تفکر «جبران و امید»	
<p>هدف: بازسازی معرفتی-معنوی-هیجانی-رفتاری بر اساس باورهای ذکر یونسیه ۲ (تفکر ممکن بودن خطا، تفکر جبران و امید)</p>	
<p>پل زدن به جلسه قبل و بررسی تکالیف، بررسی موقعیت‌های افسرده‌ساز، آسیب‌شناسی معرفتی نحوه مواجهه با این موقعیت‌ها، بررسی ارتباط آسیب‌شناسی فوق با آموزه‌های ذکر یونسیه. آموزش آموزه‌های ذکر یونسیه ۲ به‌طور تفصیلی شامل: توضیح باورهای موجود در این ذکر (تفکر ممکن‌الخطا بودن، تفکر جبران و امید)، توضیح رابطه این باورها با غم و افسردگی تکنیک: مشارکت جمعی و بارش فکری در بررسی موقعیت‌های افسرده‌ساز و نحوه مواجهه فرد اجرای ذکر یونسیه به شیوه‌ای خاص و همراه با مراقبه تأملی بدین شکل که ابتدا موردی از غم‌های خود را در نظر بگیرند و در ادامه ذکر یونسیه را بر زبان جاری می‌سازند همراه با تکنیک جنبی توجه به عدد ذکر</p> <p>تمرین‌های رفتاری برآمده از آموزه‌های «ممکن‌الخطا بودن انسان» و تفکر «جبران و امید» تکنیک: نوشتن لیستی از موقعیت‌هایی که فکر می‌کنیم گناه یا شکستی داشته‌ایم که بی‌ارزش شده‌ایم و اجرای ذکر یونسیه بر هر یک از موارد این لیست به شیوه‌ای که در قسمت تکنیک بیان گشت. از سرگیری کارهایی که به خاطر خطا نمودن در انجام آن، رهاش نموده‌ایم.</p> <p>نوشتن لیستی از موقعیت‌هایی که خطاهای خود را غیرقابل جبران و بخشش می‌دانیم و اجرای ذکر یونسیه بر هر یک از موارد این لیست به شیوه‌ای که در قسمت تکنیک بیان گشت.</p> <p>انجام توبه نسبت به گناهان گذشته و جبران مافات (به عنوان مثال: جبران ضررهای واردآورده بر اموال دیگران با جلب رضایت صاحبان آن)</p> <p>تکرار روزانه ذکر یونسیه با در نظر آوردن تمامی آموزه‌های آن با رعایت عدد، ۵ الی ۱۰ دقیقه (یا متناسب با حال درمان جو) ترجیحاً بعد از اوقات سه‌گانه نماز در صبح و ظهر و شب که مجموعاً حدود بیست دقیقه می‌شود.</p> <p>خواندن و تدبر در ادعیه ضمیمه‌ای</p> <p>نصب برچسب</p> <p>گرفتن بازخورد</p>	<p>ساختار جلسه</p>

جلسه ششم: آموزه خدامنعمی	
هدف: بازسازی معرفتی- معنوی- هیجانی- رفتاری بر اساس باورهای ذکر «یا رَتُوْفُ یا رَحِیْمُ» (تفکر خدامنعمی)	
<p>پل زدن به جلسه قبل و بررسی تکالیف، بررسی موقعیت های افسرده ساز، آسیب شناسی معرفتی نحوه مواجهه با این موقعیت ها، بررسی ارتباط آسیب شناسی فوق با آموزه های ذکر «یا رَتُوْفُ یا رَحِیْمُ» آموزش آموزه ذکر «یا رَتُوْفُ یا رَحِیْمُ» به طور تفصیلی شامل: توضیح باور موجود در این ذکر (تفکر خدامنعمی)، توضیح رابطه این باور با غم و افسردگی</p> <p>تکنیک: مشارکت جمعی و بارش فکری در بررسی موقعیت های افسرده ساز و نحوه مواجهه فرد</p> <p>اجرای ذکر «یا رَتُوْفُ یا رَحِیْمُ» به شیوه ای خاص و همراه با مراقبه تأملی بدین شکل که ابتدا فرد یکی از نعمت ها یا داشته هایش را در نظر گرفته و سپس این ذکر را به زبان آورد.</p> <p>تمرین های رفتاری برآمده از آموزه خدامنعمی</p> <p>تکلیف: تهیه لیستی از داشته ها و نعمت های الهی و گفتن ذکر یا رَتُوْفُ یا رَحِیْمُ با در نظر گرفتن هر یک از موارد این لیست</p> <p>سخن گفتن با دیگران در مورد نعمت های خداوند</p> <p>تکرا روزانه ۵ الی ۱۰ دقیقه (یا متناسب با حال درمان جو) ذکر «یا رَتُوْفُ یا رَحِیْمُ» با در نظر آوردن تمامی آموزه های آن همراه با حرکت از قلب به لسان، ترجیحاً بعد از اوقات سه گانه نماز در صبح و ظهر و شب که مجموعاً حدود بیست دقیقه می شود.</p> <p>خواندن و تدبر در ادعیه ضمیمه ای</p> <p>نصب برچسب</p> <p>گرفتن بازخورد</p>	<p>ساختار جلسه</p>

جلسه هفتم: آموزه خیرباوری	
هدف: بازسازی معرفتی - معنوی - هیجانی - رفتاری بر اساس باورهای دعای پانزدهم صحیفه سجادیه (تفکر خیرباوری)	
<p>پیل زدن به جلسه قبل و بررسی تکالیف، بررسی موقعیت‌های افسرده‌ساز، آسیب‌شناسی معرفتی نحوه مواجهه با این موقعیت‌ها، بررسی ارتباط آسیب‌شناسی فوق با آموزه‌های ذکر «دعای پانزدهم صحیفه سجادیه»</p> <p>آموزش آموزه‌ی ذکر «دعای پانزدهم صحیفه سجادیه» به‌طور تفصیلی شامل: توضیح اهمیت ادعیه صحیفه سجادیه، توضیح باور موجود در این ذکر (تفکر خیرباوری)، توضیح رابطه این باور با غم و افسردگی</p> <p>تکنیک: مشارکت جمعی و بارش فکری در بررسی موقعیت‌های افسرده‌ساز و نحوه مواجهه فرد</p> <p>اجرای ذکر «دعای پانزدهم» به شیوه‌ای خاص و همراه با مراقبه تأملی بدین‌شکل که ابتدا فرد یکی از بیماری‌ها، بلایا یا مصیبت‌هایش را در نظر گرفته و سپس این ذکر را به زبان آورد.</p> <p>تکمیل این‌گونه جملات: من از خداوند بابت رخ دادن (فلان بلا) ممنونم زیرا ...</p> <p>تمرین‌های رفتاری برآمده از آموزه خیرباوری</p> <p>تکنیک: تهیه لیستی از بلاها، بیماری‌ها و خواندن دعای ۱۵ روزانه ۵ یا ۱۰ دقیقه (یا متناسب با حال درمان‌جو) همراه با در نظر گرفتن موارد لیست تهیه شده، ترجیحاً بعد از اوقات سه‌گانه نماز در صبح و ظهر و شب که مجموعاً حدود بیست دقیقه می‌شود.</p> <p>خودمهارگری از شکایت نمودن نسبت به بلاها و مشکلات خود به دیگران (به شیوه مراقبه، محاسبه، مشارطه)</p> <p>تکمیل این‌گونه جملات با استفاده از لیست بالا: من از خداوند بابت رخ دادن (فلان بلا) ممنونم زیرا ...</p> <p>خواندن و تدبیر در ادعیه ضمیمه‌ای</p> <p>نصب برچسب</p> <p>گرفتن بازخورد</p>	<p>ساختار جلسه</p>
جلسه هشتم: اختتامیه	
هدف: ارزیابی و بازخورد	
<p>پیل زدن به جلسه قبل و بررسی تکالیف، جمع‌بندی مباحث با مشارکت فعالانه شرکت‌کننده‌ها، بررسی موانع احتمالی برای نگهداری تغییرات، پیشنهادات و انتقادات و ارزیابی میزان رضایتمندی شرکت‌کننده‌ها از شرکت در این دوره</p> <p>تکنیک: بررسی میزان پیشرفت و مقایسه میزان توانمندی در برابر غم‌ها قبل و بعد از دوره آموزشی بدین‌شکل که در یک صفحه میزان توانمندی خود قبل و بعد از دوره را گزارش دهند.</p> <p>مشارکت جمعی به منظور بررسی موانع احتمالی برای نگهداری تغییرات و راهکارهای پیشنهادی</p>	<p>ساختار جلسه:</p>

بسته آموزشی پیشنهادی به همراه توضیحات لازم در اختیار ۱۱ تن از خبرگان آگاه به علوم اسلامی و همچنین صاحب نظر در روان شناسی قرار گرفت تا اعتبار و میزان مطابقت آن با اهداف مورد نظر ارزیابی شود. در نتیجه، CVI و CVR هر یک از جلسات بر اساس نظرات آنها مورد محاسبه قرار گرفت.

برای محاسبه CVR هر یک از جلسات از فرمول زیر استفاده می شود:

### فرمول ۱. محاسبه CVR

$$CVR = \frac{N_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

در این فرمول NE تعداد متخصصانی است که به گزینه ضروری پاسخ داده اند و N تعداد کل متخصصان است. در جدول ۶، میزان روایی محتوا با توجه به تعداد کل متخصصان مشخص شده است (حاجی زاده و اصغری، ۱۳۹۴، ص ۳۹۹).

جدول ۶. تصمیم گیری در مورد CVR

حداقل مقدار روایی	تعداد کل متخصصان
۰/۹۹	۵
۰/۹۹	۶
۰/۹۹	۷
۰/۸۵	۸
۰/۸۷	۹
۰/۶۲	۱۰
۰/۴۹	۱۵



جدول ۷. نتایج محاسبه CVR (ضریب نسبی روایی محتوا) برای هر یک از جلسات

جلسات	غیرضروری	مفید ولی غیرضروری	ضروری	CVR
جلسه اول	۰	۰	۱۱ نفر	۱
جلسه دوم	۰	۰	۱۱ نفر	۱
جلسه سوم	۰	۰	۱۱ نفر	۱
جلسه چهارم	۰	۱ نفر	۱۰ نفر	۰/۸۲
جلسه پنجم	۰	۲ نفر	۹ نفر	۰/۶۴
جلسه ششم	۰	۱ نفر	۱۰ نفر	۰/۸۲
جلسه هفتم	۰	۰	۱۱ نفر	۱
جلسه هشتم	۰	۰	۱۱ نفر	۱

جدول ۸. نتایج محاسبه CVI (شاخص روایی محتوا) برای هر یک از جلسات

جلسات	غیرمرتبط	نیاز به بازبینی جدی	مرتبط اما نیاز به بازبینی	کاملاً مرتبط	CVI
جلسه اول	۰	۰	۱ نفر	۱۰ نفر	۱
جلسه دوم	۰	۰	۱ نفر	۱۰ نفر	۱
جلسه سوم	۰	۰	۱ نفر	۱۰ نفر	۱
جلسه چهارم	۰	۰	۱ نفر	۱۰ نفر	۱
جلسه پنجم	۰	۱ نفر	۱ نفر	۹ نفر	۰/۹۱
جلسه ششم	۰	۰	۳ نفر	۸ نفر	۱
جلسه هفتم	۰	۰	۱ نفر	۱۰ نفر	۱
جلسه هشتم	۰	۰	۰ نفر	۱۱ نفر	۱

### بحث و نتیجه‌گیری

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که آنچه به عنوان مبنای طراحی بسته ذکر مورد توجه قرار گرفته است به دلیل استفاده از منابع اسلامی و تأکید بر ذکر به عنوان مقابله‌ای مذهبی، با برخی تحقیقات همسویی قابل قبولی دارد. برای مثال، بنیادی (۱۳۹۳) و تقدیری (۱۳۸۷)، از طرفی دیگر، معرفت‌های استخراج شده در این پژوهش که به نوعی اسباب رفع غم هستند (و مقابل آنها، اسباب ایجاد غم هستند) با باورهای

ارائه شده توسط پسندیده (۱۳۹۶) و با علل افسردگی که توسط نوربخش (۱۳۸۹) از دل منابع اسلامی استخراج شده و با عوامل افسرده‌سازی که در الگوی چندوجهی اسلامی (غباری‌بناب و همکاران، ۱۳۸۶) آورده شده، همسویی قابل‌قبولی دارند. همچنین پژوهش شریفی (۱۳۹۱)، محمدی و همکاران (۱۳۹۴) و انصاری و همکاران (۱۳۹۵) پشتیبانی‌کننده از برخی معارف استخراج شده در این پژوهش هستند. بنابراین باید گفت، اثرگذاری هر ۱۱ معرفت استخراج شده از اذکار، بر کاهش افسردگی و نشانه‌های آن مورد تأیید پژوهش‌های پیشین می‌باشد. همچنین آنچه در این پژوهش از آثار و کارکردهای ذکر گفته شد، همسو با پژوهش‌های پیشین است (احمدی‌فراز و همکاران، ۱۳۸۷؛ الماسی، ۱۳۸۰؛ نجیبیه، ۱۳۷۹). در این پژوهش، ذکرهای منتخبی که مبنای طراحی بسته آموزشی ذکر قرار گرفت، دارای انطباق خوبی هستند با آنچه در اثری با نام «الگوی شادی از نگاه قرآن و حدیث» (ری‌شهری، ۱۳۹۱، ص ۲۸۱-۲۸۷) آمده است.

از سوی دیگر، بسته آموزشی ذکر، نسبت به برخی الگوهای آموزشی و درمانی موجود از جهاتی متفاوت است: جهت اول، تمرکز این الگو بر کاهش نشانه‌های افسردگی در میان مسلمانان و در جامعه اسلامی است؛ زیرا به‌کارگیری روش‌های درمانی در هر جامعه‌ای باید با ارزش‌های حاکم بر آن جامعه هم‌خوانی داشته باشد تا مؤثرتر واقع گردد که از آن با عنوان روان‌شناسی فرهنگی تعبیر می‌گردد (اتکینسون و دیگران، ۲۰۰۰، ص ۵۹)؛ جهت دوم، ذکر در این الگو نقشی محوری دارد؛ چراکه هم در شناسایی معرفت‌های غم‌زدا، هم در طراحی تکنیک‌ها و هم در تکالیف درمان‌جو از ذکر بهره‌برداری شده است و دلیل این استفاده‌های چندجانبه از ذکر، بازگشت به کارکردهای متنوع ذکر دارد. بنا بر آنچه در این پژوهش نشان داده شده است، ذکر تنها اثری معنوی و ماورایی نداشته، بلکه ارائه معرفت و شناخت حقیقی از جمله کارکردهای مهم اذکار می‌باشد. این برخلاف الگوها و بسته‌های دیگر است که به صورت حداقلی و جنبی به استفاده از ذکر پرداخته‌اند (مانند: غباری‌بناب و همکاران، ۱۳۸۶)؛ جهت سوم، یکی از نقیصه‌های الگوهای شناخت‌درمانی این است که صرفاً با اصلاح شناخت، بهبود حاصل نمی‌شود، بلکه باید تبدیل به ایمان گردد تا در رفتار متجلی شود. مداومت بر اذکار می‌تواند این نقیصه را جبران سازد؛ چراکه با تکرار و مداومت بر یک ذکر، باورهای موجود در آن ذکر به‌طور مکرر مورد توجه واقع می‌شوند و در نتیجه،

زنده و فعال گردیده و در زندگی عملی و نظم رفتاری و تکامل ما نقش ایفا می‌کند؛ جهت چهارم، در این بسته تلاش گردید تا از میان انبوه ذکرها، موثق‌ترین و پرمایه‌ترین آنها مبنای طراحی قرار گیرند؛ چراکه هرچند در ادله سنن تسامح می‌شود، اما توجه به وثوق به سند و صدور بر اتقان کار می‌افزاید، به خلاف برخی دیگر از پژوهش‌ها که صرفاً به جمع‌آوری و نقل ذکرها پرداخته‌اند و چنین دقتی به کار برده نشده است (مانند: تقدیری، ۱۳۸۷؛ ری شهری، ۱۳۹۱)؛ جهت پنجم، در این پژوهش تمامی انواع ذکرهایی که برای رفع غم مفید بوده‌اند، جمع‌آوری گشته‌اند (اعم از اذکار، ادعیه و مناجات، نماز و سوره‌هایی از قرآن و مانند آن) و این کار به مدد جست‌وجوی واژه غم و تمامی مترادف‌های آن صورت پذیرفته است که در نوع خود کم‌نظیر است و در آثار پیشین صرفاً به برخی از آنها و بدون ملاک‌گزینش مشخص اشاره رفته است (مانند: ری شهری، ۱۳۹۱، ص ۲۹۱، ۲۸۱)؛ جهت ششم، هرچند به طور کلی مقابله‌های مذهبی همچون پرداختن به اذکار، ادعیه و مناجات در سلامت روان و کاهش افسردگی نقش دارند، اما در این پژوهش به این حد اکتفا نگردید و تلاش شد تا اذکار مخصوص و مرتبط با اختلال افسردگی مورد استفاده قرار گیرد نه هر ذکر و دعایی و از این جهت نسبت به بسته‌هایی که به منظور کاهش افسردگی طراحی شده و در آنها هر ذکر و دعایی مورد استفاده قرار گرفته است (مانند: بنیادی، ۱۳۹۳)، امتیاز قابل توجه‌ای دارد؛ چراکه اذکار منتخب در پژوهش حاضر، هم اثرات عام این دست مقابله‌های مذهبی را به دنبال خواهد داشت و هم اثرات خاصی که معصومین علیهم‌السلام برای این اذکار بیان داشته‌اند. نتیجه اینکه یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که طراحی بسته آموزشی ذکر به منظور کاهش نشانه‌های افسردگی، قابل تدوین نظری است. در این پژوهش در دو سطح به بررسی روایی پرداخته شده است. ابتدا در سطح معرفت‌های استخراج‌شده از اذکار منتخب (CVI < ۰/۷۹) و سپس در سطح سنجش روایی بسته طراحی شده و نتایج نشان داد که بسته پیشنهادی از روایی مطلوب برخوردار است (برای هر جلسه CVI < ۰/۷۹ و CVR < ۰/۶۲).

## منابع

## • قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الامالی*، تهران، کتابچی.
- — (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، مصحح: علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- اتکینسون، سوزان، هوکسما، نولن، بم، داریل، اسمیت، ادوارد، اتکینسون، ریچارد (۲۰۰۰)، *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*، ترجمه محمدتقی براهنی و همکاران، تهران، رشد.
- احمدی‌فراز، مهدی؛ اژدر، علیرضا؛ زارع، حسین و زمانی، مهدی (۱۳۸۷)، «جایگاه دعا در سلامت جسم و روان»، *تازه‌های روان‌درمانی*، سال هفدهم، ش ۶۱، ص ۱۳۳-۱۴۰.
- الماسی، علی (۱۳۸۰)، *ذکر از دیدگاه قرآن و سنت*، رساله سطح چهار، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- انصاری، حسن؛ فقیهی، علی‌نقی و حسینی‌سمنانی، صدیقه (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر خداینداره (تصور از خدا) صحیح در مقابله با افسردگی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال دهم، ش ۱۸، ص ۱۴۷-۱۶۵.
- آقایی، الهام؛ عابدی، احمد و جمالی‌پاقلعه، سمیه (۱۳۹۱)، «فرا تحلیل اثربخشی مداخلات شناختی-رفتاری بر میزان نشانه‌های افسردگی»، *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد*، ش ۸، ص ۸۰-۸۶.
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۳۷۴)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه بعثه.
- بنیادی، حسین (۱۳۹۳)، *اثربخشی آموزش مهارت‌های مقابله‌ای با رویکرد دینی بر کاهش افسردگی زندانیان زن*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی اخلاق و تربیت قم.
- بهرامی، هادی؛ اخوت، احمدرضا و فیاض، فاطمه (۱۳۹۶)، *معناشناسی افسردگی از منظر قرآن*، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۶)، *الگوی اسلامی شادکامی*، چ چهارم، قم، دارالحدیث.
- تقدیری، محمد (۱۳۸۷)، *افسردگی و حزن در آیات و روایات و روان‌شناسی*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد الهیات و معارف اسلامی، چاپ نشده.
- جعفر بن محمد، امام صادق (۱۳۶۰)، *مصباح الشریعة*، ترجمه حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷)، *دانش و روش بندگی*، تحقیق و تنظیم: محمد محرابی، قم، اسراء.
- حاجی‌زاده، ابراهیم و اصغری، محمد (۱۳۹۴)، *روش‌های تحلیل‌های آماری*، تهران، جهاد دانشگاهی.
- دادستان، پریخ (۱۳۹۴)، *روان‌شناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی*، تهران، سمت.
- رفیعی‌پور، علیرضا (۱۳۸۷)، *نقش ادعیه مأثوره در اخلاق و سلامت روح*، رساله علمی سطح سه، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.

- رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۷)، **الگوی درمانی خودنظم‌جویی برای افسردگی بر اساس منابع اسلامی**، رساله دکتری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی .
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۵)، «نگاهی به مفهوم شخصیت در منابع اسلامی»، **اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی**، دوره دوم، ش ۲، ص ۵۱-۶۱.
- شریفی، مرضیه (۱۳۹۱)، «درآمدی بر رویکرد اسلامی درمان افسردگی با محوریت صحیفه سجادیه»، **معرفت**، سال بیست و یکم، ش ۱۷۴، ص ۵۹۴۳.
- شیروانی، علی (۱۳۹۰)، **ترجمه نهج البلاغه**، قم، معارف.
- صادقی‌جان‌بهن، محمود (۱۳۷۸)، **تحلیل روان‌شناختی نیایش "دعا" تکنیکی در روان‌درمانی**، تهران، طریق.
- صالح، صبحی (۱۴۱۴ق)، **نهج البلاغه**، قم، هجرت.
- طباطبایی، سیدکاظم (۱۳۹۰)، **منطق فهم حدیث**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی .
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا)، **تفسیر مجمع‌البیان**، ترجمه حسین نوری همدانی، احمد بهشتی، هاشم رسولی، علی صحت، ضیاءالدین نجفی، علی کاظمی، ابراهیم میرباقری، محمد رازی، تهران، فراهانی، نسخه موجود در نرم افزار جامع التفاسیر نور ۳.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، **الامالی**، قم، دارالثقافه.
- العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، **تفسیر نورالثقلین**، مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
- علی بن موسی، امام هشتم (۱۴۰۶ق)، **الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا**، مشهد، مؤسسه آل‌البیت .
- علی بن الحسین، امام سجاد (۱۳۷۶)، **صحیفه سجادیه**، قم، الهادی.
- غباری‌بناب، باقر؛ فقیهی، علی نقی و قاسمی‌پور، یدالله (۱۳۸۶)، «مقایسه الگوی چندوجهی اسلامی با مدل شناختی بک در درمان افسردگی»، **مطالعات اسلام و روان‌شناسی**، سال اول، ش ۱، ص ۸۶-۶۹.
- غلام‌محمدی، هادی؛ موزیری، عباس؛ واحدی، ناصر و حسین‌پور، امیرحسین (۱۳۹۴)، «اثربخشی آموزش گروهی توکل به خدا بر کاهش افسردگی سالمندان مرد»، **سالمند**، ش ۳۷، ص ۱۶۷-۱۷۳.
- فیاض، فاطمه؛ بهرامی‌احسان، هادی و اخوت، احمدرضا (۱۳۹۴)، «ساخت مقدماتی مقیاس تشخیصی افسردگی مبتنی بر بعضی سوره‌های قرآن کریم»، **مطالعات اسلام و روان‌شناسی**، سال نهم، ش ۱۷، ص ۱۵۴-۱۸۰.
- قاسم‌نژاد، زهرا و قاسمی‌پور، رسول (۱۳۹۷)، «ابعاد روان‌شناختی دعای عرفه در درمان بیماری‌های روانی»، **پنجمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی**، علوم تربیتی و سبک زندگی.

- قاضی زاده هاشمی، سیدحسین (۱۳۹۵)، «آمار میزان افسردگی ایرانیان از زبان وزیر بهداشت»، بازیابی ۱ مهر، ۱۳۹۸ از <http://www.hamshahronline.ir/news/366509>
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۰۷ق)، *قاموس قرآن*، چ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب اسلامیه.
- گراهام، پاول؛ لیندزی، جی. ای، هامایاک (۱۳۷۹)، *تشخیص و درمان اختلال های روانی بزرگسالان در روان شناسی بالینی*، ترجمه محمدرضا نیکخو، تهران، نشر سخن.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و الموعظ*، مصحح: حسین حسینی بیرجندی، قم، دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۱)، *الگوی شادی از نگاه قرآن و حدیث*، ترجمه مرتضی خوش نصیب، قم، دارالحدیث.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *ترجمه مصباح الشریعه*، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه الامیرالمؤمنین بن ابی طالب .
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۷)، *شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)*، چ بیستم، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی .
- — (۱۳۹۱)، *تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نجیبه، امیر (۱۳۷۹)، *تأثیر ذکر و تلقین در سازندگی انسان از دیدگاه قرآن و حدیث*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- نوربخش، سیدروح الله (۱۳۸۹)، *مبانی نظری علت شناسی افسردگی از دیدگاه اسلام و مقایسه آن با روان شناسی معاصر*، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی .
- هادی، مهدی و جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۸)، «اثر بخشی درمان یکپارچه توحیدی بر مؤلفه های شخصیت و بالینی»، *روان شناسی و دین*، سال دوم، ش ۲، ص ۱۰۴-۷۱.
- **World Health Organization** (2017), Depression. retrieve in 6 oct 2019, from: [www.who.int/mental\\_health/management/depression/en](http://www.who.int/mental_health/management/depression/en).

# اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (ص ۳۱-۵۲)

## طراحی الگوی مفهومی روش تربیتی تلقین از منظر اسلام (استراتژی تئوری داده‌بنیاد متنی)

### Designing the conceptual pattern of educational method of induction from the perspective of Islam (Grounded Theory Strategy)

✉ **یعقوب زارع** / عضو هیأت علمی و دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، کهگیلویه و بویراحمد، ایران.  
**زهرا اسمعیلی** / استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، کهگیلویه و بویراحمد، ایران.  
**محمد رضا سرمدی** / استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، کهگیلویه و بویراحمد، ایران.  
**طیبه صفایی** / استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور، کهگیلویه و بویراحمد، ایران.

**Yaghoub Zare** / Faculty member and PhD student in Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Kohgiluyeh and Boyerahmad, Iran. yaghoobeslamimehr@yahoo.com

**Zohreh Esmaili** / Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Kohgiluyeh and Boyerahmad, Iran.

**Mohammad Reza Sarmadi** / Professor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Kohgiluyeh and Boyerahmad, Iran.

**Tayebeh Safaei** / Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Kohgiluyeh and Boyerahmad, Iran.

#### Abstract

The purpose of this research is designing the conceptual Pattern of Educational Method of induction from the Perspective of Islam. The way of research here is qualitative and uses data-based theoretical Strategy. In this study, the collected verses and hadiths about the educational method were encoded according to the Islamic strategy, then it's tried to analyse the data based on the above mentioned research methodology. The results of the research show that in the process of education, this method can be used from both harmful and desirable aspects, and each of these aspects has special educational effects that can be used to achieve educational goals

#### چکیده

هدف این پژوهش طراحی الگوی مفهومی روش تربیتی تلقین از منظر اسلام است. روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی است و از روش استراتژی داده‌بنیاد استفاده شده است. آیات و احادیث مرتبط گردآوری و کدگذاری شد. با تعیین مفاهیم و ارتباط بین آنها، از مفاهیم استخراج شده به عنوان یک کد در بخش طراحی الگو استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در فرایند تربیت، چنان‌که این روش بدون پشتوانه فکری، استدلالی و ناآگاهانه مورد استفاده قرار گیرد، آسیب‌زا خواهد بود و از

in accordance with the conditions and stages of education. Also, if this method is used without intellectual and reasoning support, it will be harmful. And, on the other hand, if it is consciously expressed in the use of this method, the arguments and points are believed and desirable. In this regard, such a method can be considered from both harmful and desirable aspects, and each of them has special educational effects that can be used in accordance with the conditions and stages of education to achieve the ultimate goals of education

**Keywords:** pattern, Educational Method, Induction, Grounded Theory

سوی دیگر، چنان‌چه در استفاده از این روش استدلال‌ها و نکات جدید به صورت آگاهانه بیان شود، باورساز و مطلوب است. بدین ترتیب این روش می‌تواند از دو جنبه آسیب‌زا و مطلوب مورد توجه قرار گیرد و هر یک از این جنبه‌ها تأثیرات تربیتی ویژه دارد که متناسب با شرایط و مراحل تربیت می‌توان برای نیل به اهداف غایی تربیت بهره جست.

**کلید واژه‌ها:** الگو، روش تربیتی، تلقین، داده‌بنیاد.

## مقدمه

بهره‌گیری از الگوی نظری مناسب، منجر به تحلیل و واکاوی هرچه بهتر پدیده‌های تربیتی می‌شود. در مسائل تعلیم و تربیت نظریات مختلفی وجود دارد که هرکدام با تأکید بر مفروضات مختلف، به بررسی موضوعات تربیتی می‌پردازند. به این دلیل است که در مورد مسائل و مشکلات تربیتی تحلیل‌های مختلفی صورت گرفته است (قائمی مقدم، ۱۳۹۰، ص ۱۴). آگاهی از اسباب و وسائلی که بتواند به‌گونه‌ای سریع و آسان انسان را در رسیدن به اهدافش یاری رساند، ضروری است. به عبارت دیگر، اتخاذ روش‌های مناسب با اهداف از شرایط توفیق در انجام هرکاری است. اسلام، پیروان خود را به اتخاذ روش‌ها و شیوه‌های درست در انجام کارها توصیه کرده است، خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (بقره: ۱۸۹)؛ نیکوکاری بدان نیست که از پشت دیوار به خانه درآیید (چه این کار ناشایسته است)، نیکی آن است که پارسا باشید و در هر کاری از «راه» آن داخل شوید». در تفسیر آیه فوق، امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا؛ هر کاری را از راه خودش باید انجام داد» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۸۰). تربیت تنها به ایجاد رفتارها، حالت‌ها و نگرش‌های معینی در افراد محدود نمی‌شود، بلکه نحوه ایجاد آنها نیز در مفهوم تربیت ملحوظ است. ملاحظه‌های روشی را نمی‌توان از مفهوم تربیت بر کنار دانست. مفهوم تربیت



آن قدر انعطاف پذیر نیست که ما را از لحاظ روشی، محدود به حدودی نکند (باقری، ۱۳۸۶، ص ۶۲). بدین ترتیب به همان میزان که برنامه ریزی برای تربیت ضروری است و کسانی باید به نحو مثبت مشخص کنند که در پی ایجاد چه تغییراتی در افراد هستند؛ آسیب شناسی در تربیت و روش های تربیتی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. آسیب شناسی جنبه منفی این حرکت است که در آن، توجه معطوف به آسیب ها است. آسیب های تربیت نیز، دستیابی به اهداف تربیتی را با مشکل مواجه می کند. از این رو شناخت جنبه های منفی در جریان تربیت، کم بهاتر از شناخت جنبه های مثبت نیست. در قلمرو تعلیم و تربیت برای به فعلیت رساندن استعداد های انسان، مکاتب مختلف تربیتی روش های متفاوتی را عرضه می کنند. در این میان، دین اسلام نیز روش های مخصوص به خود را دارد (باقری، ۱۳۸۲، ص ۳۷). در فرایند تربیت اسلامی، برای تربیت انسان ها، روش های گوناگونی مورد استفاده قرار می گیرد. بهره گیری از روش تربیتی تلقین در تربیت اجتناب ناپذیر است. بدین ترتیب یکی از روش های که می تواند ما را در نهادینه سازی آموزه های دینی یاری کند، «تلقین» است که عنصر محوری آن، ایجاد باور به حقانیت آموزه های دینی از طریق تکرار می باشد. آنچه در ارتباط با روش تربیتی تلقین، مسئله و محل بحث است، چگونگی بهره گیری از این روش و شناخت جنبه های آسیب زا و مطلوب این روش است. در این میان، آنچه تاکنون مورد بحث واقع شده است، جنبه مثبت و ایجابی بوده است و از جنبه ناصواب کمتر سخن گفته شده است. حال با استناد به آموزه های دینی (قرآن و احادیث)، هدف نوشتار حاضر طراحی الگوی مفهومی روش تربیتی تلقین از منظر اسلام است. از این رو، ضمن بررسی مبانی نظری روش تربیتی تلقین، با استفاده از راهبرد پژوهشی داده بنیاد دیدگاه اسلام، در مورد روش تربیتی تلقین و الگوی مفهومی روش تربیتی آن از دیدگاه اسلام تحقیق و تفحص خواهد شد.

### روش پژوهش

استراتژی این تحقیق داده بنیاد است. این استراتژی گرایش به تحقیق کیفی دارد که با همکاری گلیسر و استراوس رشد و توسعه یافته است (خان محمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۷). استراتژی تئوری (مفهوم سازی) داده بنیاد، نوعی روش شناسی عمومی برای تدوین تئوری هایی است که در داده های گردآوری شده و تحلیل شده به صورت نظام مند ریشه دارد. هدف نهایی این استراتژی، ارائه تبیین های جامع تئوریک درباره یک پدیده خاص است که به صورت استقرایی از مطالعه آن پدیده خاص حاصل می شود (دانایی فر، ۱۳۸۷، ص ۳). در این

استراتژی پژوهش سه فرایند مشخص وجود دارد که رویه‌های نمونه‌گیری نوعاً بر اساس آنها انتخاب می‌شوند. این سه فرایند عبارتند از: کد گذاری باز، کد گذاری محوری و کد گذاری انتخابی (باقری، ۱۳۸۹، ص ۱۷). هدف اصلی این تحقیق طراحی الگوی آسیب‌شناسی روش تربیتی تلقین از دیدگاه اسلام است. برای این منظور، ابتدا آیات و احادیث مرتبط با روش مذکور شناسایی و جمع‌آوری شد. در این تحقیق، منبع جمع‌آوری داده‌ها، قرآن و احادیثی بوده که از حیث سند، معتبر بوده است. نخست مجموعه‌ای از مضامین اولیه طی فرایند کدگذاری باز گردآوری شده و از درون آن مقوله‌هایی استخراج گردید. سپس در مرحله کدگذاری محوری، پیوند میان مقوله‌ها در قالب نمونه‌های کدگذاری تعیین شدند و در مرحله کدگذاری انتخابی یکایک اجزای مدل مفهومی تشریح گردید.

### پیشینه پژوهش

آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پرداختن به هر امری، روش خاص خود را دارد، تربیت نیز چنین است؛ باید راه‌های آن را با دقت انتخاب کرد و به درستی اجرا نمود. این مطلب در اندیشه‌های پرورش‌کاران، متفکران و نیز نتایج تحقیقات پژوهشگران هویداست. نتایج تحقیقات باقری (۱۳۸۲)، عبداللهی و موسوی نسب (۱۳۹۳)، خدایاری شوطی و همکاران (۱۳۹۳)، شمخانی و همکاران (۱۳۹۳)، دانش (۱۳۸۹)، کریمی (۱۳۹۳)، موسوی (۱۳۹۲)، حیدری و نصربختیاری (۱۳۸۸)، قاسم پور و جعفری (۱۳۸۸)، اسماعیلی و علی‌پور (۱۳۹۷)، زارعان و موسوی (۱۳۹۴) و کریمی (۱۳۹۶) در ارتباط با روش تربیتی تلقین بیانگر آن است، که آنها در صدد بودند تا با گردآوری دیدگاه‌های مختلف در مورد تلقین و بررسی آنان، فرصتی برای بازناندیشی و تحلیل مفهوم تلقین فراهم آید و با رویکرد دینی روش تربیتی تلقین و جنبه‌های اقوال و افعال و نیز تلفیق قول و فعل انسان مورد بررسی قرار گیرد. همچنین نقش روش تربیتی تلقین در دستیابی به اهداف تربیتی را مورد توجه و بررسی قرار داده‌اند و اهمیت و ضرورت آن را در نظام تربیتی بیان می‌کنند. قائمی مقدم (۱۳۹۰) با دیدگاهی مشابه اندیشمندان فوق، ضمن تبیین روش‌های تربیت آسیب‌زا از منظر تربیت اسلامی، با بیان روش‌های تربیتی به عنوان ضامن تحقق آرمان و اهداف تربیتی، شناخت و انتخاب صحیح و کاربرد درست آنها را مورد توجه قرار داده است. همچنین ضمن بیان روش‌های نادرست تربیتی، به پیامدهای ناگوار این روش‌ها، در متری

اشاره می‌کند. در این میان آنچه تاکنون مورد بحث واقع شده، جنبه ایجابی و مطلوب روش تربیتی تلقین بوده است و از جنبه آسیب‌زا کمتر سخن گفته شده است. افزون بر این، به نظر می‌رسد پژوهشی که به صورت اختصاصی به بررسی آسیب‌شناسی این روش از منظر اسلام پرداخته باشد، هنوز نگاشته نشده و یا حداقل نگارنده در بررسی‌های خود به آن دست نیافته است؛ البته در بعضی کتاب‌ها مقالات به صورت پراکنده تاحدودی مورد بررسی قرار گرفته است. در راستای جبران این کاستی، نوشتار حاضر به بررسی طراحی الگوی مفهومی روش تربیتی تلقین از دیدگاه اسلام پرداخته و جنبه‌های آسیب‌زا و مطلوب آن مورد توجه و بررسی قرار داده است.

## یافته‌های پژوهش

### روش تربیتی تلقین

تربیت دینی از دیرباز موضوع بحث و بررسی اندیشمندان تربیتی با دیدگاه‌های گوناگون فلسفی، علمی و دینی بوده است. همه متخصصان حوزه دین و تعلیم و تربیت بر این باورند که اگر افراد جامعه «زندگی» خود را بر مدار «دین» و «خداابوری» قرار دهند، سلامت و سعادت جامعه در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تضمین می‌شود (قاسم پور دهقانی و جعفری، ۱۳۸۸، ص ۲۸). تربیت دینی به معنای تربیت انسان دین‌دار، تربیت برگرفته از آموزه‌های دین (اسلام) با هدف پرورش انسان دین‌دار به نحوی که در همه ابعاد اعتقادی، عاطفی و رفتاری ملتزم به اسلام باشد. تلقین یکی از روش‌های گوناگونی است که آگاهانه و غیرآگاهانه برای آموزش مفاهیم دینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این روش، به اقتضای شرایط متربیان و محتواهای آموزشی در کنار روش‌های استدلالی می‌توان بهره گرفت (زارعان و موسوی، ۱۳۹۴، ص ۱۱). با بررسی‌های انجام شده در حوزه تربیت دینی و رابطه اش با تلقین دست‌کم سه دیدگاه وجود دارد:

### ابعاد ارتباط تلقین با تربیت دینی

دیدگاه اول؛ زشت‌انگاری مطلق تلقین و استحاله تربیت دینی است، نظریه افرادی چون هرست و پیترز است. پل هرست از جمله افرادی است که با رویکرد تحلیلی به مفهوم تربیت، تربیت دینی و تلقین و رابطه این مفاهیم پرداخته است. وی در تحلیل مفهوم تربیت دینی بر این باور است که این مفهوم کاملاً ناسازگار است و از این دو کلمه نمی‌توان در حالت ترکیب معنایی استفاده کرد (حیدری و نصر بختیاری، ۱۳۸۸، ص ۸۶).

دیدگاه دوم؛ زشت‌انگاری مطلق تلقین، امکان تربیت دینی و ممنوعیت کاربرد تلقین است. در این دیدگاه، در عین اینکه تلقین را ماهیتاً زشت می‌شمارد؛ اما از امکان فلسفی «تربیت دینی» دفاع می‌کند؛ ایده بسیاری از محققان ایرانی (حیدری و نصریختیاری، ۱۳۸۸؛ باقری، ۱۳۸۶؛ جباری و سجادی، ۱۳۸۸ و قاسم‌پور و جعفری، ۱۳۸۸) که مدافع تربیت دینی به شمار می‌آیند این چنین است. ایشان در مقابل چالش‌های فلسفه تحلیلی از امکان تربیت دینی دفاع می‌کنند؛ اما تلقین را در تربیت دینی مردود می‌شمارند و در عین حال با تکیه بر رویکرد عقل‌گرایی، به ممنوعیت روش تلقین در تربیت دینی، نظر می‌دهند.

دیدگاه سوم؛ زشت‌انگاری مقید تلقین، امکان تربیت دینی و بهره‌گیری متناسب از تلقین در تربیت دینی است. بر خلاف دو دیدگاه پیشین که تلقین را ماهیتاً زشت و غیر اخلاقی می‌شمارند و تنها بر سر تعیین معیار اصلی آن با هم اختلاف دارند مدعی است که به تبع شرایط و به تناسب مراحل تربیت و نیز برای نیل به اهداف عالی تربیت، می‌توان از تلقین در «تربیت دینی»، بهره جست در عین اینکه در شماری از موارد نیز کاربرد تلقین زشت و ممنوع است (موسوی، ۱۳۹۲، ص ۴۵). این پژوهش ضمن پذیرش رویکرد سوم مبنی بر زشت‌انگاری مقید تلقین، بر این باور است که، با توجه به ویژگی‌های مراحل تربیت، متناسب با هر مرحله می‌توان از روش تلقین بهره جست. با این توضیحات، ارائه تحلیلی از مفهوم تلقین و تلاش برای یافتن هسته معنایی آن و وجه تمایز تلقین از غیرتلقین، اهمیت دوچندان می‌یابد. نوشتار پیش‌رو درصدد است تا با تعریف تلقین، جایگاه آن را در فضای تربیتی روشن نماید.

### جایگاه شناسی تلقین

«تلقین» یکی از روش‌های تأثیر گذار بر نفس و روح آدمی است. برخی پژوهشگران تربیت اسلامی، بر این باورند که با تکیه بر مبنای «تأثیر ظاهر بر باطن»، روش‌هایی در نظام تربیتی اسلام توصیه شده، مانند «تحلم» که ماهیتاً مشمول عنوان «تلقین» است (باقری، ۱۳۸۲، ص ۷۰). در علم اخلاق نیز «تلقین به نفس» به عنوان راهکاری جهت درونی کردن صفات حسنه مطرح شده است. در روان‌شناسی، تلقین به عنوان شیوه‌ای درمانی برای بیمارهایی مانند کم‌رویی به کار می‌رود. امروزه تلقین درمانی در بیشتر کلینیک‌های روان‌درمانی جهان رواج دارد و بسیار تأثیر گذار است. در بحث ظرفیت‌های روان‌شناختی، تلقین به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ادراک شمرده شده و نیز تلقین به مخاطب در زمان وارد شدن هیجانات شدید و

تلقین به نفس در حالت هوشیاری، از جمله راه‌های ورود و تأثیر گذاری بر سطح ناهشیار انسان محسوب می‌شود (عبد الهی و موسوی نسب، ۱۳۹۳، ص ۸۳). در روان‌شناسی ثابت شده است که روح انسان دارای دو لایه است؛ یکی خودآگاه و دیگری ناخودآگاه. تمامی افکار، احساسات، و عواطف زودگذر که با اراده آدمی در صفحه دل پدیدار می‌شوند و با اراده او رخت بر می‌بندند و یا در محدوده تعقل و استدلال عقلی جای می‌گیرند در عمق جان آدمی ریشه نگرفته‌اند، در لایه سطحی و خودآگاه روان او ظهور و بروز دارند. ولی آنچه از این دست که به باطن روح رسیده و در آن جا قرار گرفته باشند، محتویات ضمیر پنهان و ناخودآگاه بشر را تشکیل می‌دهد، روح باطن از ضمیر ظاهر تغذیه می‌کند و هیچ یک از یافته‌های ضمیر خودآگاه به کلی نابود نگشته بلکه منزل عوض کرده و در ضمیر ناخودآگاه مأوی می‌گزینند. چنانچه در همین زمینه قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى (طه، آیه ۷)؛ اگر گفته آشکاری بگویی او به اسرار و آنچه پنهان می‌شود آگاه است». از معصومان علیهم‌السلام این چنین در تفسیر آیه شریفه آمده است: «السِّرُّ مَا أَخْفَيْتَهُ فِي نَفْسِكَ وَأَخْفَى مَا خَطَرَ بِبَالِكَ ثُمَّ أَنْسَيْتَهُ؛ «سر» چیزی که در نفس خود پوشیده می‌داری و «اخفی» موضوعی است که به ذهنت آمده سپس آن را به فراموشی سپرده‌ای» (موسوی کاشمیری، ۱۳۸۶، ص ۱۶۸). شاید مقصود آیه، اشاره به همین‌گونه امور پنهانی روان بشری باشد که در روان‌شناسی جدید مورد توجه قرار گرفته است. مکتوبات ضمیر باطن، در صورتی که در نفس نهادینه و راسخ شوند به‌طور خودکار عمل می‌کنند و آن چنان قدرتی می‌یابند که تمامی افکار و احساسات بشر را تحت شعاع خویش می‌گیرند، تا جایی که نیروی اراده نیز از تأثیرات آن بر کنار نمی‌ماند. تلقین در ظاهر امری قولی است اما با توجه به اینکه تأثیر آن در درون آدمی و در قالب بازتاب‌های عملی در اعضاء و جوارح نمود پیدا می‌کند، بنابراین تلفیق جنبه فعلی نیز دارد. تلقین فعلی یعنی صورت فعل مطلوب به تظاهر بر اعضا و جوارح خویش آشکار شود، در حالی که آن فعل و آثار آن در ما ریشه ندانده است، مانند توصیه قرآن به تواضع که می‌فرماید: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا (فرقان، آیه ۶۳)؛ و بندگان خدا کسانی هستند که بر زمین با تواضع گام می‌زنند». یعنی انسان در ظاهر خود را فرودست جلوه دهد و حاصل آن کنترل عجب و غرور است. با این توصیفات تلقین چه در بعد قولی و چه در بعد فعلی می‌تواند جنبه مطلوب داشته باشد که تأثیرات تربیتی ویژه‌ای دارد (حاجی بابائیان، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶). تلقین قولی (ذکر) و موارد کاربرد آن در قرآن و روایات مورد توجه قرار گرفته است. با جستجو در آیات قرآن، ذکر لفظی خداوند فراوان مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است، به گونه‌ای که واژه ذکر و مشتقات آن ۲۶۳ بار در قرآن آمده است: «وَأذْكُرِ اسْمَ

رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا (مزل، آیه ۸)؛ و نام پروردگارت را یاد کن و از همه بتر و به او ببیوند». بدین سان یادآوری و به زبان آوردن اسماء خداوند متعال و گذراندن آن از قلب موجب می‌گردد که انسان هنگام خطر از یأس و حرمان نجات یابد. همچنین آوردن نام خداوند بر زبان باعث امیدواری و شادمانی انسان می‌شود، آنگاه که انسان به موفقیتی نائل آید اگر خدای را سپاس گوید و هر توفیقی را ناشی از امداد الهی بداند، حجب و غرور از او دور می‌شود و از جانبی دیگر این انسان در مواقعی که دچار لغزش می‌گردد با طلب مغفرت زمینه بازگشت خودش را فراهم می‌نماید. چراکه خداوند «غَفَّار» بسیار آمرزنده است (همان، ص ۱۰۷). با عنایت به توانایی‌های ذهنی و قدرت درک انسان در مراحل مختلف زندگی، بهره‌گیری از روش تلقین بر اساس رویکرد خود تربیتی در کلام معصومین علیهم‌السلام و آیات قرآن به شرح ذیل مورد توجه قرار گرفته است. احادیث زیر بیانگر چگونگی تلقین قولی از طریق ذکر و یاد کردن خدا است. در ارتباط با نقش ذکر و یاد خدا امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «الذِّكْرُ نُورُ الْعُقُولِ وَحَيَاةُ النَّفْسِ وَجَلَاءُ الصُّدُورِ؛ یاد خدا روشنایی خردهاست و زندگی بخش جان‌ها و صیقل‌دهنده سینه‌ها (میزان الحکمه، ج ۴). همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «شفا یابی دل‌ها در پرتو یاد و ذکر الهی صورت می‌گیرد» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ح ۱۷۵). هدایت و تربیت انسان‌ها به شیوه تلقین از طریق تذکر مورد توجه و عنایت معصومین علیهم‌السلام بوده است به نوعی که در فرصت‌ها و موقعیت‌های مختلف بدان اشاره کرده و به آن تأکید ورزیده‌اند (حاجی بابائیان، ۱۳۹۰، ص ۱۰۹). بخشی از آسیب‌های انسان در زندگی ناشی از غفلت است و ذکر و یاد خدا این غفلت را از بین می‌برد، در چنین موضعی انسان تن به نافرمانی خدا نمی‌دهد و همواره خود را در محضر حضرت حق می‌بیند و این مقدمه فلاح و رستگاری انسان است. اثرات تلقین قولی (ذکر) به دلیل نقش خاصی که بر باطن و درون انسان می‌گذارد، از دو جنبه مطلوب و آسیب‌زا در رفتار انسان قابل مشاهده است. به لحاظ مطلوب تلقین عملی آن است که عمل و رفتار خاصی در اعضا و جوارح فرد آشکار گردد. در حالی که آن رفتار در عمق وجود او ریشه‌ای نداشته بود و از جنبه آسیب‌زا هدف این است که فرد فعل و رفتاری نامطلوب را از خود دور کند، در شرایطی که ممکن است آثار آن در درون ریشه دوانده باشند. از مصادیق آن «تباکی» یعنی نقش‌گریه کردن را به خود گرفتن که در نماز وتر مستحب است. اگر نمازگزار نمی‌تواند گریه کند، حالت گریه به خود بگیرد تا آن حال تواضع و خشوع در او ایجاد گردد. این خود بیانگر اهمیت و چگونگی تلقین فعلی است (باقری، ۱۳۸۲، ص ۶۷). امیرالمؤمنین علیه‌السلام در گفتاری با همین مضمون چنین فرموده است: «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلَمٌ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ؛ اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری بنمای،

زیرا اندک است کسی که خود را مانند مردمی کنند و جمله آنها به شمار نیاید» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷). نمونه دیگری از تلقین فعلی سفارشی است که لقمان حکیم به فرزندش می‌کند: «... وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا (اسراء، آیه ۳۷)؛ به هنگام راه رفتن با کبر و سرمستی بر زمین گام مزین». تواضع به معنای فروتنی و خود را فرودست جلوه دادن است و نتیجه این فعل کنترل عجب و غرور است. هنگامی که تلقین قولی و فعلی درهم آمیخته می‌شوند، اثرات شگرفی به بار می‌آورند، نماز و دیگر عبادات خود جلوه‌های متعالی این هم‌آوایی هستند و هریک از این عبادات موجب برانگیختگی حالاتی باطنی و درونی در فرد می‌گردد، به گونه‌ای که وقتی بنده در برابر معبود مخلصانه او را می‌خواند در واقع نوعی رهایی از بندگی، زر، زور و تزویر است و این خود گام مهمی در راه رشد و تعالی انسان‌ها به شمار می‌آید (حاجی بابائیان، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳). در ارتباط با چگونگی استفاده از روش تربیتی تلقین در مراحل تربیت می‌توان گفت، با توجه به مفهوم تربیت دینی، یعنی جریان ربوبی شدن و ربوبی ساختن آدمی، باید پذیرفت که دوره آغازین کودکی به منزله دوره مقدماتی برای ورود به تربیت دینی است و در واقع باید در این مقطع، به آماده‌سازی کودک برای ورود به قلمرو اصلی تربیت دینی پرداخت. امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن روایتی، هفت سال اول زندگی را سنین تربیت و پرورش نامیده‌اند (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ح ۴۷۴۶). در این دوره با توجه به ویژگی‌های هم‌سو با تلقین‌پذیری چون محدودیت ظرفیت شناختی، آغاز شکل‌گیری شخصیت، یادگیری مشاهده‌ای، تقلیدپذیری، عادت‌پذیری و علاقه به تکرار می‌توان پاره‌ای از روش‌های آموزشی خاص این دوره، همچون تلقین را به‌کار گرفت (عبداللهی و موسوی نسب، ۱۳۹۳، ص ۹۳). برای مثال باید ظواهر کودک را به سمت گفتارها و رفتارهای مطلوب هدایت کرد و از انواع روش‌های تلقین به نفس استفاده کرد. در تلقین قولی می‌توان به کودک کمک کرد تا سخنانی را بر زبان جاری کند و در برابر حالات مطلوب قرار گیرد. در تلقین فعلی می‌توان به کودک کمک کرد تا در برابر عملی قرار گیرد که از آن طریق حالات درونی مطلوبی در او ایجاد شود (باقری، ۱۳۸۲). اما زمانی که وارد مرحله و قلمروی اصلی تربیت دینی شد، به‌منظور کسب پاره‌ای از صفات و ویژگی‌های برتر انسانی و اخلاقی، می‌تواند از روش تلقین و تحمیل به نفس استفاده کند. نتیجه این مرحله، تلقین افکار و تحمیل اعمال بر خویشتن و ظهور وضعیتی درونی است که طی آن، ایمان فرد درونی و تثبیت می‌شود (قاسم پور و جعفری، ۱۳۸۸، ص ۳۹). با توجه به پیامدهای ذکر شده که به دنبال به‌کارگیری تلقین پیدا می‌شود، باید اقرار کرد که نمی‌توان به‌طور مطلق به‌طرد و نامطلوبی این روش حکم داد. حقیقت این است که روش‌های آموزشی در هر دوره از رشد انسان بر مبانی و اصول مشخصی



استوار است که امکان اجازه کاربرد آن روش را فراهم می‌سازد. همان‌گونه که همه روش‌های تربیتی می‌توانند آسیب‌زا باشند، تلقین نیز در شرایطی می‌تواند آسیب‌زا باشد. اما با توجه به مراحل تربیت و شرایط رشد شناختی متربیان و نیز با توجه به محتواهای آموزشی، می‌توان به شکل مطلوب در مقاطع سنی و محتواهای خاص، از آموزش تلقینی در تربیت بهره گرفت.

### معانی لغوی و اصطلاحی تلقین

واژه تلقین تباری عربی دارد و از ماده «ل ق ن» و مصدر باب تفعیل و به معنای «تفهیم» است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ص ۱۶۳). و «لَقِن» به «انسان زود فهم» گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۲۶۰). این واژه در عربی معاصر، «دیگته کردن» و «درس دادن» معنا می‌دهد و برای ابراز معنای پذیرشی (مطاوعه) آن، از لفظ «تَلَقَّن» بهره گرفته می‌شود که در عربی رایج به معنای «درس گرفتن»، «فراگرفتن»، «درک کردن»، «فهمیدن»، «آگاهی یافتن» و «دریافتن» استعمال می‌شود (موسوی، ۱۳۹۲، ص ۵۳). در شمار کاربردهای واژه تلقین و مشتقاتش در عربی قدیم نیز، معنای «تفهیم» مشاهده می‌شود. برای نمونه امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي فَأَعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِي وَ... وَ لَقِّنِي فِيهَا حُجَّتِي؛ خداوند، این است حاجت من، پس میل مرا نسبت به آن افزون کن و ... استدلال در آنها را به من تلقین (تفهیم) کن» (صحیفه سجادیه، دعای ۵۴، بند ۷). در معجم‌های فرق‌شناسی واژه‌ها نیز به تفاوت‌های دو واژه «تلقین» و «تعلیم» توجه شده و تلقین را القای شفاهی گفتار و سخن به مخاطب به قصد تفهیم با تکرار دانسته‌اند، برخلاف «تعلیم» که چنین قیدهایی ندارد (عسکری، ۱۴۱۲، ص ۱۴۱). به عبارت دیگر، تلقین نوع خاصی از تعلیم به شمار می‌رود که عبارت است از «تعلیم شفاهی به همراه آموزش گفتار (نه رفتار و مهارت) با هدف تفهیم و به همراه تکرار». واژه تلقین در زبان فارسی، به معنای «فهمانیدن»، «تعلیم و تربیت و آموختن» و «گرفتن سخن از کسی» به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۹۱، ص ۶۰۸۲). ملاحظه می‌شود، هسته مرکزی معنای این واژه عبارت است از «انتقال مفاهیم و آگاهی‌ها و تفهیم». معادل واژه تلقین در «زبان انگلیسی»، در معانی «تلقین»، «القا»، «ارشاد» و «تعلیم» به کار می‌رود (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۲۵۵). از آنجا که تلقین از باب تفعیل است و معنایی متعددی دارد، در معنای اولیه خود چه در فارسی و عربی و چه در انگلیسی، به معنای «دگر تلقینی» به کار می‌رود و پذیرنده تلقین فردی است غیر از انسان تلقین‌کننده؛ اما با گذشت زمان و توسعه در مصداق، «خود تلقینی» و «خودتفهیمی» نیز به دایره کاربردها اضافه شده و «تلقین به نفس» در اخلاق و روان‌شناسی نیز مدنظر قرار گرفته است. همچنین از دیگر معانی تلقین، وحی، الهام و وسوسه



است. به عبارت دیگر علاوه بر اینکه این واژه در مورد رابطه انسان با انسان دیگر به کار می‌رود، در رابطه غیرانسان با انسان، از جمله خداوند یا فرشته یا جن و شیطان و القاء پیام به انسان، نیز به کار می‌رود. از سوی دیگر، دایره کاربردها، از تلقین انسان به انسان زنده دیگر، توسعه یافت و در ترکیب، «تلقین گفتن» به معنایی ویژه به کار رفته است که عبارت است از: «آنچه پس از دفن کردن مرده از مسائل دینی بر سر گور او گفته می‌شود» (دهخدا، ۱۳۹۱، ص ۶۰۸۲). البته این معنا، در واقع اصطلاح و کاربردی تخصصی از دانش فقه است که در عرف مسلمان رایج شده است. به همین دلیل، در ادبیات فقهی، از آن در مباحث طهارت به شکل «تلقین مُحتَصِر» و «تلقین میّت» نام برده شده است. البته در فقه ترکیبات دیگری چون «تلقین لِعان»، «تلقین اِقْرار» و «تلقین حاکم و قاضی» نیز استعمال می‌شود. در همه این کاربردها، تلقین معنای لغوی خود را حفظ کرده است. بنابراین تلقین از منظر لغوی، هسته معنای آن «تفهیم و تعلیم به انسان» است؛ خواه تفهیم به خود باشد یا دیگری، و خواه تفهیم‌کننده انسان باشد یا غیر انسان و خواه تفهیم‌شونده، زنده باشد یا مرده. هرچند در کاربردی دیگر، روش تفهیم و انتقال مفهیم به شیوه‌ای ویژه تخصیص یافته و آن، معنایی بود که دهخدا نقل کرده است؛ یعنی «چیزی را در فکر کسی حقیقت جلوه دادن» و «کسی را به چیزی معتقد کردن» (موسوی، ۱۳۹۲، ص ۵۴).

نتیجه آنکه معنای لغوی واژه تلقین در سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی دارای یک هسته معنایی است؛ یعنی «فهماندن و انتقال مطالب به انسان». بنابراین آنچه از معجم فروق اللغویه استنتاج شده مبنی بر اینکه مفهوم تعلیم اعم از مفهوم تلقین است و اینکه تلقین تدریسی ویژه است (یعنی «القای شفاهی گفتار با تکرار به مخاطب به قصد تفهیم»)، نیز مؤید این برداشت است. شایان ذکر است که فارابی هم تلقین را به معنای «تفهیم و تعلیم» می‌داند (فارابی، ۱۴۰۸، ص ۳۲۸) و مؤید سخن ابن‌معجم و فارابی، نیز دیدگاه یکی از متخصصان تعلیم و تربیت در مغرب است. وایت عقیده دارد که در طول تاریخ به تمایز آشکار بین تلقین و تدریس توجه نشده است. در گذشته، لغت تلقین به معنای تدریس به مفهوم کلی به کار رفته است؛ تلقین کردن یک نفر به یک نفر، صرفاً به معنای وادار ساختن او به یادگرفتن مطالب معین بود. در قرن حاضر معنای این لغت دقیق‌تر شده است، هم اکنون منظور از تلقین نوعی تدریس ویژه است. از این نوع تدریس به مقصود هر یک از معلمان در ارائه مطالب بستگی دارد (موسوی، ۱۳۹۲، ص ۵۴). برای تلقین معانی لغوی متعددی ذکر شده است. می‌توان تعاریف اصطلاحی نیز برای تلقین یافت که برخی به «خودتلقینی» و بعضی دیگر اشاره به «دگرتلقینی» ناظرند. در اینجا چند نمونه که با معنای مورد نظر مرتبط است، ذکر می‌گردد: در روان‌شناسی،

تلقین یعنی «قبولاندن عقیده، باور، تلقی یا احساسی به کسی معمولاً با تکرار و بدون درک و اذعان» (انوری، ۱۳۸۵، ص ۶۵۵). بنا بر نظر برخی اندیشمندان تربیت اسلامی، «تلقین به نفس»، یعنی «از طریق به زبان آوردن قولی معین یا آشکار ساختن عملی در اعضاء و جوارح، تغییری به مقتضای آن در ضمیر پدید آید» (باقری، ۱۳۸۲، ص ۶۸) برخی پژوهشگران فلسفه تحلیلی تعلیم و تربیت، تلقین را چنین تعریف کرده‌اند: فرونشاندن هر نوع آموزه یا باور در ذهن فرد که به ایجاد تعهدی تزلزل ناپذیر نسبت به حقانیت آن منجر شود؛ به طوری که درهای ذهن خود را بر هر احتمالی دایر بر خطا بودن آن آموزه یا باور ببندد (عبدالهی و موسوی نسب، ۱۳۹۳، ص ۸۴). با بهره‌گیری از معانی لغوی و اصطلاحی ارائه شده، تعریف و نکاتی برای تلقین ارائه می‌گردد که گویای معنای مورد نظر در این نوشتار است: تلقین، یعنی ایجاد باور در خود یا دیگری از طریق تکرار نظام‌مند محتوای تلقینی، در قالب‌های متنوع، متناسب مراحل تربیتی تلقین‌شونده (متربی) در یک فرایند تربیتی، همراه با حفظ قدرت اراده، انتخاب‌گری و پرورش اندیشه است. به‌گونه‌ای که این فرایند سبب تثبیت و افزایش اعتماد وی به حقانیت آموزه‌های آن محتوا و جلوگیری از غفلت و فراموشی گردد و همچنین به‌ایجاد مصونیت در برابر اندیشه‌ها و رفتارهای تردیدزا و تزلزل‌آفرین دست یابد.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به اصول اولیه نظریه داده‌بنیاد، با روشن شدن حوزه تحقیق و کلیاتی از موضوع تحقیق، حال محقق عملاً کدگذاری در حوزه روش تربیتی تلقین را آغاز نموده است. البته لازم به یادآوری است ادبیات موضوع برخلاف بسیاری از مطالعات، مقدم بر جمع‌آوری داده‌ها نبوده، بلکه به عنوان بخشی از فرایند استقرایی، فرایند جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل هم‌زمان تفسیر خواهد شد. پس از پایان نسبی کار، مرحله عنوان‌بندی و کدگذاری داده‌ها فرا می‌رسد. البته ضرورت اقتضا می‌نماید که به‌طور مستمر جمع‌آوری، تکمیل و اصلاح داده‌ها در طول تحقیق (تا نقطه اشباع) بارها بارها تکرار شود، نکته‌ای که به عقیده صاحب‌نظران از مزایا و محاسن روش نظریه داده‌بنیاد است. بدین‌منظور برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، کدگذاری باز انجام شد. کدگذاری باز بدین‌صورت بود که آیات و احادیثی که در مورد روش تربیتی تلقین بود مورد بررسی قرار گرفت. گزینش این آیات و احادیث با توجه به جستجوی مفهوم تلقین بوده است. که ۳۲ آیه و حدیث را در بر می‌گیرد. جدول کدگذاری باز در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود.

## جدول ۱: کدگذاری باز روش تربیتی تلقین

شناسه	ترجمه آیه و حدیث (داده)	مفهوم (کد)	مقولات
a۱	خدایا این است حاجت من، پس میل مرا نسبت به آن افزون کن و... استدلال در آنها را به من تلقین (تفهیم) کن. امام سجاد <small>علیه السلام</small>	نقش رغبت و اشتیاق در تفهیم	تکرار همراه با ایجاد باور در سلامت جسمی و روحی
a۲	اگر گفته آشکاری بگویی او به اسرار و آنچه پنهان می‌شود آگاه است. (طه، آیه ۷)	تأثیر پذیری ضمیر باطن از ظاهر	
a۳	نخستین کلمه‌ای که بر زبان کودک می‌گذارید باید کلمه «لا اله الا الله» باشد. پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	القای شفاهی گفتار با تکرار	
a۴	هرکسی که به تربیت کودک اشتغال دارد، زمانی که کودک لب به «لا اله الا الله» بگشاید، خداوند گناهانش را محاسبه نمی‌کند. پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	تأثیر تکرار و یادآوری بر تهذیب	
a۵	اطفال را برای گریستن نزنید، زیرا گریه آنها تا چهار ماه شهادت به توحید و چهار ماه صلوات و دعای پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و چهار ماه برای پدر و مادر می‌باشد. رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>	توجه به ذکر و تکرار	
a۶	هر کس دارای فرزند شد لازم در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گوید، که این کار نوزاد را از گزند شیطان رانده شده‌ی درگاه الهی، مصون می‌دارد. رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>	نقش ذکر در سلامت روحی و جسمی	
a۷	وقتی بچه سه ساله شد، کلمه «لا اله الا الله» را یادش بدهید، سپس او را کنید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، آن‌گاه «محمد رسول الله» را یادش بدهید. سپس تا چهار سالگی او را رها سازید. و در سن چهارسالگی صلوات بر محمد را یادش بدهید. امام صادق <small>علیه السلام</small>	توجه به تکرار و مداومت بر عمل	
a۸	ای فرزند آدم مرا در دلت زیاد یاد کن، تا تورا یاد کنم. ای فرزند آدم مرا در خلوت یاد کن تا در خلوت یاد کنم و در میان جمع یادم کن تا در میان جمعیت یادت کنم.	ذکر زمینه ساز توجه پروردگار	
a۹	ذکر خدا موجب نورانیت عقل، زنده شدن نفس و صیقل دادن قلب است. امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	تأثیر ذکر خدا در صفای دل و جان	
a۱۰	شفایابی دل‌ها در پرتو یاد و ذکر الهی صورت می‌گیرد. امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	نقش یاد خدا در شفایابی دل	
a۱۱	خداوند پیامبران خود را برانگیخت و هر از چندگاه متناسب با خواسته‌های انسان‌ها رسولان خود را پی‌درپی فرستاد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان بازجویند و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آورند. (نهج البلاغه، خطبه ۱)	نقش ذکر و یاد خدا در غفلت زدایی	

اثرات مخرب نادرستی کلام	نقش نزاع و مشاجره در بیماری دل	برای دفاع از دینتان، با مردم نزاع و مشاجره لفظی نکنید زیرا این کار، دل را بیمار می‌کند. امام صادق <small>علیه السلام</small>	a12
	استفاده از زبان زور در اوج قدرت	بنگر که هرگز حرف زوری از دهانت خارج نشود، اگرچه از قدرت خودت و خوبشاوندانت مطمئن هستی. امام صادق <small>علیه السلام</small>	a13
نقش عمل صحیح درهدایت	تأثیر آماده بودن ذهن بر ماندگاری دانش	آموختن دانش در کودکی مانند کنده‌کاری بر سنگ ماندگار است. امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	a14
	تأثیر دعوت بر پذیرش هدایت	مردم را از طریقی غیر از زبان‌هایتان (در واقع با اعمال و رفتار خود به کارهای خیر) دعوت کنید تا تلاش و راستگویی و پرهیزگاری را از رفتار شما ببینند. امام صادق <small>علیه السلام</small>	a15
	تأثیر محبت در بخشش	خداوند بنده‌اش را به واسطه شدت محبتی که به فرزند خود دارد، رحم می‌کند. امام صادق <small>علیه السلام</small>	a16
	تأثیر ادب بر خرد و دل	پس به ادب آموختنت پرداختم، پیش از آنکه دلت سخت شود و خردت هوایی دیگر گیرد. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)	a17
	نقش خداآوری در کنترل عجب و غرور	و بندگان خدا کسانی هستند که بر زمین با تواضع گام می‌زنند. (فرقان، آیه ۶۳)	a18
	تأثیر ظاهر بر درون	اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری بنمای، زیرا اندک است کسی که خود را مانند مردمی کند و از جمله آنها به شمار نیاید. امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	a19
	نقش سکوت در دستیابی به حکمت	سکوت دری از درهای حکمت است.	a20

## جدول (۲) کد گذاری باز روش تربیتی تلقین

مقولات	مفهوم (کد)	ترجمه آیه و حدیث (داده)	شناسه
پرهیز از اعمال نادرست	دوری از امور غیرمعقول	اگر والدین خواستند تو را وا دارند که چیزی غیرمعقول را شریک من قرار دهی از آیین شرک‌آمیز آنان پیروی مکن. (لقمان/ ۱۵)	a21
	تأثیر اعمال نادرست بر درون	به هنگام راه رفتن با کبر و سرمستی بر زمین گام مزن. (اسراء، آیه ۳۷)	a22
نقش آمادگی و ذکر در پیشرفت دنیوی و اخروی و سعادت انسان	امکان‌پذیری عاقبت‌بخیری در سایه ذکر	وقتی کودکان زبان گشودند «لا اله الا الله» را به آنان بیاموزید، پس نگران‌شان نباشید تا به سن پیری و مرگ برسند و زمانی که دندان شیر آنان افتاد، آنان را به نماز امر نمایید. پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	a23

تأثیر القای ناروا در انحراف از مسیر هدایت	a۲۴	قلب کودک مانند زمین بایر است، هرچه در آن القا شود، می‌پذیرد. امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	تأثیر بکر بودن ذهن بر پذیرش مطالب
	a۲۵	دل نوجوان همچون زمین ناکشته است، هرچه در آن افکنند بپذیرد. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)	نقش آمادگی در دریافت مطالب
	a۲۶	و نام پروردگارت را یاد کن و از همه ببر و به او بپیوندد. (مزمّل، آیه ۸)	ذکر خداوند و توکل در همه حال
	a۲۷	شما برترید اگر مؤمن باشید. (آل عمران، آیه ۱۳۹)	نقش ایمان در جایگاه انسان
	a۲۸	رام شما ساخت آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه از آن اوست، در اینجا برای متفکران عبرت‌هاست. (جاثیه، آیه ۱۳)	عبرت‌آموزی در سایه تفکر در آفرینش
	a۲۹	البتة ما انسان را در بهترین نظام خلق بیافریدیم. (روم، آیه ۳۰)	نقش باور در ترقی و پیشرفت
	a۳۰	به دیگران راه دروغ‌گویی را تلقین نکنید، زیرا در اثر این کار دروغ‌گو می‌شوند، فرزندان یعقوب نمی‌دانستند که گرگ انسان را می‌خورد، این کار را از راه تلقین و تذکر پدر استفاده کردند. (یوسف، آیه ۱۳)	نقش القا و تذکر در دروغ‌گویی
	a۳۱	کسی که سخن گوینده‌ای را گوش فرا دهد و بپذیرد او را عبادت کرده است. اگر گوینده از خدا سخن می‌گوید، عبادت خدا نموده و اگر از زبان ابلیس صحبت می‌کند، عبادت شیطان کرده است. امام رضا <small>علیه السلام</small>	تأثیر تلقینات ناروای جاهلان بر عبادت
a۳۲	هر که خود را به فقیری زند، فقیر گردد. پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	القای ناروا و تأثیر آن بر درون	

### کدگذاری محوری تلقین

بعد از اینکه مفاهیم در کدگذاری باز مشخص شد. نوبت به کدگذاری محوری تلقین فرا می‌رسد. در این مرحله برحسب ارتباط درونی بین مفاهیم، مقوله محوری شناسایی می‌گردد و سایر مفاهیم ذیل مقوله محوری قرار می‌گیرد. در جدول (۳) مقوله‌های محوری نشان داده شده‌اند.

## جدول (۳) کدگذاری محوری روش تلقین

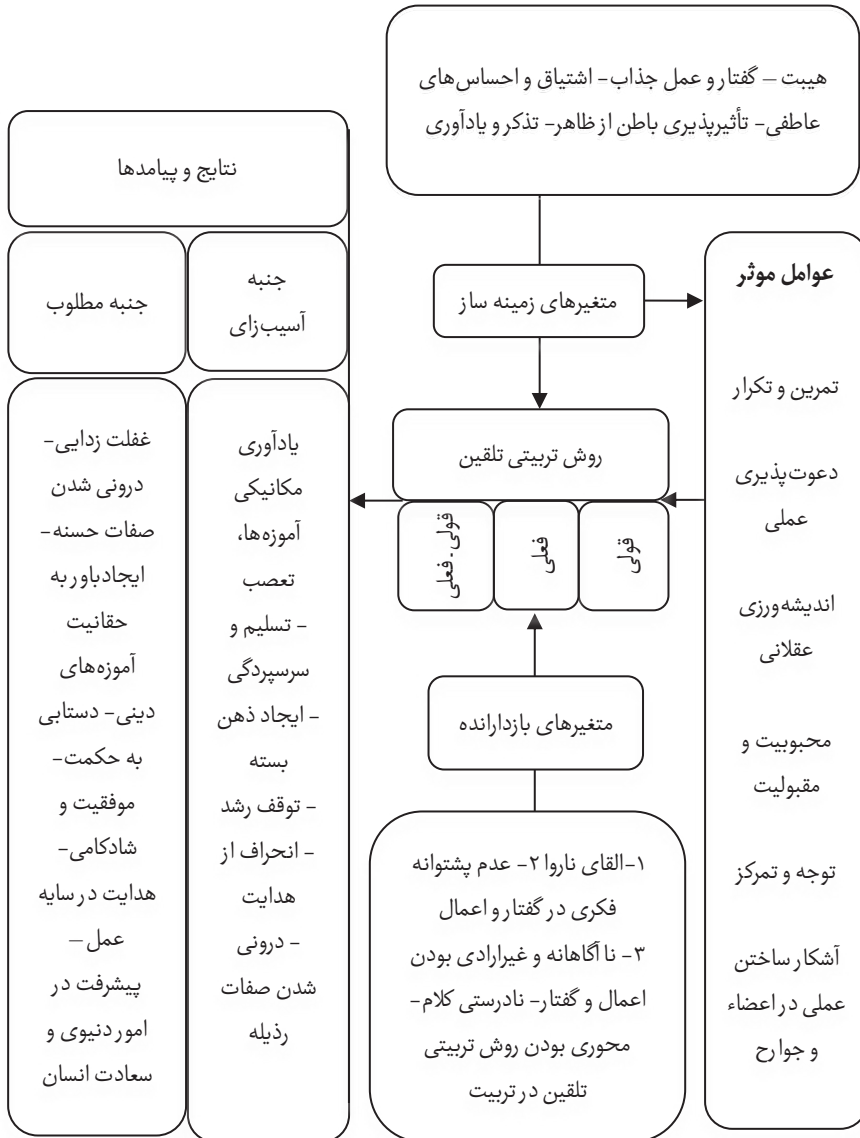
شناسه	مفاهیم	مقولات
a1+a2+a3+ a4+a5+a6+ a7+a8+a9+ a10+a11	نقش رغبت و اشتیاق در تفهیم + تأثیر پذیری ضمیر باطن از ظاهر + القای شفاهی گفتار با تکرار + نقش تکرار و یادآوری بر تهذیب + توجه به ذکر و تکرار + نقش ذکر در سلامت روحی و جسمی + توجه به تکرار و مداومت عمل + ذکر زمینه‌ساز توجه پروردگار + تأثیر ذکر در صفای دل و جان + نقش یاد خدا در شفا یابی دل + نقش ذکر و یاد خدا در غفلت‌زدایی	تکرار، همراه با ایجاد باور و نقش آن در سلامت جسمی و روحی
a12+a13	نقش نزاع و مشاجره در بیماری و دل + نگه داشتن زبان از حرف زور در اوج قدرت	نادرستی کلام و اثرات مخرب آن
a14+a15+ a16+a17+ a18+a19+a20	تأثیر آماده بودن ذهن بر ماندگاری دانش + تأثیر دعوت در پذیرش هدایت + تأثیر محبت بر بخشش + تأثیر ادب بر خرد و دل + نقش خدا باوری در کنترل عجب و غرور + تأثیر ظاهر بر درون + نقش سکوت در دستیابی به حکمت	نقش عمل صحیح در هدایت
a21+a22	دوری از امور غیرمعقول + تأثیر اعمال نادرست بر درون	پرهیز از اعمال نادرست
a23+a24+ a25+a26+ a27+a28+ a29	امکان عاقبت بخیری در سایه ذکر + تأثیر بکر بودن ذهن بر پذیرش مطالب + نقش آمادگی در دریافت مطالب + ذکر خداوند و توکل در همه حال + نقش ایمان در جایگاه انسان + عبرت‌آموزی در سایه تفکر در آفرینش + تأثیر باور در ترقی و پیشرفت	نقش باور و ذکر در پیشرفت و ترقی
a30+a31+a32	نقش القاء و تذکر در دروغ‌گویی + تأثیر تلقینات ناروای جاهلان بر عبادت + القای ناروا و تأثیر آن بر درون	تأثیر القای ناروا در انحراف از هدایت

## کدگذاری انتخابی تلقین

## جدول (۴) کدگذاری انتخابی تلقین

متغیر وابسته (موضوع)	ابعاد	مقولات
تلقین	تلقین قولی ایجابی	تکرار همراه با ایجاد باور و نقش آن در سلامت جسمی و روحی
	تلقین قولی سلبی	اثرات مخرب نادرستی کلام
	تلقین فعلی ایجابی	نقش عمل صحیح در هدایت
	تلقین فعلی سلبی	پرهیز از اعمال نادرست
	تلقین قولی - فعلی ایجابی	نقش باور و ذکر در پیشرفت و ترقی
	تلقین قولی - فعلی سلبی	تأثیر القای ناروا در انحراف از هدایت

ارتباط و جایگاه مقولات محوری تلقین از دیدگاه اسلام را از طریق یک نمودار مفهومی می‌توان ترسیم کرد، که در شکل (۱) آمده است.



(شکل-۱) الگوی مفهومی روش تربیتی تلقین از دیدگاه اسلام برای نظام آموزشی

در این پژوهش سعی شده است تا الگوی مفهومی روش تربیتی تلقین برای نظام آموزشی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد مورد توجه قرار بگیرد. ابعاد برآمده از مرحله قبل در قالب چهار «مقوله» و هر یک با نقش و جایگاه معین، به شرح زیر دسته‌بندی شدند: ۱. متغیرهای مؤثر؛ ۲. متغیرهای زمینه‌ساز؛ ۳. متغیرهای بازدارنده؛ ۴. نتایج و پیامدها. در این پژوهش عوامل اثرگذار بر روش تربیتی تلقین، که دارای مقوله‌های فرعی می‌باشند، شامل: تمرین و تکرار، دعوت‌پذیری عملی، اندیشه‌ورزی عقلانی، محبوبیت و معقولیت، توجه و تمرکز و آشکار ساختن عملی در اعضاء و جوارح است. عوامل زمینه‌ساز شناسایی شده عبارت است از: هیبت، لحن و زبان جذاب، اشتیاق و احساس‌های عاطفی و تأثیرپذیری باطن از ظاهر و تذکر و یادآوری. متغیرهای بازدارنده عبارتند از: القای ناروا، عدم پشتوانه فکری در گفتار و اعمال، ناآگاهانه و غیرارادی بودن اعمال و گفتار، نادرستی کلام و محوری بودن روش تربیتی تلقین در فرایند تربیت است؛ و نتایج و پیامدهای شناسایی شده در دو بخش آسیب‌زا شامل: یادآوری مکانیکی آموزه‌ها، تعصب، تسلیم و سرسپردگی، ایجاد ذهن بسته، توقف رشد، انحراف از هدایت و درونی شدن صفات رذیله است و در جنبه مطلوب شامل: غفلت زدایی، درونی شدن صفات حسنه، ایجاد باور به حقانیت آموزه‌های دینی، دستیابی به موفقیت و شادکامی، هدایت در سایه عمل و پیشرفت در امور دنیوی و سعادت انسان است. الگوی مفهومی روش تربیتی تلقین، بر اساس الگوی تحلیلی شناخت دو جنبه آسیب‌زا و مطلوب روش مذکور، در مسیر رسیدن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب بوده است. شناخت و توصیف الگوی مفهومی روش تربیتی تلقین و هرگونه اظهارنظر در مورد آن با بررسی آیات و احادیث در مورد چگونگی استفاده آنها در مراحل مختلف تربیتی به شناخت درستی دست یافته می‌شود. به عبارت دیگر با ماهیت روش تربیتی در تربیت‌آشنایی پیدا خواهد شد و هم‌زمان با شناخت این روش دو جنبه آسیب‌زا و مطلوب به درستی درک می‌شود. در این بین نتایج و پیامدهای استفاده از این روش تربیتی در فرایند تربیتی مورد توجه قرار داده می‌شود و در کنار این عمل، وظایف مشخص شده و هدف نهایی تربیت تحقق پیدا می‌کند. چنان‌که این روش اساس و استراتژی در تربیت قرار بگیرند مشکل‌زا خواهد بود و در بلندمدت نتیجه حاصل شده سست و ناپایدار است.



## بحث و نتیجه گیری

دین حقیقتی معنوی و گوهری روحانی است که با دل و جان آدمی سروکار دارد. اگر تربیت دینی، همراه با پذیرش قلبی نباشد، رفتار و کردار و سلوک دینی عاری از هویت حقیقی دینی خواهد بود. تربیت دینی چیزی نیست که با القاء و اکراه یا تلقین و تطمیع شکل گیرد؛ زیرا ایمان و باور دینی چیزی جز دلدادگی و پیوند قلب با دین نیست. پس لازم است هر روشی که در تربیت دینی به کار برده می شود، به جنبه آسیب‌زا و مطلوب آن توجه شود. علاوه بر این، بتواند فراگیران را به سطحی از شناخت، انتخاب و عمل در تمام مراحل تربیت دینی هدایت کند. به هر حال، باید پذیرفت که با وجود محدودیت‌ها و ناسازگاری‌های موجود بین روش تلقین با هدف تربیت دینی، کاربرد تلقین در تربیت دینی امری اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا همان‌گونه که اشاره شد، گاهی تربیت دینی در بستر خود مستلزم برخی از این امور می باشد و مربی ناچار است که گاهی از تلقین استفاده کند. تلقین روشی از روش‌های تربیت به شمار می‌رود و این‌گونه نیست که همه آموزش‌های تلقینی، حالت آسیب یا «ضد تربیت» به شمار آیند؛ بلکه می‌توان برای تلقین دو جنبه آسیب و مطلوب تصور کرد. اگر تلقین، به عنوان محور تربیت دینی و روشی برای آموزش معارف اسلامی استفاده شود؛ بدون بیان پشتوانه‌های فکری و استدلالی و عدم توجیه شناختی نسبت به آنها، آثار منفی جبران‌ناپذیر یا دیراصلاح، مانند تعصب بی جا را به دنبال دارد و در این صورت به تلقین آسیب‌زا تبدیل خواهد شد، زیرا حق انتخاب و قضاوت شاگردان پایمال می‌شود و آموزش، در بردارنده این پیام است که «ببیندیش، همان‌گونه که ما می‌اندیشیم و جرأت سؤال و تردید نداشته باشد». همان‌طور که در معناشناسی بیان شده می‌توان از تلقین به عنوان مرحله‌ای پس از آموزش در قالب تکرار نظام‌مند بهره برد. این کار به منظور اقناع و افزایش اعتماد متربی به صحت آموزه و تثبیت اعتقادات، جلوگیری از فراموشی پشتوانه‌های استدلالی آن و پیشگیری بروز تزلزل در فکر و دل انجام می‌گیرد و چنین تلقین تثبیت‌افزا و اعتمادسازی تحمیل محسوب نمی‌شود. البته در ضمن تکرار ممکن است استدلال‌ها یا نکات جدید بیان شود، ولی غرض در اینجا متوجه نفس تکرار باورساز است. بنابراین، غرض از به‌کارگیری روش تلقین به منظور باورسازی آموزه‌های دینی در متربیان، زمینه‌سازی برای تثبیت و نهادینه‌سازی آموزه‌های اسلامی در آنها و شکوفایی فطرت معنویت‌جوی آنان نسبت به حقانیت، مفید بودن و کارآمدی آن آموزه‌ها در زندگی متربیان می‌باشد. در اجرای تلقین باید بر سه شاخص تربیتی «استقلال در انتخاب و تصمیم‌گیری»، «اندیشه‌ورزی یا تأمل

«عقلانی»، «استواری شخصیت یا قدرت اراده»، توجه کرد. این نکات در فضای تربیتی (متربی) کودک نیز مطرح است؛ لکن با قالبی متناسب با دوره‌های مختلف در واقع، در مرحله آموزش، استدلال‌های کودکانه و قابل فهم را برای کودکان یا سنین بالاتر بیان می‌کند و ضمن آن، اندیشه و عاطفه آنان را به سمت باورهای دینی سوق می‌دهد. سپس به تکرار آن می‌پردازد تا به ایجاد باور منجر شود؛ به‌گونه‌ای که متربی حس کند خودش آن را فهمیده، قانع شده و آزادانه انتخاب کرده است. البته موفقیت در به‌کارگیری این روش برای متربی، در صورتی است که تهیه محتوای تلقینی و نیز شیوه‌ها و قالب‌های اجرای آن، با در نظر گرفتن نکات روان‌شناختی در خصوص تلقین‌پذیری این دوره سنی باشد.

## منابع

- **قرآن کریم**، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای (۱۳۸۶)، ج ۴، قم، نشر دار القرآن الکریم.
- **نهیج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹)، مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، **معجم مقائیس اللغه**، ج ۵، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- انوری، حسن (۱۳۸۵)، **فرهنگ فشرده سخن**، تهران: نشر سخن.
- اسمعیلی زمان آباد، مریم و علی پور، صدرا (۱۳۹۷) روش تربیتی تلقین و تأثیر آن بر باطن انسان از دیدگاه آیات، **نشریه قرآن و طب**، سال سوم شماره ۳، ص ۱۵۵-۱۶۳.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲)، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران: انتشارات مدرسه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، **درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی**، تهران: نشر مدرسه.
- جبّاری، کامران و سجادی، سید مهدی (۱۳۸۸)، تبیین تربیت دینی از منظر ظاهرگرا و نقد آن بر اساس جریان عقل‌گرا، **مطالعات اسلامی فلسفه و کلام**، ش ۴۱، ص ۹-۴۶.
- جعفری، بهزاد (۱۳۷۷)، **تحف العقول**، شر صدوق.
- حاجی بابائیان امیری، محسن (۱۳۹۰)، **روش‌های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام (با تأکید بر دوره نوجوانی و جوانی)**، تهران: انتشارات سروش.
- حیدری، محمد حسین و نصر بختیاری، حسن علی (۱۳۸۸)، تلقین: چالش فراروی تربیت دینی، **فصلنامه تربیت**، سال اول، شماره دوم، ص ۸۵-۱۰۸.
- خان محمدی، هادی؛ باقری، مصباح الهدی (۱۳۸۹)، طراحی مدل مفهومی نظام علمی جمهوری اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری. **فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی**، سال، چهارم، شماره اول، ص ۵-۴۰.

- خدایاری شوطی، سعید و همکاران (۱۳۹۳)، تعلیم و تربیت دینی در نظام آموزشی؛ با تأکید بر آسیب‌ها و چالش‌ها، *اولین گنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی*، ۵۳-۳۱.
- دانایی فرد، حسن، مومنی، نونا (۱۳۸۷)، *تئوری رهبری اثربخش از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)* استراتژی داده‌بنیاد متنی، *فصلنامه انقلاب اسلامی*، سال چهارم، شماره ۱۴، ص ۷۵-۱۱۲.
- دانش، اسماعیل (۱۳۸۹)، روش‌های خود تربیتی از دیدگاه اسلام، *فصلنامه راه تربیت*، سال پنجم شماره ۱۱.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۱)، *لغت نامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۶ جلدی.
- زارعیان، محمدجواد؛ موسوی، سیدنقی (۱۳۹۴)، جواز تلقین در تربیت دینی، *دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی*، سال دوم، ش ۳، ص ۷-۳۲.
- شمخانی، اژدر و نورعلیان، یاور و عاشوری، مظاهی و مالمیر، سعید (۱۳۹۳)، اصول و روش‌های تربیتی از دیدگاه امام خمینی (ع)، *مجله بصیرت و تربیت اسلامی*، ص ۱۱۳-۱۳۶.
- صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳ق) *من لایحضره الفقیه*، ۴ جلدی، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱ تا ۲۰، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- عبداللهی، ابراهیم، موسوی نسب سیدمحمدرضا (۱۳۹۳)، نقش روش تلقین در نهادینه‌سازی آموزه مهدویت برای کودکان، *فصلنامه انتظار موعود*، ش ۴۷، ص ۸۱-۱۱۰.
- عسکری، ابی هلال، (۱۴۱۲)، *معجم الفروق الفویه*، (تنظیم بیت الله بیات)، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- فارابی، ابونصر (۱۴۰۸) *المنطقیات*، تحقیق و مقدمه محمدتقی دانش پژوه، ج ۱، قم: مکتبه آیه الله مرعشی.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۱۰)، *کتاب العین*، ج ۵، قم: انتشارات هجرت.
- فرمیپهنی، محسن (۱۳۷۸)، *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*، تهران، انتشارات اسرار دانش.
- قاسم پور، علی و جعفری سید ابراهیم، ۱۳۸۸، سازواری و ناسازواری‌های تلقین در تربیت دینی، *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، ش ۸، ص ۲۷-۴۳.
- قائمی مقدم، محمد رضا (۱۳۹۰)، *روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلام*، چاپ پنجم، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کریمی، روح الله (۱۳۹۶)، بررسی و تحلیل اعتراض (تلقینی بودن حلقه کندوکاو اخلاقی)، *پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت*، سال هفتم، شماره ۱، ص ۶۶-۸۳.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۹۳)، *تربیت آسیب‌زا*، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- محمدی ری شهری (۱۳۸۹)، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۴، قم: ناشر، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

- متقی هندی، حسام الدین (۱۴۰۹)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت: موسسه الرساله.
- موسوی، سیدنقی (۱۳۹۲)، تحلیل و مفهوم تلقین در تربیت دینی، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ش ۴۷، ص ۴۴-۶۶.
- موسوی کاشمیری، مهدی (۱۳۸۶۹)، *روش‌های تربیت*. چاپ دوم، قم: انتشارات بوستان کتاب.

# اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (ص ۵۳-۷۱)

## بررسی تطبیقی خاستگاه پوشش از منظر دین و روان‌شناسی

### comparative study of the origin of clothing from the perspective of religion and psychology

مصطفی عرب‌پور / کارشناسی ارشد روان‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع). قم، ایران.  
محمد دولتخواه / استادیار و هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع). قم، ایران.  
حمید رفیعی‌هنر / استادیار و هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قم، ایران.

**Mostafa Arabpour** / Master of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute. Qom, Iran.  
m.arabpour.ir@gmail.com

**Mohammad Dolatkah** / Assistant Professor and Faculty of Imam Khomeini Educational and Research Institute. Qom, Iran.

**Hamid Rafieihonar** / Assistant Professor and Faculty of the Institute of Islamic Culture and Thought. Qom, Iran

#### Abstract

The present study was conducted with the aim of comparative study of the origin and origin (motivation) of clothing from the perspective of Islam and psychology. The method of this research was qualitative analytical-descriptive. By referring to the Latin writings of psychologists from the beginning of the nineteenth century, these factors were extracted and in the field of religion, by referring to verses and hadiths in the field of "covering" and thinking of religious and non-religious thinkers, its origin was examined from the perspective of Islam.

The study and analysis of religious and psychological texts, resulting in determining the factor of "modesty" as the most basic source and motivation of cover from the perspective of religion, and the discovery of six factors of "modesty", "protection", "beauty", "symbolism", "self-expansion" And "environment -

#### چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی تطبیقی خاستگاه و منشأ (انگیزه) لباس از منظر دین اسلام و روان‌شناسی انجام گرفت. روش این پژوهش، کیفی به شیوه تحلیلی-توصیفی بود. با مراجعه به مکتوبات لاتین روان‌شناسان از ابتدای قرن نوزدهم به استخراج این عوامل پرداخته شد و در حوزه دین نیز، با مراجعه به آیات و روایات در زمینه «پوشش» و تفکر اندیشمندان دینی و غیردینی به بررسی خاستگاه آن از منظر دین اسلام پرداخته شد.

بررسی و تحلیل متون دینی و روان‌شناسی، منتج به تعیین عامل «حیا» به عنوان اساسی‌ترین منشأ و انگیزه پوشش از منظر دین، و کشف شش عامل «حیا»، «محافظت»، «آراستگی»، «نمادگرایی»، «بسط خود» و «محیط-خصیصه‌های روانی» در این زمینه

psychological characteristics” in this field from a psychological perspective. In the end, the concept of “modesty” in Islam was explained and the nature of this factor was cited – not acquired – and arguments to the contrary were answered.

**Keyword:** Cover, modesty, origin of cover, cover psychology clothing.

از منظر روان‌شناسی شد. در پایان به تبیین مفهوم «حیا» در دین اسلام پرداخته شد و به ذاتی-نه اکتسابی- بودن این عامل استناد و به استدلال‌های مخالف این موضوع پاسخ داده شد.

**کلیدواژه‌ها:** پوشش، حیا، خاستگاه پوشش، روان‌شناسی پوشش، لباس.

### مقدمه

ابتدایی‌ترین اطلاعات ما در مورد خاستگاه و عملکرد پوشش مربوط به اشکال و تزئینات مجسمه‌هایی می‌باشد که قدمت آن به ۴۰ هزار سال قبل از میلاد، یعنی عصر یخبندان باز می‌گردد. این مجسمه‌ها و همچنین تصاویر منقوش در غارها شاهد بر این است که انسان‌های اولیه با استفاده از پوست حیوانات و ساقه و برگ گیاهان، بدن خود را می‌پوشاندند (لوفور، ۱۹۷۳، ص ۱۸۸).

بررسی تاریخ ملل و اقوام گوناگون موید این نظر است که رعایت پوشش و پرهیز از برهنگی به وسیله انسان‌ها از دیرباز مورد توجه بوده است، ولی شکل و حدود پوشش، با توجه به عوامل مختلف تفاوت داشته است. (اکبری، ۱۳۷۰، ص ۴۴). با مراجعه به کتب موجود در زمینه پوشش، می‌توان مدعی شد که یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های تغییرپذیر و تغییرساز در طول تاریخ بشر پوشاک بوده است (شهبهانی، ۱۹۹۵).

پوشش در هر دوره‌ای از تاریخ بشر اشکالی متنوع به خود گرفته است. پوشش، زمانی فقط وسیله‌رهایی انسان از گرما و سرما به‌شمار می‌آمد، اما همگام با ورود انسان به زندگی اجتماعی و به‌مرور زمان با گسترش فناوری و توسعه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و شکل‌گیری عقاید دینی که مؤلفه‌های سازنده تمدن بشری می‌باشند، پوشش نیز دستخوش تغییرات بسیاری شد و دوره‌ای آغاز شد که پوشش و لباس تبدیل به وسیله‌ای برای زیباتر شدن، جلوه نمودن و مشخص نمودن جایگاه و پایگاه طبقاتی افراد گردید، نوع، رنگ، جنس، شکل و سبک دوخت آن زمینه فرهنگی یافت و کارکرد اجتماعی و فرهنگی نمادین آن برجسته شد و در بسیاری از مواقع برای مردم نماد مذهب خاصی گردید (جمالی زاده، ۲۰۱۰).

لباس همواره جایگاه انسان را در جامعه مشخص کرده، به‌گونه‌ای مرتبه و منزلت صاحبش را ایجاد نموده است. بنابر موقعیت صاحب لباس، رمزهای اجتماعی دارای

ارزش‌های انسانی، در آرایش و شکل پوشاک ارائه می‌گردد. لباس پوشیدن ارزشی از ارزش‌ها و شأن انسان است و همان‌گونه که گذشت، پدیده‌ای است که قدمت آن تقریباً به درازای طول تاریخ بشر و پهنه جغرافیای امروزی زمین، باز می‌گردد. این پدیده با خصوصیات مختلف فردی و اجتماعی انسان در ارتباط است و می‌توان آن را از دیدگاه‌های مختلفی از قبیل روان‌شناسی، اخلاق، جامعه‌شناسی، مذهب، قانون، تاریخ و جغرافیا مورد مطالعه قرار داد و برای یافتن پرسش‌ها به جستجو برآمد که منشأ و انگیزه اولیه پوشش در انسان چیست؟ چه رابطه‌ای میان نوع و رنگ لباس انسان و خصوصیات روانی او وجود دارد؟ مذهب و ادیان مختلف درباره لباس چه گفته‌اند؟ در قوانین مدنی چه قانون‌هایی درباره پوشش مردم وضع شده است؟ تحولات البسه اقوام مختلف در طول تاریخ چگونه بوده و تحت تأثیر چه عواملی صورت گرفته است؟ در نقاط مختلف کره زمین و در اوضاع و احوال اقلیمی گوناگون چه تفاوت‌هایی میان لباس مردم دیده می‌شود؟ (دادو و قره حاجلو، ۱۳۹۸).

در حوزه روان‌شناسی، ابعاد مختلف پوشش قابل بررسی می‌باشد که از جمله آن می‌توان به «انگیزه اساسی» انسان در استفاده از پوشش، ارتباط بین «نوع پوشش» و «مؤلفه‌های روانی»، ارتباط بین «پوشش» و «هویت فردی و اجتماعی» اشاره کرد (روچ و آیچر، ۱۹۹۲) که از اوایل قرن نوزدهم شاهد بررسی‌ها و مطالعات اندیشمندان علم روان‌شناسی در این موضوعات هستیم.

یکی از جنبه‌های مهم لباس و پوشش «منشأ» و «انگیزه اساسی» آن می‌باشد که شواهد علمی ما برای تعیین آن اندک می‌باشد (روچ و آیچر، ۱۹۶۵). نظریه‌های فرهنگی، جامعه‌شناختی و روان‌شناسی مکرراً تلاش کرده‌اند تا انگیزه‌های لباس‌های شخصی را توضیح دهند (هارمز، ۱۹۳۸).

فلوگل (۱۸۷۴-۱۹۵۵) روان‌شناس دانشگاهی انگلیسی، عضو برجسته انجمن روان‌شناسی و تحلیلی بریتانیا و شخصیت پیشرو در جنبش اصلاحات اجتماعی لیبرال بین دو جنگ جهانی (۱۹۱۸-۱۹۳۹)، در سال ۱۹۳۰ زمانی که هم‌زمان عضو حزب "اصلاحات لباس مردان" بود کتاب "روان‌شناسی لباس" را منتشر کرد و این اثر اولین تجزیه و تحلیل لباس و مد در حوزه روان‌شناسی با الهام از دیدگاه روان‌تحلیل‌گری فروید بود. در این کار او در مورد منشأ (خاستگاه) لباس، این ایده را مطرح می‌کند که لباس یک "سازش" است که بین تمایل کودکان برای به نمایش گذاشتن بدن برهنه خود و ممنوعیت اجتماعی بعدی که بدن را به خاطر حیا پوشانده‌اند، واسطه می‌شود (کارتز، ۲۰۰۳).

هارمز (۱۹۳۸) در مقاله خود با عنوان روان‌شناسی لباس بیان می‌دارد که بنیادی‌ترین نظریه در این زمینه، حیا، آراستگی و حفاظت را انگیزه‌های اصلی پوشش می‌داند. او پس از نقد این نظریه، بیان می‌کند:

به نظر می‌رسد همه لباس‌ها در درجه اول از محیط پیروی می‌کنند. فرم و شکل لباس تحت تأثیر ۱. محیط فیزیکی و ۲. شرایط اجتماعی، از جمله روابط جنسی، طبقه، گروه و ارتباطات مذهبی، فراطبیعی یا فراحسی قرار دارد (هارمز، ۱۹۳۸).

پس از آن هورن (۱۹۶۸) ضمن بیان حیا، آراستگی و حفاظت به عنوان مؤلفه‌های اساسی اتخاذ پوشش، به «نمادگرایی» و «گسترش خود» نیز به عنوان دیگر مؤلفه‌های دخیل اشاره می‌کند. روچ و آیچر (۱۹۶۵) نیز در این زمینه دو دسته کلی ۱. رسا (حاکمی بودن) ۲. ابزاری (وسیله‌ای) را به عنوان منشأ پوشش و لباس مطرح می‌کنند.

با توجه به اهمیت ویژه این موضوع و عدم بررسی دقیق و منسجم آن در متون فارسی هدف ما در این پژوهش بررسی تفصیلی-تحلیلی خاستگاه لباس و پوشش می‌باشد. از آنجا که نظریه‌های روان‌شناسی، غالباً بر مبنای مشاهده و تجربه حسی قرار دارد، در چنین رویکردی، گستره شناخت انسان و نیازهای او، منحصر در مواردی می‌شود که قابل مشاهده و تجربه باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۲۸). عدم غنای این رویکرد در زمینه مبادی رفتار، حالات و ملکات نفسانی غیرقابل مشاهده و اندازه‌گیری، باعث شده است که به گفته لوفور برخی از روان‌شناسان در زمینه بیان خاستگاه و منشأ پوشش از اطلاعات اندکی برخوردار بوده و به جای آن به بیان کارکردها روی آورند (لوفور، ۱۹۷۳، ص ۲۱۴). بر این اساس شناخت روان‌شناسی موجود از ساحت‌های مختلف انسان، کامل و جامع نیست و نمی‌توان به عنوان یک اصل قطعی چیزی را از روان‌شناسی دریافت کرد که انگیزه‌های اصلی، استعدادها و مایه‌های فطری انسان را بیان کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۲۸). لذا لازم است که این موضوع از دیدگاه اسلام نیز مورد بررسی قرار بگیرد.

ضرورت بررسی منشأ و خاستگاه پوشش، از آنجا ناشی می‌شود که بررسی تطبیقی آن در علم روان‌شناسی و شریعت مبین اسلام و کسب شناخت لازم درباره مؤلفه‌های این پدیده در هر دو ساحت، علاوه بر تشخیص تفاوت‌های بنیادی آن مثل ذاتی و اکتسابی بودن، می‌توان تغییرات نوظهور در این پدیده را کشف، علت‌یابی و تأثیر آن در هویت، شخصیت و نگرش‌ها، رفتارها و نمادهای افراد در زندگی را ردیابی نمود.



## روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش «توصیفی-تحلیلی» انجام گرفته است. در مرحله گردآوری داده‌ها، داده‌های مربوط به خاستگاه پوشش از منظر روان‌شناسی، از کتب و مقالات لاتین معتبر روان‌شناسی از سال‌های ۱۹۳۰ استخراج شدند. داده‌های مربوط به این موضوع از منظر اسلام، با استفاده از آیات قرآن و سخن مفسرین و محققین این حوزه به دست آمد. در بخش توصیفی پژوهش به جمع‌آوری و دسته‌بندی نظرات محققین و مفسرین پرداخته شد و در بخش تحلیلی، به بیان نقدهای موجود در منابع و همچنین مقایسه این موضوع از منظر روان‌شناسی و دین اسلام پرداخته شد.

## یافته‌های پژوهش

### خاستگاه پوشش از منظر روان‌شناسی

#### الف: حیا

عده‌ای قائل هستند که پوشیدگی و ضوابط حاکم بر آن مبتنی بر احساس شرم و حیا به عنوان یک خصیصه انسانی است. حیا و شرم یکی از صفات مخصوص انسان است و انسان تنها حیوانی است که اصرار دارد دست‌کم بعضی از اندام‌های خود را بپوشاند (لوفور، ۱۹۷۳، ص ۱۹۵). همان‌طور که سخن‌گفتن، منطقی داشتن از جمله تفاوت‌های انسان با حیوان است، و برای انسان مزیت به حساب می‌آید و به او ارزش و جایگاه می‌بخشد، احساس شرم و حیا و گریز از برهنگی که آن نیز خاص انسان است کمال به حساب می‌آید (مهدی زاده، ۱۳۸۶، ص ۳۳). اخلاق‌گرایان معتقدند که احساس گناه و شرم ذاتی به خاطر در معرض دید دیگران قرار گرفتن قسمت‌های خاصی از بدن انسان، به آدم و حوا برمی‌گردد (لوفور، ۱۹۷۳، ص ۱۹۵).

شوارتز طبیب و روان‌شناس اتریشی در اشاره به همین نکته می‌نویسد: «علاوه بر مردم‌شناسی، تجزیه و تحلیل روان‌شناسی نیز ثابت می‌کند که احساس شرم یکی از صفات عمده نوع بشر است. هیچ قبیله اولیه‌ای هر قدر هم بدوی بوده باشد شناخته نشده که از خود شرم بروز ندهد، و بچه‌های کوچک نیز شرم دارند. در طی دوران رشد بشر و همچنین در خلال رشد افراد، بر وسعت موضوعاتی که مورد حمایت شرم قرار می‌گیرد افزوده می‌شود. «حفاظت» وظیفه‌ی مخصوصی است که بر عهده شرم گذارده شده است. کاملاً معلوم است که شرم قبل از همه چیز از اعضای تناسلی و وظایف آن‌ها حفاظت می‌کند، نه محض خاطر چیزی که آنها در اصطلاح تشریحی و فیزیولوژیکی دارند، بلکه محض خاطر آنچه در

ماورای آن‌ها قرار دارد، یعنی محض خاطر راز جنسی. بعد از جنس که اصل هسته است، شرم از کل شخصیت ما نه در شکل منحط آن مثل خودپرستی بلکه در معنای صحیح «قدر خودشناسی» حمایت می‌کند (حداد عادل، ۱۳۶۳، ص ۶۸).

البته از نظر برخی از محققین، این عقیده که احساس حیا، زیربنای تمام انگیزه‌های اصلی انسان برای پوشیدن خود می‌باشد صرفاً یک باور عامیانه می‌باشد و عموماً توسط دانشمندان این علم پذیرفته نیست و از نظر آنها این موضوع با واقعیت، قابل مشاهده و اثبات نمی‌باشد لذا توسط افرادی مثل هارمز (۱۹۳۸) و لوفور (۱۹۷۳) مورد نقد قرار گرفته است. هارمز در این باره می‌گوید: لباس پوشیدن نه تنها اظهار حیا باطنی نیست، بلکه می‌تواند به عنوان جاذبه جنسی در نقطه مقابل آن باشد (هارمز، ۱۹۳۸).

### ب: محافظت

دومین ایده که در رابطه با منشأ لباس همچنان پابرجاست این است که لباس‌ها اساساً به عنوان محافظ ساخته شده‌اند. از آنجا که انسان مانند اکثر حیوانات مجهز به یک کت محافظ طبیعی نیست، مجبور است خودش چیزی طراحی کند. هر کسی در سرما لرزیده یا در زیر نور خورشید تاول زده است، قدری از حفاظت بدنی که لباس ارائه می‌دهد قدردانی می‌کند (هورن، ۱۹۶۸).

یک فرض محتمل این است که اولین پوشاک و لباس انسان، پوست حیواناتی بوده که برای گرم شدن روی بدن پوشانده می‌شد، اگرچه لانگر بیان می‌کند که اختراع لباس لزوماً از نیاز به محافظت در برابر سرما ناشی نشده است بلکه انسان‌هایی که در آب و هوای گرم‌تر تکامل یافته‌اند نیز برای حفاظت از خود در برابر ضربه یا لطمه یک پیش‌بند یا پارچه کمری محافظ ابداع کرده و به خود می‌بستند (لانگر، ۱۹۵۸، ص ۲۱) و این محافظت جسمی نوعاً پدیدآورنده آرامش روانی نیز بوده است (لیور، ۱۹۶۹، ص ۱۸).

با این حال، باید اعتراف کرد که در بسیاری از موارد، انسان هنگام سازگاری با محیط از لباس با طور حداقلی استفاده کرده است. مثال کلاسیک آن مربوط به ساکنان «تیرادل فونگو» است که از لباس بسیار کمی برای محافظت از خود در برابر سرمای شدید استفاده می‌کردند. داروین دانشمند با مشاهده آب شدن برف روی پوست آن‌ها، یک پارچه بزرگ را برای محافظت از یک فرد فیوجی تقدیم کرد. آن شخص بومی به جای استفاده از آن برای پوشاندن بدن خود، آن را تکه تکه کرد و به هر یک از هم‌قبیله‌های خود قطعه‌ای برای تزئین داد (هورن، ۱۹۶۸).

اگرچه در نقد این عملکرد گفته می‌شود که بسیاری از لباس‌های پوشیده در جامعه متمدن تاحدی فاقد این عملکرد محافظتی هستند و در واقع از آن سرپیچی می‌کنند (هارمز، ۱۹۳۸). می‌توان گفت هر پوشاکی که برای حرکت بسیار تنگ باشد، یا برای حرکت بیش از حد سنگین یا بزرگ باشد و یا برای راحتی بیش از حد گرم باشد، مشخص است که اگرچه انسان آن لباس را برای انواع مختلف محافظت فیزیکی استفاده می‌کند ولی در عین حال زمانی که مد آن را می‌طلبد تا حدی ناراحتی را هم تحمل می‌کند (لیور، ۱۹۶۹، ص ۳۸). انسان همچنین از لباس برای محافظت از خود در برابر خطراتی که اساساً ماهیت روانی دارند نیز استفاده کرده است. از نظر برخی قبائل اولیه آمریکای جنوبی، برخی قدرت‌های جادویی مانند «قدرت پای خرگوش»، ممکن است با شکل پوشش بدن همراه باشد (لوفور، ۱۹۷۳، ص ۱۹۷).

نکته دیگری که باید تحت عنوان (حفاظت) مورد توجه قرار بگیرد، ترس از طرد یا تمسخر احتمالی است. اگر خودمان را آن‌طور که هستیم نشان دهیم، ممکن است تهدید بالقوه برای امنیت روانی ما باشد و از این رو پوشاک ما را از آن محافظت می‌کند (هورن، ۱۹۶۸، ص ۸). شاید برگلر (۱۹۵۳) و رویکرد روان‌کاوانه او در مورد عملکرد حفاظتی لباس باید در این مرحله ذکر شود. نظریه او اثبات نشده است اما فرضیه او این است که اختراع تمام لباس‌های زنانه نتیجه اطمینان خاطر ناخودآگاه مرد در برابر ترس‌های سرکوب شده خود از زن است. این موضوع اگرچه در اینجا مورد توجه قرار نگرفته است، اما در برخی ادبیات‌ها با آن روبه‌رو می‌شویم (لوفور، ۱۹۷۳، ص ۱۹۸).

### ج: آراستگی

احتمالاً رایج‌ترین نظریه در مورد منشأ و هدف لباس به تزیین یا دکوراسیون مربوط می‌شود، که در حقیقت انگیزشی خلاق برای تجربه زیبایی است. آراستن به معنای «جذاب ساختن» یا «زیبایی بخشیدن» است، و در مورد لباس، هدف انسان تزیین خود با آن می‌باشد (هورن، ۱۹۶۸). این فرض که نیاز به آراستن در فعالیت‌های انسانی ذاتی است با مشاهده این‌که حتی میمون‌ها سعی می‌کنند خود را با تکه‌های نخ یا پارچه تزیین کنند تأیید می‌شود (لوفور، ۱۹۷۳، ص ۱۹۸).

این احتمال وجود دارد که مدل‌های مختلف تزیینات مثل «نقاشی بدن»، «خالکوبی»، «سیکاتریس»، «ختنه» و «تغییر شکل» قبل از پوشیدن اشکال فعلی لباس نیز استفاده می‌شده است. بسیاری از این موارد هنوز در جوامع ابتدایی یا به شکل اصلاح شده در جامعه خود ما

قابل مشاهده است، اما همه این‌گونه تزئین‌ها، و از جمله آن لباس، در راستای تمایل و تلاش انسان برای زیباتر نشان دادن بدن از آنچه که طبیعت آن را ایجاد کرده است می‌باشد «زیبایی، در بافت فرهنگی خاص خودش تصور می‌شود» (همان، ص ۱۹۹). تعداد کمی از افراد هستند -البته اگر اصلاً باشند- که به طریقی بدن خود را تزئین نمی‌کنند تا زیباتر به نظر برسند، و حتی بسیاری برای تحقق هدف خود در برابر درد شدید تسلیم می‌شوند (هارمز، ۱۹۳۸).

بار ( ۱۹۳۴، ص ۷۷) دریافت که میل به زیبا بودن یکی از رایج‌ترین نگرش‌ها در انگیزه فردی و گروهی است (به نقل از لوفور، ۱۹۷۳، ص ۱۹۹). افرادی هستند که تا حد زیادی به عوامل زیبایی در انتخاب لباس اهمیت می‌دهند. مطالعات در زمینه اولویت‌های مصرف‌کننده (در انتخاب لباس) دریافتند که ظاهر لباس هنگام تصمیم‌گیری در مورد خرید آن اغلب بیشتر مورد توجه واقع می‌شود نسبت به عوامل دیگری مثل قیمت یا ماندگاری لباس. مشخص شد که عامل ظاهر یکی از مهم‌ترین معیارهایی است که مردم در انتخاب خرید پیراهن و سایر محصولات مورد توجه قرار داده‌اند (یواس دی ای، ۱۹۴۹). تزئین -به معنای هر نوع تزئین بدن- اولین بار در دوره «پارینه سنگی» ظاهر شده است و زیورآلات، قبل از «سفالگری»، «کشاورزی» و «اهلی کردن حیوانات» وجود داشته است (هورن، ۱۹۶۸). تکنیک‌های تزئین بدن به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. تغییر دائمی بدن، به طور مثال «تغییر شکل سر»، «بستن پا»، «سوهان‌کاری دندان»

۲. استفاده از الگوهای زینتی به طور مستقیم بر روی بدن، مانند «تیغ زنی»، «تتو» و

«نقاشی».

۳. چسباندن اشیای زینتی، مثل لباس و جواهرات (لوفور، ۱۹۷۳، ص ۲۰۰).

وسترمارک جزء اولین نویسندگان در زمینه پوشاک بود. به گفته وی، تزئین و لباس در درجه اول و تقریباً تنها وسیله‌ای برای جذابیت جنسی می‌باشد. او استدلال خود را بر این واقعیت بنا کرده است که تزئین کردن، به مراتب بیشتر باعث جلب توجه به اندام جنسی می‌گردد نسبت به زمانی که این اندام پنهان باشند و در چرخه زندگی فردی، تزئینات بدن در سال‌های بلافاصله پس از بلوغ به حداکثر خود می‌رسد (بانزل، ۱۹۳۱، ص ۴۹۶).

### د: نمادگرایی:

نماد «موفقیت»، «شغل»، «شرایط آیینی»، «جنسیت»، «وضعیت»، «وابستگی قومی».

می‌توان لباسی را تصور کرد که به‌گونه‌ای طراحی شده است که ۱. پوشش عقیفانه‌ای

برای بدن می‌باشد، بدون کتمان کردن جذابیت‌های فیزیکی، ۲. دارای حفاظت در برابر

عناصر محیطی می‌باشد، ۳. برای حمل اقلام ضروری راحت است و ۴. رضایت زیبایی شناختی برای استفاده کننده و بیننده به همراه دارد. ولی از همه مهم‌تر این لباس باید نماد و تعیین وضعیت استفاده کننده را نیز به همراه داشته باشد تا اینکه مورد انتخاب واقع شود (لوفور، ۱۹۷۳، ص ۲۰۳).

اولین نمادهای وضعیتی را می‌توان در دوران «پارینه سنگی» جستجو کرد. زمانی که شکارچی خود را با شاخ یا پوست حیوانی که شکار کرده بود به عنوان نشان دستاورد خود آراسته می‌کرد. رهبر هر فرقه یا قبیله‌ای معمولاً برای نشان دادن موقعیت خود دارای نماد متمایزی در لباس خود بود. این آغاز مجموعه پیچیده از تمایزات وضعیت‌ها بوده است. برخی از این موارد راحت‌تر از سایرین مشاهده می‌شوند، مانند پوشیدن تاج توسط پادشاه و ملکه‌ها، لباس‌هایی که مراتب کلیسایی را متمایز می‌کند، لباس‌های آکادمیکی که میزان پیشرفت تحصیلی فرد را مشخص می‌کند، شکل درجه ژنرال، سرگرد، گروه‌بان، و تعداد بی‌شماری لباس دیگر که پلیس، حقوق‌دان، پرستار، پستچی، خلبان، آشپز و دربان را مشخص می‌کند. (هورن، ۱۹۶۸)

#### ۵: بسط خود:

مجموعه‌ای از نظر سنجی‌های روان‌شناختی تأثیر واقعی نوع لباس را بر نحوه درک و خودآگاهی خودمان را آشکار می‌سازد (کودمن، ۲۰۱۹). یکی از تحقیقات مستمر در روان‌شناسی اجتماعی لباس، بررسی ارتباط بین «لباس» و «خود» است، اگر چه برخی از محققان از اصطلاح «هویت» به جای «خود» استفاده کرده‌اند (جانسون، لنون و رود، ۲۰۱۴). در حالی که چندین محقق تأیید کرده‌اند که پوشیدن لباس بر افکار و بر رابطه با «خود» تأثیر می‌گذارد، هانوفر و کوهنن و اویسرمن (۲۰۰۲) با استفاده از یافته‌های شناخت اجتماعی، استدلال کردند که سبک‌های پوشاک می‌تواند دسته‌بندی‌های ذهنی خاصی را در مورد «خود» مطرح کنند، به طوری که دسته‌هایی که در موقعیتی خاص به آسانی به آنها دسترسی پیدا می‌کنند - به واسطه پوشیدن لباس خاص - بیشتر از دسته اطلاعاتی که دسترسی به آنها دشوار است، برای «خود» اعمال می‌شود. سپس آدام و گالینسکی (۲۰۱۲) نشان دادند که لباس تنها در شرایطی بر توجه ذهنی به «خود» تأثیر می‌گذارد. که معنای لباس پوشیده شده برای استفاده کننده مشخص باشد.

هرگاه جسم و بدن در معرض تماس قرار می‌گیرد، وجود آگاهانه «خود» در انتهای جسم گسترش می‌یابد و به فرد حس افزایش ظرفیت، قدرت، حرکت و استقامت می‌دهد.

برخی از نویسندگان، «بسط خود» را به عنوان «تزئین» تفسیر می‌کنند، زیرا هر دو، ماهیتی روان‌شناختی و نوعی لذت ارادی را به همراه دارند. اما تفاوت آن با زینت در این است که هدف آن لزوماً زیباسازی بدن نیست (لوفور، ۱۹۷۳، ص ۲۱۳).

این پدیده بیشتر تقویت‌کننده نگرش و یا هیجانی است که فرد می‌خواهد آن را احساس کند، مانند افزایش احساس «عزت نفس» توسط کسی که لباس مجلسی می‌پوشد که باعث می‌شود حرکت بی‌پروا یا تندی که منافی سلوک پادشاهی است کنترل شود یا یقه استخوانی بلند که به ویکتوریایی‌ها کمک می‌کرد تا حالت محتاطانه و مودبانه گردن خود را حفظ کنند و افزایش حس تکان خوردن و ریتم پیدا کردنی، که فرد هنگام حرکت لباس با نوارهای متحرک و منگوله‌ها احساس می‌کرد (هورن، ۱۹۶۸). تحقیقی مانند تحقیق فیشر و کلیولند نشان می‌دهد که افراد ممکن است در میزانی که آنها احساس «خود» را فراتر از بدن خود، گسترش می‌دهند متفاوت باشند (فیشر و کلیولند، ۱۹۵۶).

### و: محیط - خصیصه‌های روانی

از نظر هارمز، لباس‌ها در درجه اول از محیط پیروی می‌کنند. فرم و شکل لباس تحت تأثیر ۱. محیط فیزیکی و ۲. شرایط اجتماعی که از جمله آن روابط جنسی، طبقه، گروه و ارتباطات مذهبی، فراطبیعی و حسی می‌باشد، قرار دارد.

از نظر هارمز «حیا»، «محافظت» و «آراستگی» را نمی‌تواند به عنوان انگیزه‌های بنیادین لباس پوشیدن در نظر گرفت. علاوه بر اینکه می‌توان برای هر یک از این موارد انگیزه‌های مخالف و متضادی ذکر کرد، همچنین انگیزه‌های بی‌شمار دیگری نیز وجود دارد. ناکافی بودن این سه نوع انگیزه همچنین زمانی بیشتر آشکار می‌شود که سعی می‌شود خاستگاه پوشش از هر کدام به تنهایی استخراج گردد.

لباس ابتدائاً در دنیای احساسات شکل گرفته است و نه تنها نوعی پوشش بلکه نوعی تقلید است که شخص از طریق آن بسیاری از احساسات اجتماعی و ذهنی خود را بیان می‌کنند. توسعه لباس از دو قطب فرهنگی-روانی و مشخصه روان‌شناختی انسان شکل گرفته است. اما اگرچه هدف لباس در درجه اول توسط شرایط تعیین می‌شود، اما شکل آن توسط خصیصه‌های خود انسان و مخصوصاً خصیصه‌های ذهنی او تعیین می‌گردد. علاوه بر این موارد، تأثیر اجتماع به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل، قابل بررسی است که می‌توانیم آن را عنصر لباس بدانیم (هارمز، ۱۹۳۸).

### خاستگاه پوشش از منظر اسلام

یکی از عوامل بسیار مهمی که می‌تواند علت روی آوردن بشر به پوشاک باشد وجود حیاست که خداوند در سرشت هر فردی قرار داده است؛ بشر از زمانی که به زشتی عریان بودن اندامش پی برده، احساس شرم نمود و این احساس در وی سبب گردید تا با هر وسیله‌ای که در دسترس دارد خود را بپوشاند. انسان فطرتاً و از روی طبع، به پوشش بدن خود میل دارد و از برهنگی مضطرب می‌شود، این خصیصه می‌تواند برخاسته از حیا باشد که به طور فطری از بدو خلقت در وجود انسان نهفته است (رجبی، ۱۳۸۲، ص ۳۶).

#### الف: حیا

«حیا» عبارت است از مهار کردن نفس از فعل و کار قبیح و زشت به خاطر حضور و نظارت ناظری که مورد احترام شخص حیاکننده است (هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۶). برای مثال وقتی فرزندان ممیز و بالغ در حضور دیگران از درآوردن و تعویض لباس‌های زیرین خود اجتناب می‌کنند، این کار نمودی از حیا و شرم جنسی آنهاست. عامل اصلی در شکل‌گیری حیا، عنصر حضور و نظارت ناظر محترم است (پسندیده، ۱۳۹۰، ص ۲۷).

خداوند در آیه ۱۴ سوره علق بدون ذکر واژه «حیا» به مقوله حیا اشاره کرده و می‌فرماید: «مگر ندانسته که خدا می‌بیند؟». در آغاز رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که ایشان مورد آزار یکی از مشرکان قریش قرار گرفتند، خداوند این شخص آزاردهنده را به حیا فراخواند و فرمود آیا نمی‌داند خدا او را می‌بیند؟ بنابراین از این آیه استفاده می‌شود صرف توجه به دیدن خداوند و درک حضور او می‌تواند حیا را برانگیزد. در حقیقت می‌توان گفت خداوند پیش از آن‌که مردم را به ترس از خود فرابخواند، به حیا دعوت کرده است که این جایگاه و اهمیت حیا را در نظام تربیتی اسلام نشان می‌دهد و می‌توان گفت ناظر به خودمهارگری درونی است که یکی از مفاهیم مهم روان‌شناسی است.

افزون بر قرآن، احادیث نیز از «حیا» در مقام یکی از بهترین پوشش‌های باطنی و معنوی که رعایت آن نشانه دین‌داری و ایمان است، یاد کرده و آن را مانع و بازدارنده از فساد و فحشا دانسته‌اند. در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: «شرم و حیا از بهترین پوشش‌های دینی است» (الآمري، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۹۳). در حدیث مفضل مشهور به توحید مفضل، از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «اگر حیا وجود نمی‌داشت، برخی از مردم حق والدین را رعایت نمی‌کردند، صله رحم به جا نمی‌آوردند، امانت را به صاحب آن رد نمی‌کردند و همچنین از کارهای زشت و قبیح باز نمی‌ایستادند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۸۱).

اصل وجود «حیا» به عنوان نیرویی فعال در جهت پوشش بدن مورد تأیید اغلب اندیشمندان دینی و غیردینی می‌باشد اما موضوعی که محل اختلاف می‌باشد، «ذاتی» یا «اکتسابی» بودن این خصیصه است.

اسوالد شوارتز طبیب و روان‌شناس اتریشی در اشاره به همین نکته می‌نویسد: «علاوه بر مردم‌شناسی، تجزیه و تحلیل روان‌شناسی نیز ثابت می‌کند که احساس شرم یکی از صفات عمده نوع بشر است» (حداد عادل، ۱۳۶۳، ص ۶۸). همان‌طور که در مبحث حیا از منظر روان‌شناسی ذکر شد اخلاق‌گرایان معتقدند که احساس حیا به خاطر در معرض دید دیگران قرار گرفتن قسمت‌های خاصی از بدن انسان، به آدم و حوا برمی‌گردد (لوفور، ۱۹۷۳، ص ۱۹۵). فخری، فیلسوف مصری در این باره می‌گوید: اصل و مبدأ احساس حیا، همان احساس حیوانی جنس ماده در مورد حیا است و به همین جهت می‌بینیم، نوع احساس حیا در زنان، از مردان قوی‌تر است (فخری، ۶۹۹، ص ۲۷۸). مودودی نیز پس از شرح مفصلی راجع به این‌که جاذبه جنسی در انسان همیشگی است، می‌نویسد: در طبع زنان، در مقابل شهوت و جاذبیت جنسی، حیا و احتشام و امتناع نیز به ودیعت نهاده شده است که در هر زنی کم و بیش وجود دارد. بدون شک این گزینه امتناع و فرار، در جنس ماده حیوانات دیگر نیز ظهور دارد، ولی در جنس ماده انسان بیشتر و شدیدتر است و این شدت به وسیله وضع گزینه حشمت و حیا در روان او، افزون گشته است (مودودی، بی‌تا، ص ۱۴۰).

برخی روان‌شناسان معتقدند حیا با آفرینش زن به هم آمیخته است و تطورات جسمی دوران بلوغ که به‌طور معمول با بروز حالت روحی و روانی گوناگونی همراه است، عامل درونی حیا را به نمایش می‌گذارد.

قرآن در آیه ۲۲ سوره اعراف، در داستان حضرت آدم و حوا، پس از این‌که می‌گوید آنها فریب شیطان را خوردند و از درخت ممنوعه خوردند می‌فرماید: «و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان (زشتی‌های پنهان اندامشان) بر آنها آشکار شد و (به سرعت) شروع به قرار دادن برگ‌های درختان بهشتی بر خود کردند تا آن را بپوشانند». از این داستان به روشنی می‌توان فهمید که آدم و حوا هنگام برهنه شدن، مضطرب و پریشان شدند، زیرا برای رهایی از این حالت، به برگ‌های درختان پناه آوردند و خود را آن‌ها پوشاندند و صبر نکردند تا لباس مناسبی به دست آورند. این در حالی است که اولاً آنها همسر یکدیگر بودند و جایز بود در مقابل هم برهنه شوند، ثانیاً هیچ‌کس در آن‌جا نظاره‌گر نبود تا شرمندگی‌شان به خاطر



او باشد، ثالثاً چون اولین انسان بودند، پوشش برای آنها جنبه اکتسابی هم نداشت. بنابراین تنها دلیل اضطراب ایشان از برهنگی، فطری بودن حیا و به دنبال آن، فطری بودن پوشش در آنها بود و از طرفی چون برهنگی خلاف فطرت است، اضطراب به همراه دارد (قرائتی، ج ۴، ص ۳۵).

قرآن در این آیات سخن از کشف «سوءة» دارد. کلمه «سوءة» در لغت به معنای چیزی است که انسان از آشکار شدن آن ناراحت می‌شود (حسینی دشتی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۶۲). بنابراین می‌توان گفت منظور قرآن از کلمه «سوءة» در سوره اعراف، آیه‌های ۲۰ (سَوَاتِهِمَا)، و ۲۲ (سَوَاتُهُمَا)، و ۲۶ و ۲۷ (سَوَاتِكُمْ)، جاهایی از بدن آنها بوده که از آشکار شدن آن خجالت می‌کشیدند؛ یعنی جاهایی که جاذبه جنسی داشته، نه فقط اعضای تناسلی، زیرا در آیه ۲۶ همین سوره، خداوند از لباسی که «سوءات» انسان را می‌پوشاند، به «لباس تقوا» تعبیر کرده و می‌فرماید: «و لباس تقوا نیکوترین جامه است. این سخنان همه از آیات خداست (که به بندگان فرستادیم) شاید خدا را یاد آرند». امام باقر علیه السلام هم از لباس تقوا به «لباس عفاف» تعبیر می‌کند (البحرانی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۲۴). از این بیان استفاده می‌شود، لباس عفاف یا پوشش عفیفانه، به پوششی گفته می‌شود که جاذبه‌های جنسی انسان را بپوشاند، نه فقط عضو تناسلی را. پس به احتمال قوی می‌توان گفت: کلمه سوءة در این آیات، کنایه از جاذبه جنسی است و علت اضطراب آدم و حوا، آشکار شدن جاذبه‌های جنسی آنان و از بین رفتن عفافشان بوده است. همچنین تعبیر قرآن در آیه ۲۷ سوره اعراف که به معنای جدا شدن لباس‌های آنها و برهنه شدن تمام بدنشان است، کنایه از این واقعیت دارد که ناراحتی آنها به صرف آشکار شدن عضو تناسلی نبوده است.

قرآن در آیه ۲۳ سوره مریم، پس از اینکه می‌گوید حضرت مریم به اعجاز الهی باردار شد و برای اینکه مردم نادان او را به فحشا و بی‌عفتی متهم نکنند، از آنان فاصله گرفت تا دور از آنها وضع حمل کند، می‌فرماید: (مریم آن قدر ناراحت شده که) گفت: ای کاش پیش از این، مرده بودم و به کلی فراموش می‌شدم. این سخن، نهایت پریشانی و ناراحتی زنی است که احساس می‌کند از نظر مردم، پرده و عفتش لکه دار شده است؛ از این جهت آرزوی مرگ می‌کند. این نشان می‌دهد حیا تمام وجود اوست و با رفتن آن، جانش هم در حال از بین رفتن است و این به جز فطری بودن حیا، دلیل دیگری ندارد (رجبی، ۱۳۸۵، ص ۸۵).

### ب: غریزه تبرج

منظور از غریزه خودنمایی و تبرج، جلوه‌گری و دلبری کردن برای تصاحب قلب دیگری است. کلمه تبرج که در قرآن آمده، از کلمه «برج» گرفته شده و به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است (جوهری، ۱۳۸۷، ص ۲۴۳) همان‌طور که برج قلعه برای همه هویداست.

باید توجه داشت که اولاً این غریزه به جنس زن اختصاص پیدا کرده است و قرآن در مورد «تبرج» زنان در آیه ۳۳ سوره احزاب می‌فرماید: ای زنان! (در برابر نامحرم) ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید؛ مانند خودنمایی دوران جاهلیت نخستین. در آیه ۶۰ سوره نور هم می‌فرماید: زنان، (در برابر نامحرم) با زینت‌ها و آرایش‌هایشان خودنمایی نکنند. قرآن در این آیات، فقط زنان را از تبرج و خودنمایی و به‌نمایش گذاشتن جاذبه‌های جنسی خود در برابر نامحرم نهی کرده و از تبرج مردان سخنی نگفته است. از ظاهر این مطلب فهمیده می‌شود که غریزه خودنمایی و تبرج، از ویژگی‌های خاص زنان است و در مردان وجود ندارد. به همین دلیل پوشش و حجاب تنها بر زنان واجب شده است. شهید مطهری رحمته‌الله درباره آثار این غریزه و نیز اختصاص آن به زنان می‌نویسد: اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است (مطهری، ۱۳۶۵، ص ۴۳).

دوماً اینکه غریزه خودنمایی و خودآرایی مانند دیگر غرایز آدمی، نیازمند قانونمندی و کنترل است؛ و باید از افراط و تفریط در آن پرهیز شود؛ زیرا کنترل نکردن این غریزه، چه از جهت افراط و چه از جهت تفریط، برای زن زیان‌بخش است و سلامت او را به خطر می‌اندازد. از این روی در دین اسلام برای این غریزه حد و حدود ویژه‌ای تعیین شده است و واجب شده است و همان‌طور که آزادی بی‌حد و حصر آن ممنوع و برای کنترل آن، حجاب واجب شده، بی‌توجهی به آن مذموم است (رجبی، ۱۳۸۵، ص ۳۲).

با توجه به مقوله «حیا» و «تبرج» می‌توان گفت از منظر اسلام در وجود انسان گرایش دوگانه به پوشش و عدم پوشش وجود دارد؛ گرایش ذاتی به پوشش به جهت وجود خصیصه «حیا» در ذات انسان و میل به خودنمایی به جهت وجود غریزه «تبرج» در انسان. دین اسلام با در نظر گرفتن حدود پوشش در صدد تقویت «حیا» و در صدد مهار نیاز متضاد آن یعنی «تبرج» می‌باشد و به‌طور کلی می‌توان گفت مهم‌ترین خاستگاه پوشش از منظر اسلام وجود خصیصه حیا در نوع انسان است که به‌طور ذاتی و غریزی در تمام انسان‌ها وجود دارد.

## بحث و نتیجه‌گیری

لباس همواره جایگاه انسان را در جامعه مشخص کرده و به‌گونه‌ای مرتبه و منزلت صاحبش را ایجاد نموده است. بنابر موقعیت صاحب لباس، رمزهای اجتماعی دارای ارزش‌های انسانی در آرایش و شکل پوشاک ارائه می‌گردد. لباس پوشیدن ارزشی از ارزش‌ها و شأن انسان است و پدیده‌ای است که قدمت آن تقریباً به درازای طول تاریخ بشر و پهنه جغرافیای امروزی زمین، باز می‌گردد.

این پدیده با خصوصیات مختلف فردی و اجتماعی در ارتباط است و بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظریه‌های فرهنگی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مدام تلاش کرده‌اند تا انگیزه شخصی و نوعی انسان‌ها را در استفاده از پوشش به‌عنوان خاستگاه آن توضیح دهند. نقطه مشترک اغلب این نظریات این واقعیت است که پوشش علاوه بر ماهیت فیزیکی و مادی، از بعد روحی-روانی برخوردار است، هیجانات، عواطف و دیگر عوامل مؤثر در شکل‌گیری کنش‌های انسانی، نیز برخوردار می‌باشد.

در روان‌شناسی نوین، «رنگ» و «نوع پوشش» یکی از معیارهای سنجش شخصیت به‌شمار می‌آیند، زیرا هر یک از آنها تأثیر خاص روحی و جسمی را در یک فرد باقی می‌گذارند و نشانگر وضعیت روانی و جسمی وی می‌باشد. این موضوع با توجه به پیشرفت‌های دو دانش فیزولوژی و روان‌شناسی به اثبات رسیده است. همچنین سبک پوشش برای اثبات فردیت و قوه تمیز و تشخیص مصرف‌کننده و راهی برای تمایز او با دیگران است. لباس افراد ابزاری است که موجب شناخته شدن و تشخیص هویت آنان می‌شود.

از منظر روان‌شناسی حیا، آراستگی، حفاظت، نمادگرایی، گسترش خود و محیط-خصیصه‌های روانی، عواملی اساسی ایجادکننده پوشش هستند که البته در بین روان‌شناسان در گستره، استقلال-ترکیب و ذاتی و اکتسابی بودن این عوامل اختلاف نظرهایی وجود دارد. از منظر اسلام می‌توان گفت مهم‌ترین عامل شکل‌گیری پوشش، خصیصه حیا می‌باشد که به‌طور فطری در تمام انسان‌های از بدو خلقت-آدم و حوا- وجود داشته است. مهم‌ترین چالش در این موضوع ذاتی و اکتسابی بودن خصیصه حیا می‌باشد که در بین روان‌شناسان نیز مورد اختلاف واقع شده است.

برخی همچون ویل دورانت، ویلیام جیمز، روان‌شناس معروف و شوپن‌هاور، حیا را امری غریزی ندانسته بلکه آن را اکتسابی شناسانده‌اند؛ زنان دریافتند که دست و دلبازی، مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند (دورانت، ۱۳۷۱، ص ۱۲۹).

اینان برای اثبات ادعای خود ممکن است به دو دلیل استدلال کنند:

دلیل نخست تفاوت فرهنگ‌هاست. بر اساس این دلیل مقتضای فطری بودن ارزش‌هایی مثل حیا یکسانی و همسانی آنها در تمام فرهنگ‌ها و زمان‌هاست، اما بر خلاف آن ما شاهد تفاوت فرهنگ‌ها هستیم. در فرهنگی یک کار، نابهنجار شمرده می‌شود و مردم از انجام دادن آن حیا می‌کنند، ولی در فرهنگ دیگری همان کار هنجار به‌شمار می‌رود و در نتیجه مردم از انجام آن شرم نمی‌کنند. آنها معتقدند اینها اموری فرهنگی‌اند نه فطری و از این رو اصالت نداشته، قابل تغییر خواهند بود و بر همین اساس معتقدند که برای یافتن اصالت‌های انسانی باید به جوامع بدوی و به دور از تمدن روی آورد، زیرا دوری آنها از تمدن باعث شده که از هیچ فرهنگی تأثیر نپذیرند و اصالت انسانی خود را حفظ کنند.

دلیل دوم آنها از همین جا آغاز می‌شود که می‌گویند مطالعه جامعه‌های بدوی و به دور از تمدن مانند برخی قبیله‌های آفریقایی نشان می‌دهد که در این قبیله‌های به اصطلاح دست‌نخورده، مردم از برهنگی خود نزد دیگران حتی جنس مخالف، ابایی نداشته و حیا و شرم نمی‌کنند و زنان آنان اختلاط با مردان رازش نمی‌دانند و از نداشتن پوشش احساس شرم و خجالت نمی‌کنند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ارزش‌هایی همچون حیا در پوشش پدیده‌هایی فرهنگی‌اند که محصول تمدن بشری هستند نه اینکه فطری و ذاتی باشند.

هر دو استدلال مزبور قابل مناقشه و نقد است. پرسش درخور طرح استدلال اول این است که متفاوت بودن فرهنگ و تمدن در چه چیزی تأثیر می‌گذارد؟ آیا در اصل موجودیت حیا در پوشش تأثیر دارد یا در پیدایش شکل و نوع و مقدار ویژه‌ای از آن در مقام موضوع و مصداق حیا تأثیر دارد؟ به نظر می‌رسد آنچه با تغییر فرهنگ دگرگون می‌شود، نوع و مقدار حیا در پوشش است نه موجودیت اصل آن. همچنین جامعه‌های بدوی و دور افتاده از تمدن جدید هم از موجودیت اصل حیا خالی نیستند، هرچند ممکن است به تناسب فرهنگ و نظام ارزشی خود در مصداق، موارد و موضوعاتی که شایسته حیا و شرم از نظر آنهاست، با دیگران متفاوت باشند.

اشکال اساسی در برابر استدلال دوم نیز این است که برای اثبات فطری یا غیر فطری بودن حیا در پوشش، نمی‌توان جامعه مبنا و معیار را جامعه‌ای بدوی دانست که از فرهنگ و تمدن روز به دور است، زیرا چنین جامعه‌ای با اینکه از تأثیرات تمدن روز و جدید دور است، نمی‌توان گفت نسبت به اصالت خود دست‌نخورده مانده و تحت تأثیر هیچ فرهنگ و تمدنی قرار نداشته است. بنابراین در چنین مواردی جامعه مبنا و معیار را باید اولین جامعه

بسیط انسانی تشکیل یافته از آدم و حوا قرار داد که از تأثیر هر فرهنگ بشری به دور بوده و فطرتی دست‌نخورده داشته است (پسندیده، ۱۳۸۵، ص ۴۷). بنابراین می‌توان گفت «حیا» خصیصه‌ای ذاتی است و اصلی‌ترین عامل ایجاد پوشش در بین انسان‌ها می‌باشد.

## منابع

- اکبری، بهمن (۱۳۷۰)، *اسلام و مصرف پوشاک*، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- البحرانی، هاشم (۱۳۶۲)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، بیروت: موسسه الوفاء.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۰)، *پژوهشی در فرهنگ حیا*، قم: دارالحدیث.
- توکلی، فاطمه، عاصمی، عاصفه، نشاط دوست، حمید طاهر (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر رنگ پوشش ظاهری کارکنان مراکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی بر سلامت روان آنان»، *مجله کتابداری و اطلاع‌رسانی*.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۶۳)، *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*، انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- دادو، پریسا، امام قره حاجلو، مهدی (۱۳۹۸)، «تأثیر رنگ لباس بر روی برخی از مؤلفه‌های سلامت روانی افراد»، *کنفرانس ملی مهندسی نساجی*.
- دورانت، ویل (۱۳۷۰)، *تاریخ تمدن*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- رجبی، عباس (۱۳۸۵)، *حجاب و نقش آن در سلامت روان*، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- فخری، فرج (۶۹۲)، *المرآة و فلسفه التناسلیات*، بی‌جا، مطبعه العصریه.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۴)، *تفسیر نور*، قم: موسسه در راه حق.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴)، *اخلاق در قرآن*، ج ۱ و ۲، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مهدی زاده، حسین (۱۳۸۶)، *پرسیمان حجاب*، قم، انتشارات صهبای یقین.
- مودودی، ابوالاعلی (بی تا)، *الحجاب*، بیروت: موسسه الرساله.
- هاشمی رکاوندی، مجتبی (۱۳۷۸)، *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن، با نگرش علمی و اسلامی*، قم: نشر شفق.
- صاحب‌الامری، جمال‌الدین (۱۳۵۲)، *سبیل النجاه فی اصول الاعتقادات*، شیراز.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۳۶۲)، *بحارالانوار*، بیروت: موسسه الوفاء.
- حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۷۶)، *معارف و معاریف*، قم: نشر دانش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۸۷)، *معجم الصحاح: قاموس عربی - عربی*، بیروت: دارالمعرفه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۵)، *مسئله حجاب*، تهران: صدرا.

- Adam, H., & Galinsky, A. D. (2012). Encllothed cognition. *Journal of experimental social psychology*, 48(4), 918-925.
- Bergler, E. (1953). *Fashion and the unconscious*. International Universities Press, Inc.
- Bunzel, R. (1931). Ornament. *Encyclopedia of the social sciences*, 5, 496-497.
- Carter, M. (2003). JC Flügel and the nude future. *Fashion Theory*, 7(1), 79-101
- Fisher, S., & Cleveland, S. E. (1956). Body-image boundaries and style of life. *The Journal of Abnormal and Social Psychology*, 52(3), 373.
- Flugel, J. C. (1933). The psychology of clothes. *The Sociological Review*, 25(3), 301-304.
- Hannover, B., & Kühnen, U. (2002). Der Einfluss independenter und interdependenten Selbstkonstruktionen auf die Informationsverarbeitung im sozialen Kontext. *Psychologische Rundschau*, 53(2), 61-76.
- Harms, E. (1938). The psychology of clothes. *American Journal of Sociology*, 44(2), 239-250.
- Horn, M. (1968). The Second Skin: An India ciplinary study of Clothing. *Boston: Miffin coorporation*, 23-26.
- Jamalizade, A. (2010), "the woman in pre-Islamic Iran," *Journal of Iranian Studies, shahid Bahonar University of kerman* , Vol.9.No 17,Pp.20-40. [Persian] 18-
- Jenkins, R. (2003), "Social Identity " Trans: Toraj Yarahmadi, Tehran: Pub shiraze..[Persian]
- Johnson, K., Lennon, S. J., & Rudd, N. (2014). Dress, body and self: Research in the social psychology of dress. *Fashion and Textiles*, 1(1), 1-24.
- Kodžoman, D. (2019). THE PSYCHOLOGY OF CLOTHING: Meaning of Colors, Body Image and Gender Expression in Fashion. *Textile & Leather Review*, 2(2), 90-103.

- Kühnen, U., & Oyserman, D. (2002). Thinking about the self influences thinking in general: Cognitive consequences of salient self-concept. *Journal of Experimental Social Psychology*, 38(5), 492-499.
- Langner, L. (1959). *The importance of Wearing Clothes, Hasting House*. New York, 21.
- Laver, J. (1969). *Modesty in dress: An inquiry into the fundamentals of fashion*. Houghton Mifflin Harcourt Publishing Company
- Lefebvre, V. M. (1973). *Social and psychological aspects of clothing: independent study vs. lecture-discussion*. Iowa State University
- Roach, M. E., & Eicher, J. (1965). *Dress, adornment and the social order*
- Roach-Higgins, M. E., & Eicher, J. B. (1992). Dress and identity. *Clothing and textiles research journal*, 10(4), 1-8.
- Shabsahani, S.(1995)” History of head covering”, Tehran; Pub modabber. [Persian{
- USDA,N.(1949).*Poultryproductionandvalue-2013summary*. ISSN, 1573, 1-14.





# اسلام‌پژوهش‌های روان‌شناختی

سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (ص ۷۳-۹۲)

## واکاوی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان دختر

### Analysis of sociological factors affecting the formation of religious identity of female students

✉ غلامرضا تاج‌بخش / دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی، لرستان، ایران.  
رضا رمضان‌زانی / استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی، لرستان، ایران.  
زهرا علیدادی / دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، لرستان، ایران.

**Gholamreza Tajbakhsh** / Associate Professor, Department of Sociology, Grand Ayatollah Boroujerdi University, Lorestan, Iran. [tajbakhsh@abru.ac.ir](mailto:tajbakhsh@abru.ac.ir)

**Reza Ramazani** / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Grand Ayatollah Boroujerdi University, Lorestan, Iran.

**Zahra Alidadi** / Graduated in Sociology, Lorestan, Iran.

#### Abstract

Religious identity means a sense of commitment to religion; Belonging to a religious community and belonging to a nation to which they adhere is defined and is considered as one of the most important factors in creating social consolidation and cohesion. Due to the importance of the issue of religious identity, on this basis, the present study was conducted with the aim of sociological study of the factors affecting the formation of religious identity of female high school students in Boroujerd. The statistical population is all female high school students in this city. To calculate the sample size, 383 people were selected through Cochran's formula and multi-stage cluster sampling method was

#### چکیده

هویت دینی به معنای احساس تعهد به دین؛ تعلق به جامعه دینی و تعلق به امتی که به آن دین پایبند هستند تعریف می‌شود و به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تحکیم و انسجام اجتماعی به‌شمار می‌رود. با توجه به اهمیت موضوع هویت دینی، براین مبنا تحقیق حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر بروجرد انجام گرفت. جامعه آماری، کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه این شهر می‌باشد. برای محاسبه حجم نمونه از طریق فرمول کوکران تعداد ۳۸۳ نفر انتخاب و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. ابزار تحقیق مورد استفاده، پرسشنامه محقق‌ساخته بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی

used. The research tool used was a researcher-made questionnaire. Data analysis was used at two levels of descriptive statistics and inferential statistics. There is a significant relationship between a high school girl in Boroujerd.

**Keywords:** Sociological factors, Religious identity, Students, Girl.

و آمار استنباطی استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین عوامل جامعه‌شناختی (فرهنگ دینی خانواده، محیط آموزشی، مذهبی بودن گروه هم‌سالان، استفاده از اینترنت و استفاده از ماهواره) با شکل‌گیری هویت دینی مورد دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر بروجرد رابطه معناداری وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** عوامل جامعه‌شناختی، هویت دینی، دانش‌آموزان، دختر.

### مقدمه

در فرهنگ معین هویت به معنای ذات باری تعالی، هستی، وجود، آنچه موجب شناسایی شخص باشد تعریف شده است. مفهوم هویت به‌طور هم‌زمان میان افراد یا اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد، از یک طرف مشابهت و از طرف دیگر تفاوت. فعل شناسایی به‌ضرورت، لازمه هویت است (بارث، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷). هویت مجموعه‌ای از علائم، آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۷). هویت دینی به معنای احساس تعهد به دین و احساس تعلق به جامعه دینی و در سطحی وسیع‌تر، احساس تعلق به امتی که به آن دین پایبند هستند (ماهرزاده، ۱۳۹۲، ص ۷۱). به جد می‌توان گفت که اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین عاملی که می‌تواند تمام هویت‌ها را وحدت بخشد، هویت دینی است چرا که انسان فطرتاً این میل و گرایش را در خود دارد و می‌تواند عامل وحدت انسانی باشد. هویت دینی اگر تقویت شود باعث پذیرش و مقبولیت اجتماعی نیز می‌شود چرا که اصلاح رابطه خود با خدا به اصلاح رابطه فرد با دیگران از سوی خداوند می‌انجامد و خداوند بذر محبت وی را در قلوب دیگران می‌پاشد و مضافاً این‌که هویت دینی زندگی را معنادار کرده و از پوچ‌گرایی و نیهیلیسم و بی‌معیاری و بی‌هدفی می‌رهاند، یعنی معناداری زندگی و هدفمندی فرد و جامعه در پرتو اعتقاد به خدا و دین او شکل می‌گیرد، چنان‌که چنین فردی خود را مسئولیت‌پذیر و متعهد دانسته و نسبت به رعایت حقوق حق الله، حق النفس و حق الناس ملتزم می‌سازد و از سویی ارزش‌های اخلاقی و قوانین اجتماعی و حقوقی را ارج نهاده و آنها را در خود به شکل هنجار در می‌آورد (اکبری، ۱۳۸۷، ص ۹۱).

دین، دین‌داری و هویت دینی در نظریه‌ها و پژوهش‌های علوم اجتماعی همواره مورد توجه بوده است. این‌که هویت دینی نقش پررنگی در زندگی مردم دارد امری پذیرفته شده در میان دانشمندان علوم اجتماعی است. این دیدگاه در تفکرات و نظریه‌های جامعه‌شناسان مختلف از جمله دورکیم، وبر، زیمل، یواخیم و ... ریشه داشته است (میشل، ۲۰۱۱، ص ۵۳). هویت دینی به معنای احساس تعلق و تعهد فرد نسبت به باورها، احکام و ارزش‌های دینی است. هویت دینی به عنوان هویت جمعی متضمن آن سطح از دین‌داری است که با مای جمعی یا همان اجتماع دینی یا امت مقارنت دارد (دوران، ۱۳۸۸، ص ۸۴). در جای دیگر، هویت دینی (از دیدگاه جامعه‌شناسان) به رابطه آدمی با دین و عوامل آن، میزان تعلق و گرایش‌های فرد بر حول ارزش‌ها و موازین دینی و چگونگی تأثیر آنها در زندگی او در نظر گرفته شده که دارای ابعادی همچون رابطه فرد با خویشتن، رابطه فرد با خدا، رابطه فرد با جهان هستی و رابطه فرد با جامعه است (حاجیان، ۱۳۸۸، ص ۴۵۴).

استرایکر نگرش‌هایی را که در مورد هویت در حیطه روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی مطرح شده است در سه گروه تقسیم می‌کند (بورک و استریکر، ۲۰۰۰، ص ۲۸۴). برخی دیدگاه‌ها یک نگرش فرهنگی و جمعی از هویت دارند که ایده‌ها، باورها و اعمال یک گروه یا جمع را نمایش می‌دهند. این نگرش اغلب در کارهایی که روی هویت قومی انجام گرفته، دیده می‌شود. در این دیدگاه هویت به صورت مشخص و شفاف تعریف نشده و موجب ایجاد ابهام شده است. این دیدگاه از تشریح تغییرپذیری رفتار، انگیزش و کنش متقابل افراد ناتوان است. دیدگاه دوم در مورد هویت، ذیل سنت «کنش متقابل‌گرایی» و مخصوصاً نگاه ساختاری آن رشد می‌کند. این دیدگاه بیشتر به بررسی ارتباطات نقش افراد و تغییرپذیری، انگیزش و تفاوت‌ها با هویت می‌پردازد. این دیدگاه به نظریه هویت معروف بوده و دانشمندانی چون بورک، استریکر، مک کال و سیمونز و ... روی آن کار می‌کنند.

در نظریه هویت، هسته هویت عبارت است از مقوله‌بندی «خود» به عنوان یک اجراکننده نقش، و ترکیب معانی و انتظارات تداعی شده با نقش و اجرای آنها. این دیدگاه بیشتر بر هویت نقشی تأکید می‌کند. زمانی که فردی نقش خاصی را برعهده می‌گیرد، همراه نقش، نوعی هویت نیز کسب می‌کند و این هویت از وظایف نقشی و انتظارات دیگران از آن ناشی می‌شود. این دیدگاه چون هویت را ناشی از نقش‌پذیری افراد در درون گروه‌ها می‌داند، بیشتر به روابط درون گروه با نقش‌های اعضا می‌پردازد.

سومین دیدگاه در مورد هویت، در آثار تاجفل و افرادی چون جان ترنر، هوگ، اوکاس و ریچر تحت عنوان «نظریه هویت اجتماعی» مشاهده می‌شود. این دیدگاه هویت را به عنوان چیزی که در درون یک گروه و مقوله جاسازی شده می‌بیند، تفاوت گروه و مقوله را نادیده گرفته و همچنین اهمیت رفتار درون گروه مثل ارتباطات بین اعضای گروه را رها می‌کند. (بورک و استریکر، ۲۰۰۰، ص ۲۴۴).

بنابراین با توجه به اهمیت مطالب مطرح شده و نیز توجه به این امر که تا کنون پژوهشی که به بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت پرداخته باشد بسیار کم بوده و توجه به سن بحرانی دانش‌آموزان (نوجوانی) و ضرورت توجه به مشکلات این گروه سنی برای مبنا پژوهش حاضر به بررسی این موضوع مهم می‌پردازد. سوال اصلی پژوهش حاضر آن است که چه عواملی جامعه‌شناختی در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه بروجرد مؤثر می‌باشد؟

### پیشینه پژوهش

پیشینه‌های داخلی و خارجی در ارتباط با موضوع انجام شده است که برخی از آنها به شرح ذیل می‌باشد.

نتایج پژوهش تاجیک اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان نگرش به جهانی شدن و هویت دینی دانشجویان نشان داد که نمره میانگین هویت دینی دانشجویان ۶۰٫۳ است. این مقدار به معنی وجود احساس هویت نسبتاً مثبت اما ضعیف است، به این معنی که دانشجویان از احساس هویت دینی چندان قوی برخوردار نیستند هر چند این احساس در آنان منفی هم نیست. بالاترین نمره مربوط به هویت اعتقادی است که نمره دانشجویان ۱۹٫۵ یعنی بین دو حد قوی و بسیار قوی است. در نقطه مقابل پایین‌ترین نمره مربوط به هویت اخلاقی است که نمره میانگین آن ۶۲٫۲ می‌باشد. رابطه کلی بین نگرش به جهانی شدن با هویت دینی، مثبت و معنادار است به بیان دیگر می‌توان گفت افرادی که هویت دینی مثبت دارند دارای نگرش مثبت به جهانی شدن نیز هستند. یافته‌های پژوهش ریاحی و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان تلویزیون و هویت دینی مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران نشان داده است که بین میزان مصرف تلویزیون و همه ابعاد هویت دینی و همچنین دین‌داری کل دانشجویان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. البته از میان ابعاد چهارگانه هویت دینی، هویت اعتقادی دارای بیشترین شدت رابطه با میزان استفاده از تلویزیون می‌باشد.

حسین زاده و همکاران (۱۳۹۱) به پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر در تحکیم هویت دینی دانش‌آموزان مقطع متوسطه (مطالعه موردی آموزش و پرورش اسلامشهر) پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که سطح سواد والدین با تحکیم هویت دینی دانش‌آموزان رابطه معناداری دارد. همچنین آزمون فرضیات با ۹۹ درصد اطمینان نشان داد که هر ۹ عامل پرسش‌های بنیادین، جهت بخشیدن به زندگی، رویکرد مثبت به آینده، وحدت اعتقادی، ویژگی‌های تمدنی، تقویت و پذیرش اجتماعی، توجه به منزلت، معنا بخشیدن به جهان و مقاوم بودن در برابر مصائب بر تقویت و تحکیم هویت دینی دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد. میزان اثرگذاری هر یک از این عوامل بر تقویت و تحکیم هویت دینی دانش‌آموزان یکسان نیست و به طوری که پرسش‌های بنیادین دارای بالاترین و ویژگی‌های تمدنی دارای کمترین تأثیر می‌باشد. حکمت پور و همکاران (۱۳۹۲) به پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر نقش خانواده در حفظ هویت ملی و دینی جوانان (مطالعه موردی منطقه ۱ و ۵ شهر تهران) پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داده است که با توجه به یافته‌های حاصل از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن، می‌توان گفت در سطح معناداری ۰/۰۵ شده است همچنین ارتباط بین هویت ملی و دینی تأیید شده و مقدار ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰/۴۰ می‌باشد. با توجه به یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر می‌توان گفت تأثیر متغیر پایبندی ملی والدین بر هویت ملی تأیید می‌شود و نیز تأثیر متغیر عملکرد آموزشی دینی والدین بر هویت دینی تأیید شده که دارای ضریب استاندارد ۰/۲۲ می‌باشد. نتایج نشان داده است که بین هویت ملی و دینی جوانان ارتباط معنادار و مستقیم وجود دارد عملکرد آموزشی والدین در زمینه مسائل دینی تأثیر مستقیم و معنادار بر هویت دینی جوانان دارد. پایبندی خانواده‌ها به مسائل ملی تأثیر مستقیم و معنادار بر هویت ملی جوانان دارد. کدی (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای، نشان داد که تنوع هویتی و همچنین ساخت دمکراتیک در ارتباط دانش‌آموزان با موضوعات دینی و در نتیجه تقویت هویت دینی تأثیر گذار است. نظام دمکراتیک جامعه و نهادینه شدن فرهنگ شهروندی موجب می‌شود که با وجود تنوع هویتی انسان‌ها، توجه به هویت دینی تقویت شود. داشتن فرهنگ شهروندی موجب می‌شود که در یک جامعه متنوع و پیچیده با هویت‌های گوناگون، زمینه تضاد شکل نگیرد. چادوری و میلر (۲۰۰۷) به پژوهشی با عنوان شکل‌گیری هویت دینی در بین جوانان آمریکایی بنگلادشی تبار پرداخته است. نتایج نشان داده است دو گروه متمایز از جوانان در حال شکل‌گیری هویت مذهبی هستند. گروهی به فطری بودن هویت دینی اعتقاد دارند و گروه دیگر مسئله هویت دینی را

به شناخت محیط نسبت می‌دهند. همچنین نتایج دیگر پژوهش نشان داده است که تلاش برای یافتن جایگاه مناسب برای جوانان بنگلادشی بسیار دشوار بوده، در حالی که به عنوان بخشی از اقلیت قومی و مذهبی آنجا به حساب می‌آمده‌اند. پیک (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای با عنوان مسلمان شدن: توسعه هویت دینی، به بررسی فرایند شکل‌گیری هویت دینی و ظهور دین به عنوان یک منبع معنایی برجسته در شکل‌گیری هویت اجتماعی و شخصی نسل دوم آمریکایی‌های مسلمان می‌باشد. نتایج نشان داده‌اند که گروهی از دانشجویان مسلمان هویت دینی را امری انتسابی می‌دانند. عده‌ای دین و هویت دینی را امری انتخابی می‌دانند. گروهی هم هویت دینی را امری اظهارشده قلمداد می‌کنند. همچنین نتایج پژوهش نشان داده است که هویت دینی دارای زمینه تاریخی و اجتماعی است و متغیری به نسبت ثابت است و این که هویت دینی به عنوان شکلی از هویت اجتماعی پایه‌ای بسیار قوی در ایجاد هویت اجتماعی تشکیل نموده و همبستگی جمعی برای جوانان مسلمان به وجود آورده است.

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین در این است اگر چه وجه اشتراکی پژوهش‌های فوق‌الذکر درباره عوامل جامعه‌شناختی با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان می‌باشد ولی با توجه به مطالعات مذکور به وضوح می‌توان دریافت که تحقیقات نظام‌مند معدودی در این زمینه صورت گرفته است. در نتیجه اهمیت این پژوهش در آن است که به طور ویژه به این موضوع مهم در میدان وسیع تحقیق می‌پردازد. به طور کلی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از پیشینه‌های داخلی و خارجی ذکر شده در مقاله حاضر حکایت از فقدان پژوهشی مستقل و مستقیم مرتبط با اهداف، روش و ساختار این تحقیق دارد.

### روش پژوهش

با توجه به عنوان موضوع که به «بررسی رابطه عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر بروجرد» می‌پردازد، تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از روش‌های کمی‌گردآوری داده‌ها، توصیفی تحلیلی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر شهر بروجرد می‌باشد که طبق آخرین آمار به عمل آمده حدود ۸۰۰۰ نفر می‌باشد. در این تحقیق برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده می‌شود و طبق این فرمول ۳۸۳ نفر در نمونه آماری قرار می‌گیرند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای که یکی از شیوه‌های نمونه‌گیری

احتمالی است، استفاده می‌شود. به این ترتیب که ابتدا مناطق مختلف شهر بر وجود را بر اساس شاخص توسعه یافتگی به پنج خوشه شمال، جنوب، شرق و غرب و مرکز تقسیم گردیده و با روش نمونه‌گیری تصادفی یک مدرسه از شمال، یک مدرسه از جنوب، یک مدرسه از شرق و یک مدرسه از غرب و یک مدرسه از مرکز شهر بر وجود انتخاب گردیده و توزیع پرسشنامه و کار جمع‌آوری اطلاعات بر روی آنها صورت می‌گیرد. نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به کمک نقشه‌های بلوک‌بندی انجام شد و نمونه‌گیری توسط پژوهشگر از درب منازل آغاز می‌شود. در این تحقیق برای تدوین مبانی نظری و پیشینه تحقیق از روش گردآوری اطلاعات اسنادی مقدماتی (کتابخانه‌ای) استفاده شد و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش میدانی بهره گرفته شد. در این تحقیق ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق ساخته در قالب طیف لیکرت می‌باشد. در این تحقیق برای سنجش و عملیاتی نمودن متغیر هویت دینی دانش‌آموزان (۲۰ گویه)، متغیر محیط آموزشی (۱۴ گویه)، متغیر مذهبی بودن گروه دوستان و هم‌سالان (۵ گویه)، متغیر استفاده ماهواره (۸ گویه) و متغیر استفاده از اینترنت (۱۰ گویه) استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های این مطالعه در دو سطح آمار توصیفی (جدول توزیع فراوانی) و آمار استنباطی استفاده شد. تحلیل اطلاعات از طریق نرم افزار spss ۲۱ و نیز برای آزمون فرضیه‌ها از آمارهای روش آماری کولموگروف اسمیرنف برای نرمال بودن توزیع داده‌ها، آزمون ضریب همبستگی متناسب با آزمون نرمال بودن داده‌ها (پیرسون یا اسپیرمن) و آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و رگرسیون چند متغیره جهت مشخص کردن بیشترین تأثیر متغیرها استفاده گردید.

## یافته‌ها

### یافته‌های توصیفی تحقیق

در بررسی حاضر از ۳۸۴ نفر نمونه آماری ما حداقل سن پاسخگویان ۱۵ و حداکثر آن ۱۸ سال می‌باشد و میانگین سن پاسخگویان ۱۷ سال بوده است. ۳۸/۲ درصد پاسخگویان پایه اول و ۲۹/۷ درصد پاسخگویان پایه دوم و ۳۲/۱ درصد پاسخگویان پایه سوم می‌باشند و یک نفر هم پایه تحصیلی خود را مشخص نکرده است. توزیع دانش‌آموزان دختر بر حسب رشته تحصیلی نشان می‌دهد که ۳۶/۳ درصد پاسخگویان رشته علوم انسانی (اول)، ۲۰/۴ درصد پاسخگویان علوم تجربی، ۱۲/۷ درصد پاسخگویان رشته ریاضی فیزیک، ۱۳/۲ درصد پاسخگویان رشته فنی و حرفه‌ای و ۱۷/۹ درصد رشته کار و دانش می‌باشند.

توزیع دانش‌آموزان بر حسب تحصیلات پدر نشان می‌دهد بیشترین فراوانی مربوط است به تحصیلات پدرانی که بی‌سواد یا ابتدایی بوده‌اند یعنی ۴۳ درصد و بقیه ۳۲/۶ درصد سیکل، ۱۵/۵ درصد دیپلم ۵/۱ درصد فوق‌دیپلم، ۳/۲ درصد لیسانس و ۰/۵ درصد فوق‌لیسانس و بالاتر بوده‌اند و در مجموع ۹۱/۲ درصد تحصیلات پدر دانش‌آموزان دختر دیپلم و پایین‌تر می‌باشند. توزیع دانش‌آموزان بر حسب منطقه و محل زندگی پاسخگویان نشان می‌دهد که از نمونه ۳۸۴ نفری، ۸۰ نفر (۲۰/۶ درصد) در شمال بروجرد، ۷۴ نفر (۱۸/۸ درصد) در جنوب بروجرد، ۸۵ نفر (۲۲/۷ درصد) در شرق بروجرد، ۱۰۵ نفر (۲۸/۶ درصد) در غرب بروجرد و ۴۰ نفر (۹/۴ درصد) در مرکز بروجرد زندگی می‌کنند. اطلاعات مربوط به شغل پدر دانش‌آموزان نشان می‌دهد که ۲۱ نفر (۵/۹ درصد) دارای شغل کارگری، ۹۹ نفر (۲۰/۹ درصد) دارای شغل نظامی، ۱۷۶ نفر (۴۵/۶ درصد) دارای شغل آزاد، ۲۰ نفر (۷/۵ درصد) دارای مشاغل همچون (پزشک، استاد و...)، ۵۰ نفر (۱۳/۷ درصد) کارمند، ۱۱ نفر (۴/۵ درصد) دانشجو و ۷ نفر (۱/۸ درصد) از نمونه ۳۸۴ نفری ما بیکار هستند.

### یافته‌های استنباطی تحقیق

در این پژوهش با توجه به اهداف تحقیق و سطح سنجش متغیرها جهت آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های مختلفی استفاده شده است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

جدول شماره ۱: آزمون همبستگی بین متغیرهای جامعه‌شناختی با شکل‌گیری هویت مذهبی

دانش‌آموزان

هویت مذهبی		نام متغیر	ردیف
سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون		
۰/۰۰۱	۰/۴۹	فرهنگ دینی خانواده	۱
۰/۰۰۰	۰/۴۲	محیط آموزشی	۲
۰/۰۰۴	-۰/۱۵	استفاده ماهواره	۳
۰/۰۰۰	۰/۲۹	استفاده اینترنت	۴
۰/۰۰۰	۰/۵۵	مذهبی بودن گروه هم‌سالان	۵



همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، بین فرهنگ دینی خانواده با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده ( $r=0/49$ ) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی وجود دارد. یعنی با افزایش فرهنگ دینی خانواده، هویت مذهبی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. این یعنی تأیید فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر این‌که فرهنگ دینی خانواده با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان رابطه دارد.

نتایج جدول (۱) بیانگر رابطه بین نقش محیط آموزشی با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان می‌باشد. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، بین نقش محیط آموزشی با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده ( $r=0/42$ ) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش نقش آموزش و پرورش، شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان هم افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه اصلی تأیید می‌شود. یعنی بین میزان نقش آموزش و پرورش با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، بین استفاده ماهواره با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده ( $r=-0/15$ ) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان به‌صورت منفی همبستگی وجود دارد. یعنی هرچه میزان استفاده ماهواره دانش‌آموزان افزایش می‌یابد، هویت مذهبی آنان کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه اصلی به‌صورت معکوس تأیید می‌شود.

با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده ( $r=0/29$ ) و ضریب همبستگی حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی مثبت و مستقیم بین استفاده از اینترنت و هویت دینی وجود دارد. یعنی با افزایش میزان استفاده از اینترنت، هویت دینی هم افزایش می‌یابد و برعکس. بنابراین فرضیه اصلی تأیید می‌شود.

همچنین نتایج جدول بیانگر رابطه بین میزان مذهبی بودن گروه دوستان و هم‌سالان با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان می‌باشد. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، بین مذهبی بودن گروه دوستان و هم‌سالان با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده ( $r=0/55$ ) و ضریب همبستگی حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش میزان مذهبی بودن گروه دوستان و هم‌سالان هویت مذهبی هم افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه اصلی تأیید شد.

با بررسی آماری که صورت گرفت پیش فرض‌های استفاده از رگرسیون چند متغیری نرمال بودن توزیع داده‌ها مورد تأیید قرار گرفت که نتایج مربوط به آنها در نمودارهای زیر منعکس شده است.

بر اساس اطلاعات جدول (۲) اسمیریف کولموگروف ملاحظه می‌شود سطح معناداری تمام متغیرها از ۰/۰۵ بالاتر است و نشان می‌دهد با توزیع نرمال تفاوت ندارد و متغیرها نرمال هستند و در مواردی که نرمال نیست بالا بدون حجم نمونه از ۳۰ نفر طبق قضیه حد مرکزی نرمال فرض می‌شود.

جدول شماره ۲: اسمیریف کولموگروف

میزان مذهبی بودن گروه دوستان	میزان استفاده از اینترنت	میزان استفاده ماهواره	نقش محیط آموزشی	فرهنگ دینی خانواده	هویت مذهبی دانش‌آموزان
۰/۱۳	۰/۱۲۶	۰/۱۴۵	۰/۱۸	۰/۲۵	۰/۴۱۵

برای پیش‌بینی یک متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل از معادله رگرسیونی زیر استفاده می‌شود.

$$Y = a + b_1x + b_2x_2 + \dots + b_kx_k$$

در محاسبه معادله رگرسیونی برای انتخاب متغیرهای مدل رگرسیونی روش‌های مختلفی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- روش هم‌زمان (اجباری) (Enter) ۲- روش پیش‌رونده (Forward)

۳- روش پس‌رونده (Backward) ۴- روش گام به گام (Stepwise)

لازم به ذکر است که در این پژوهش از روش گام به گام (Stepwise) استفاده گردید که مهم‌ترین نتایج آن در زیر به دست آمده است.

در این‌جا به بررسی تحلیل چند متغیری متغیر وابسته (هویت مذهبی) با روش مرحله به مرحله پرداخته می‌شود. بررسی نتایج به دست آمده بیانگر آن است که معادله پیش‌بینی ما دارای ۵ مرحله است بر اساس جدول ذکر شده ضریب همبستگی چند متغیره (R) در مرحله پنجم برابر با ۰/۶۰ می‌باشد. ضریب تعیین (R<sup>۲</sup>) به دست آمده در مرحله پنجم نشان می‌دهد که در نهایت پنج متغیر درون معادله یعنی میزان فرهنگ دینی خانواده، نقش آموزش و پرورش، میزان استفاده از ماهواره، میزان استفاده از اینترنت، میزان مذهبی بودن

گروه دوستان و هم‌سالان می‌توانند  $0/36$  از واریانس متغیر وابسته (هویت مذهبی) را تبیین یا پیش‌بینی کنند. ضریب تعیین ( $R^2$ ) به دست آمده در هر پنج مرحله در سطح اطمینان حداقل  $95\%$  از لحاظ آماری معنادار بوده است.  $\Delta R$  در جدول بیانگر مقدار افزوده شده به  $R^2$  می‌باشد.

جدول شماره ۳: عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش مرحله به مرحله

مرحله	متغیر وارد شده	R	$R^2$	$\Delta R^2$	خطای استاندارد
اول	فرهنگ دینی خانواده	$0/526$	$0/277$	-	$14/81$
دوم	نقش محیط آموزشی	$0/579$	$0/335$	$0/058$	$14/22$
سوم	مذهبی بودن گروه دوستان و هم‌سالان	$0/597$	$0/357$	$0/022$	$14/00$
چهارم	استفاده از اینترنت	$0/604$	$0/364$	$0/007$	$13/94$
پنجم	استفاده از ماهواره	$0/566$	$0/344$	$0/02$	$14/35$

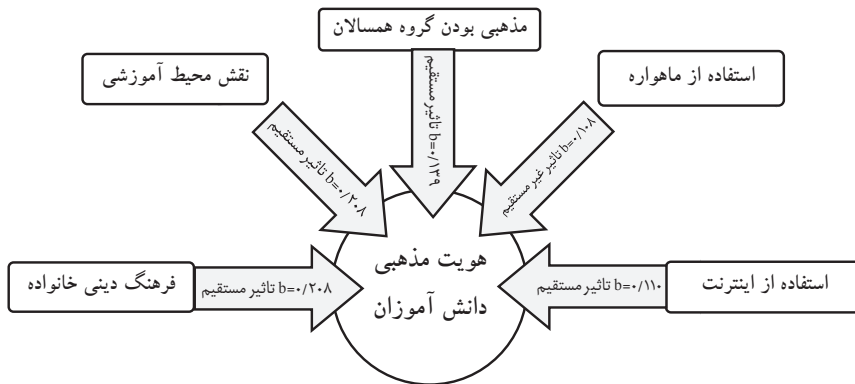
از مرحله اول تا مرحله سوم برای پیش‌بینی متغیر وابسته (هویت مذهبی دانش‌آموزان) و سایر شاخص‌های آماری برای متغیرهای درون معادله مانند ضریب رگرسیون (b) برای نمرات استاندارد نشده و B (Beta) برای نمرات استاندارد شده و نیز آزمون T را می‌توان در جدول (۳) ملاحظه کرد. آزمون T نشان می‌دهد که ضریب B برای هر پنج متغیر در سطح حداقل  $95\%$  از لحاظ آماری معنادار است.

جدول شماره ۴: عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی هویت مذهبی دانش‌آموزان در مرحله

پنجم

نام متغیر	b	Beta	T	Sig. T
۱- فرهنگ دینی خانواده	$1/47$	$0/385$	$7/99$	$0/000$
۲- نقش محیط آموزشی	$0/891$	$0/208$	$3/99$	$0/000$
۳- مذهبی بودن گروه دوستان و هم‌سالان	$0/456$	$0/139$	$3/33$	$0/001$
۴- استفاده از اینترنت	$0/371$	$0/110$	$2/07$	$0/039$
۵- استفاده از ماهواره	$-0/365$	$-0/108$	$2/14$	$0/021$
$R = 0/604$ $R^2 = 0/364$ sig = $0/000$ a = $58/44$				

بر اساس اطلاعات جدول شماره (۴) حدود ۳۶٪ از تغییرات واریانس میزان هویت مذهبی دانش‌آموزان براساس متغیرهای مستقل موجود در مدل تبیین می‌گردد. که طبق ضرایب بتای به دست آمده ملاحظه می‌شود میزان فرهنگ دینی خانواده با بتای  $b = 0/385$ ، نقش آموزش و پرورش  $b = 0/208$ ، مذهبی بودن گروه دوستان و هم‌سالان  $b = 0/136$  استفاده از اینترنت  $b = -0/110$  و استفاده از ماهواره  $b = -0/108$  بیشترین سهم را در میزان هویت مذهبی دانش‌آموزان را دارند در واقع میزان فرهنگ دینی خانواده، نقش آموزش و پرورش، میزان مذهبی بودن گروه دوستان و هم‌سالان، میزان استفاده از اینترنت تأثیر مستقیم و میزان استفاده از ماهواره تأثیر معکوس دارند.



طبق توضیحات بالا ضرایب بتای به دست آمده ملاحظه می‌شود فرهنگ دینی خانواده با بتای  $b = 0/385$ ، نقش آموزش و پرورش  $b = 0/208$ ، مذهبی بودن گروه دوستان و هم‌سالان  $b = 0/136$  استفاده از اینترنت  $b = -0/110$  و استفاده از ماهواره  $b = -0/108$  بیشترین سهم را در میزان هویت مذهبی دانش‌آموزان را دارند. در واقع میزان فرهنگ دینی خانواده، نقش محیط آموزشی، میزان مذهبی بودن گروه دوستان و هم‌سالان، میزان استفاده از اینترنت تأثیر مستقیم و میزان استفاده از ماهواره تأثیر معکوس دارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هویت دینی به معنای احساس تعهد به دین و احساس تعلق به جامعه دینی و در سطحی وسیع‌تر، احساس تعلق به امتی که به آن دین پایبند هستند (ماهرزاده، ۱۳۹۲، ص ۵۷).

به جد می‌توان گفت که اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین عاملی که می‌تواند تمام هویت‌ها را وحدت بخشد، هویت دینی است؛ چرا که انسان فطرتاً این میل و گرایش را در خود دارد و می‌تواند عامل وحدت انسانی باشد. هویت دینی اگر تقویت شود باعث پذیرش و مقبولیت اجتماعی نیز می‌شود چراکه اصلاح رابطه خود با خدا به اصلاح رابطه فرد با دیگران از سوی خداوند می‌انجامد و خداوند بذر محبت وی را در قلوب دیگران می‌پاشد، مضافاً این‌که هویت دینی، زندگی را معنادار کرده و از پوچ‌گرایی و نیهیلیسم و بی‌معناری و بی‌هدفی می‌رهاند، یعنی معناداری زندگی و هدفمندی فرد و جامعه در پرتو اعتقاد به خدا و دین او شکل می‌گیرد، چنان‌که چنین فردی خود را مسئولیت‌پذیر و متعهد دانسته و نسبت به رعایت حقوق حق‌الله، حق‌النفس و حق‌الناس ملتزم می‌سازد و از سویی ارزش‌های اخلاقی و قوانین اجتماعی و حقوقی را ارج نهاده و آنها را در خود به شکل هنجار در می‌آورد (اکبری، ۱۳۸۷، ص ۴۴).

اعتقادات و باورهای دینی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تحکیم و انسجام اجتماعی به‌شمار می‌روند و نقش بارزی در تحولات اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌نمایند. دین و مذهب به‌صورت گوناگون از دیرباز، در طبقات مختلف تاریخ بشری به‌ظهور رسیده و تا به امروز نیز امتداد داشته است و مادام که نوع بشر در این کره خاکی زندگی کند، این غریزه در نهاد او محکم و استوار و منشأ آثار بسیاری خواهد بود (سعیدی مدنی، ۱۳۸۵، ص ۶۹). از آنجایی‌که «دین و مذهب» مهم‌ترین سیستم کنترل درونی انسان‌ها است، تا موقعی که پایه‌های مذهبی در یک جامعه، قوی و اعضای آن جامعه پایبند به اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی خود باشند، عموماً به فساد و انحراف (یعنی کارهای نامشروع) روی نمی‌آورند (رفیع پور، ۱۳۷۶، ص ۳۰۶) به‌باور کوئن (۱۳۵۶) دین به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی نقش مهمی در حفظ انسجام اجتماعی، بالا بردن روحیه اجتماعی افراد و همچنین کمک به افراد در پیدا کردن هویت اخلاقی‌شان دارد. در جوامع در حال گذار، نسل جوان در جستجوی کسب جایگاه هویت برای خود بر می‌خیزد که با ذهنیت و رویکردهای پیشین به چالش بر می‌خیزد. جامعه ایران نیز به‌عنوان یک جامعه در حال گذار، با چنین مسائلی دست‌به‌گریبان است. جوانان و چگونگی دین‌داری و عوامل مؤثر بر دین‌داری آنان از جمله این مسائل می‌باشد. تحقیق حاضر با در نظر گرفتن این پیش‌فرض در پی «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر بروجرد» می‌باشد. نتایج حاصل از تحلیل فرضیه اول که به بررسی ارتباط بین میزان فرهنگ

دینی خانواده با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان می‌پردازد نشان می‌دهد که هر دو، در سطح فاصله‌ای بوده، بنابراین از آزمون پیرسون استفاده شد؛ با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۱) و ضریب همبستگی ( $r = 0/49$ ) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی وجود دارد. یعنی با افزایش فرهنگ دینی خانواده، هویت مذهبی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. این یعنی تأیید فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه میزان فرهنگ دینی خانواده با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان رابطه دارد و این فرضیه بر پایه تئوریک گیدنز (۲۰۰۵)، نظریه چنکینز (۲۰۰۴)، نظریه مارسیا (۲۰۰۱)، نظریه شاملو (۲۰۰۲)، نظریه میشل (۲۰۰۰) و نظریه مطهری (۱۳۷۵) می‌باشد و یافته‌های تحقیق با یافته‌های حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۱)، حکمت‌پور و همکاران (۱۳۹۲)، ریاحی و همکاران (۱۳۹۲)، پاک و همکاران (۱۳۹۰)، کدی (۲۰۱۴)، موتلو (۱۹۹۱)، گاردنر (۲۰۱۰) هم‌خوانی دارد.

نتایج حاصل از تحلیل فرضیه دوم نشان می‌دهد بین میزان نقش آموزش و پرورش با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ( $r = 0/42$ ) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش نقش آموزش و پرورش، شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان هم افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه اصلی تأیید می‌شود. یعنی بین میزان نقش آموزش و پرورش با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. این فرضیه بر پایه تئوریک نظام کنترل (۱۹۹۵)، نظریه بروک (۱۹۹۱)، نظریه گیدنز (۲۰۰۵)، نظریه اسمیت، نظریه ساختار هویت، نظریه هربت مید (۲۰۰۲)، نظریه چنکینز (۲۰۰۴)، نظریه مارسیا (۲۰۰۱)، نظریه شاملو (۲۰۰۲)، نظریه میشل (۲۰۰۰) و نظریه مطهری (۱۳۷۵) می‌باشد. یافته‌های تحقیق با یافته‌های حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۱)، کلانتری و همکاران (۱۳۸۹)، فلاح‌زاده (۱۳۹۱)، گنجی و همکاران (۱۳۹۱)، حکمت‌پور و همکاران (۱۳۹۲)، ریاحی و همکاران (۱۳۹۲)، پاک و همکاران (۱۳۹۰)، کدی (۲۰۱۴)، موتلو (۱۹۹۱)، گاردنر (۲۰۱۰)، پیک (۲۰۰۵) هم‌خوانی دارد.

نتایج حاصل از تحلیل فرضیه سوم نشان می‌دهد بین میزان استفاده ماهواره با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۴) و ضریب همبستگی ( $r = -0/15$ ) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان به صورت منفی همبستگی وجود دارد. یعنی هرچه میزان استفاده ماهواره دانش‌آموزان افزایش می‌یابد، هویت مذهبی آنان کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه اصلی به صورت

معکوس تأیید می‌شود. این فرضیه بر پایه تئوریک نظام کنترل (۱۹۹۵)، نظریه جدا افتادگی اجتماعی (۱۹۹۱)، نظریه گیدنز (۲۰۰۵)، نظریه پارسونز (۱۹۹۹)، نظریه ساختار هویت، نظریه هربت مید (۲۰۰۲)، نظریه چنکینز (۲۰۰۴)، نظریه کلارک و استارک (۲۰۰۱)، نظریه گافمن (۲۰۰۲)، نظریه میشل (۲۰۰۰) و نظریه واخ (۲۰۰۰) می‌باشد. یافته‌های تحقیق با یافته‌های خدایاری فرد (۱۳۹۱)، کلانتری و همکاران (۱۳۸۹)، فلاح‌زاده (۱۳۹۱)، رئیسی (۱۳۸۶)، حکمت‌پور و همکاران (۱۳۹۲)، پورجیلی (۱۳۸۹)، پاک و همکاران (۱۳۹۰)، چادروی و میلر (۲۰۱۴)، موتلو (۱۹۹۱)، گاردنر (۲۰۱۰)، میلیمان (۱۹۹۷) هم‌خوانی دارد.

فرضیه چهارم به بررسی رابطه بین میزان استفاده از اینترنت با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان می‌پردازد. با توجه به سطح معنا داری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ( $r = ۰/۲۹$ ) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش میزان استفاده از اینترنت، هویت دینی هم افزایش می‌یابد و برعکس. بنابراین فرضیه اصلی تأیید می‌شود. این فرضیه بر پایه تئوریک نظام کنترل (۱۹۹۵)، نظریه جدا افتادگی اجتماعی (۱۹۹۱)، نظریه گیدنز (۲۰۰۵)، نظریه پارسونز (۱۹۹۹)، نظریه ساختار هویت، نظریه هربت مید (۲۰۰۲)، نظریه چنکینز (۲۰۰۴)، نظریه کلارک و استارک (۲۰۰۱) و نظریه گافمن (۲۰۰۲) می‌باشد. یافته‌های تحقیق با یافته‌های خدایاری فرد (۱۳۹۱)، سراج‌زاده (۱۳۸۵)، مریم و سروش (۱۳۸۰)، کلانتری و همکاران (۱۳۸۹)، فلاح‌زاده (۱۳۹۱)، رئیسی (۱۳۸۶)، حکمت‌پور و همکاران (۱۳۹۲)، پورجیلی (۱۳۸۹)، پاک و همکاران (۱۳۹۰)، چادروی و میلر (۲۰۱۴)، موتلو (۱۹۹۱)، گاردنر (۲۰۱۰)، میلیمان (۱۹۹۷) هم‌خوانی دارد.

فرضیه پنجم به بررسی ارتباط بین مذهبی بودن گروه دوستان و هم‌سالان با شکل‌گیری هویت مذهبی دانش‌آموزان می‌پردازد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ( $r = ۰/۵۵$ ) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش میزان مذهبی بودن گروه دوستان و هم‌سالان هویت مذهبی هم افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه اصلی تأیید شد. این فرضیه بر پایه تئوریک نظام کنترل (۱۹۹۵)، نظریه گیدنز (۲۰۰۵)، نظریه پارسونز (۱۹۹۹)، نظریه ساختار هویت، نظریه هربت مید (۲۰۰۲)، نظریه کلارک و استارک (۲۰۰۱)، نظریه گافمن (۲۰۰۲) و نظریه دورکیم (۲۰۰۲) می‌باشد. یافته‌های تحقیق با یافته‌های خدایاری فرد (۱۳۹۱)، کلانتری و همکاران (۱۳۸۹)، فلاح‌زاده (۱۳۹۱)، رئیسی (۱۳۸۶)، حکمت‌پور و همکاران (۱۳۹۲)،

پورجلی (۱۳۸۹)، پاک و همکاران (۱۳۹۰)، چادروی و میلر (۲۰۱۴)، موتلو (۱۹۹۱)، گاردنر (۲۰۱۰)، میلیمان (۱۹۹۷) هم‌خوانی دارد.

هر تحقیق علاوه بر انجام رسالت خود ضرورتاً نیازمند ارائه از طریق پیشنهادات در مورد موضوع مورد مطالعه و موارد مشابه است، تا راهنما و چراغ راه دیگر افراد علاقه‌مند که احتمالاً در آینده در آن قدم گذاشته یا از نتایج به‌دست آمده استفاده می‌نمایند باشد. بر این اساس پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد.

### پیشنهاداتی کاربردی

۱. با توجه به یافته‌های این پژوهش، دوستان و باورهای اعتقادی آنها نقش مهمی در هویت دینی افراد دارند، در این راستا، پیشنهاد می‌گردد که خانواده‌ها نظارت بیشتری بر شبکه روابط دوستانه داشته باشند و نهادهای آموزشی، فرهنگی، فراغتی و تفریحی از ظرفیت اثرگذاری دوستان بر رفتار افراد برای ترویج و نهادینه‌سازی ارزش‌های مرتبط با امور انسانی به‌ویژه امور دینی در بین نسل جوان بهره‌گیری نمایند. ارائه الگوی عملی «دوست خوب» می‌تواند جوانان را در یافتن مسیر مناسب هویت‌یابی یاری رساند.

۲. نظر به اینکه خانواده، به‌عنوان پایه‌ای‌ترین نهاد اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت و هویت اجتماعی و دینی افراد دارد، و در این میان، مادران با توجه به یافته‌های این پژوهش نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فرزندان دارند.

۳. توانمندسازی خانواده‌ها به‌منظور تقویت مبانی دینی اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان جوان و نوجوان مورد توجه نهادهای آموزشی و مذهبی قرار گیرد.

۴. در مدارس و به‌طور کلی نهادهای آموزشی واحدهای درسی درباره مسائل دینی و ملی، البته نه نظری بلکه عملی طراحی شود و جوانان به شرکت فعال در برنامه‌های کلاسی تشویق شوند.

۵. با توجه به مؤلفه‌های تقویت و تحکیم هویت دینی به‌صورت عملی و کاربردی و با استفاده از الگوهای عینی در کتاب‌های درسی (راهنمایی و متوسطه) به‌صورت داستان و با اشکال رنگی و جذاب تدوین گردد.

۶. دستگاه‌های فرهنگی کشور به‌ویژه وزارت آموزش و پرورش و ارشاد در شورای جوانان، صدا و سیما به‌صورت هماهنگ و منجسم و بدون انجام کارهای موازی در جهت تقویت و تحکیم هویت دینی برنامه‌ریزی کنند.



۷. با کمک متخصصان تعلیم و تربیت و علمای حوزه علمیه، روش‌های درست در آموزش دینی در دوران کودکی و نوجوانی تدوین گردد؛ تا در پاسخ به بنیادی‌ترین سؤال‌های دینی، معنا بخشیدن دین در زندگی و همچنین مؤلفه‌های تقویت و تحکیم هویت دینی کمک کند. چون برخی از رفتارها و برخوردهای ناصحیح و مخالف شرع در بیان احکام شرعی موجبات بدبینی عده‌ای از افراد به خصوص جوانان را فراهم آورده است.
۸. شناخت و آگاهی از مباحث هویتی و برگزاری آموزش‌های مستمر و همچنین برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی می‌تواند در تمام افراد و اقشار خصوصاً قشر دانش‌آموز که هم نیروی جوانی را دارد و هم دارای کنجکاوی بالقوه می‌باشد باعث رشد و تقویت فوق‌العاده هویتی و بالأخص هویت دینی شود و باعث جلوگیری از بروز نابسامانی‌های آینده شود.
۹. غنی‌سازی بخش اعتقادی و هویتی نوجوانان از طریق رسانه‌ها و مدارس که بیشترین تأثیر را بر این قشر دارند. این غنی‌سازی را می‌توان با آموزش مستقیم مدارس و غیرمستقیم رسانه‌ها صورت داد.

## منابع

- آخوندی، محمدباقر (۱۳۷۶) *بررسی هویت ملی و مذهبی جوانان مشهدی و تأثیر روابط اجتماعی بر آن* (پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی) دانشگاه فردوسی مشهد.
- آرون، ریمون (۱۳۹۲) *مراحل اساسی سیراندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پیراهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- اشرفی، ا. (۱۳۷۷) *بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب، بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی در تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس
- آقازاده، حسین (۱۳۹۷) *بررسی هویت جمعی در دو زمینه هویت جمعی ملی محلی و هویت جمعی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی* (پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی) تهران.
- اکبری، بهمن. (۱۳۸۷). بحران هویت و هویت دینی، *پیک نور*، سال ششم، شماره چهارم، ص ۲۲۳-۲۴۲.
- ایمان پور، محمدتقی و مریم سروش (۱۳۹۸). بررسی و ارزیابی مؤثر بر هویت دینی جوانان در شیراز، *مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، ش ۳۱.
- ایمان، محمدتقی. و سروش، مریم (۱۳۸۱) بررسی و ارزیابی عوامل مؤثر بر هویت دینی جوانان در شیراز "مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی (اصفهان) پاییز و زمستان.

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۹۲) *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.
- باقری، محمد حسین (۱۳۸۲) معمای هویت، *روزنامه همشهری*؛ ش ۳۳۳.
- پاشا، ابراهیم، و فلاح زاده، محمدهادی (۱۳۹۱) بررسی هویت دینی و ملی نوجوانان و جوانان شهر تهران با تاکید بر گروه مرجع، *مطالعات ملی* زمستان ۱۳۹۱
- تاج بخش، غلامرضا و موسوی، سید عباس (۱۳۹۳) بررسی عوامل مؤثر بر هویت دینی، *توسعه اجتماعی*. دوره ۸، شماره ۳، صص ۱۴۴-۱۱۹.
- تاجیک اسماعیلی، عزیزاله، تاجیک اسماعیلی، سمیه. (۱۳۹۴). نگرش به جهانی شدن و هویت دینی دانشجویان، *مطالعات رسانه ای*، سال دهم، شماره بیست و هشتم، صص ۳۸-۴۶.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۳) *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: نشر مردنیز.
- جنکیتز، ر (۱۳۹۱) *هویت اجتماعی* ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- جیمز، ویلیام (۱۳۹۲) *دین و روان*، ترجمه مهدی قائنی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی؛
- حاجی خیاط، علیرضا (۱۳۸۸) تبیین ابعاد هویت. *ویژه نامه دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد*. ج چهارم. ش اول.
- حاجیانی، الف (۱۳۷۹) تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه «*فصلنامه مطالعات ملی* سال دوم، شماره ۵، صص ۱۹۳.
- حسین زاده، داوود، عزیززی، غلامرضا، شوقی، بهزاد. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر در تحکیم هویت دینی دانش‌آموزان مقطع متوسطه (مطالعه موردی آموزش و پرورش اسلامشهر)، *فصلنامه علمی-پژوهشی اعتقادی-کلامی*، سال دوم، شماره ششم، صص ۵۴-۷۵.
- حکمت پور، مریم، صالحی امیری، رضا. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر نقش خانواده در حفظ هویت ملی و دینی جوانان (مطالعه موردی منطقه ۱ و ۵ شهر تهران)، *مجله مدیریت فرهنگی*، سال ششم، شماره هیجدهم، صص ۵۰-۶۱.
- دهشیری، م (۱۳۸۰) جهانی شدن و هویت ملی «*فصلنامه مطالعات ملی* سال دوم (شماره ۴) صص ۲۷.
- دورکیم، الف (۱۳۶۹) *درباره تقسیم کار اجتماعی* ترجمه باقر پرهام، تهران: کتا بسرای بابل.
- ربانی، رسول و صفائی نژاد، فتحیان (۱۳۸۴) فاصله نسلی با تأکید بر وضعیت دین داری و ارزش‌های اجتماعی مطالعه موردی: شهر دهدشت در سال ۱۳۸۲ و *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، جلد نوزدهم، شماره ۵.
- ریاحی، محمد اسماعیل، علیزاده، توحید، اشتیاقی، معصومه، کاظمیان، مهرداد. (۱۳۹۳). تلویزیون و هویت دینی، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و پنجم، شماره پیاپی (۵۴) شماره دوم، صص ۳۳-۴۸.

- ریتزر، جورج (۱۳۷۹) *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سراج زاده، حسین و مهناز توکلی (۱۳۸۰). *بررسی تعریف عملیاتی دینی در پژوهش‌های اجتماعی نامه پژوهش*، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱.
- سعیدی مدنی، سیدمحسن (۱۳۸۵) *درآمدی بر مردم‌شناسی اعتقادات دینی*. یزد: مرکز انتشارات دانشگاه یزد.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱) *جوان و بحران هویت*، تهران، سروش، چاپ دوم.
- عبداللهی، محمد؛ مروت، برزو (۱۳۸۴) هویت جمعی غالب در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهرسندج *فصلنامه علوم اجتماعی* س ۱۳، ش ۳۲، ص ۱.
- عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۸۳). رضایت از زندگی و دین داری در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه: شهرهای فردوس، درگز و نواحی آموزشی ۷ مشهد. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال اول، شماره ۳.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۸) *هویت و بحران هویت*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- کلانتری، عبدالحسین، جلیل عزیزی و سعید زاهد زاهدانی (۱۳۸۸) هویت دینی و جوانان؛ نمونه آماری، جوانان شهر شیراز. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، شماره ۶.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱) جهانی شدن، فرهنگ و هویت، تهران: نشر نی.
- گنجی، محمد؛ نعمت‌الهی، زهرا و طاهری، زهرا (۱۳۸۹) رابطه هویت دینی و سرمایه اجتماعی در بین مردم شهرکاشان "جامعه‌شناسی کاربردی" *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان زمستان*، ش ۴.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۴) *جامعه‌شناسی هویت در ایران*. تهران: تمدن ایرانی.
- ماهروزاده، طیبه (۱۳۹۲). جهانی شدن و هویت یابی دینی جوانان، *دو فصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی*، سال هشتم، شماره شانزده، ص ۱۳۹-۱۶۹.
- محمدی روزبهانی، کیانوش (۱۳۷۸) *بررسی ارتباط هویت یابی با نظام ارزشی و رشد اخلاقی در دانشجویان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مرادزاده، فرهاد (۱۳۷۳) «جامعه‌پذیری» *نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی*، شماره ۱۷، دوره ۵.
- معنوی پور، داود (۱۳۸۹) *فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: دوران.
- معین، محمد (۱۳۷۸) *فرهنگ معین*، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۵) *رابطه علم و دین: تأملی بر نظریه سمبلیک دیدن خلقت انسان* تهران: جوان پویا.
- نادری، احمد، چیت ساز، محمدجواد، شیر علی، ابراهیم. (۱۳۹۴). فراترکیب پژوهش‌های انجام شده در حوزه هویت دینی، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۶۵، سال شانزدهم، شماره شماره ۳، ص ۲۸-۴۶.
- نیکخواه، هدایت الله (۱۳۸۰) *سنجش دین‌داری جوانان و عوامل مؤثر بر آن (دانش‌آموزان سال سوم و پیش‌دانشگاهی شیراز)* پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی (دانشگاه شهید بهشتی).
- Burke, P. (1991) "Identity Processes and Social Stress", in *American Sociological Review*, Vol. 59 (9): 836-849.
- Chaudhury, Sadia R. & Miller, Lisa. (2007) "Religious Identity Formation among Bangladeshi American Muslim Adolescents", *Journal of Adolescent Research*, Vol.5, No.5, PP: 1 – 28.
- Heise David, R. (1998) "Conditions for Empathic Solidarity", in Patrick Doreian and Thomas Fararo, *The Problem of Solidarity, Theories and Models*, Amsterdam: Gordon and Breach publishers.
- Keddie, Amanda (2014). "Students' understandings of religious identities and relations: Issues of social cohesion and citizenship" *Education, Citizenship and Social Justice*, March 2014; vol. 9, 1: pp., first published on February 6, 2014.
- Markus, H.R. and Kitayama, S. (1991). *Culture and Self: Implication for Cognition*,
- Peek, Lori. (2005) "Becoming Muslim: The Development of a Religious Identity", *Sociology of Religion*, Vol. 66, No. 3, PP: 215 – 242.

# اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (ص ۹۳-۱۱۶)

## کارکردهای روان‌شناختی اخلاص بر اساس منابع اسلامی

### Explaining the psychological functions of sincerity based on Islamic sources

محمد حسین رحیمی / کارشناس ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه اخلاق و تربیت، قم، ایران.  
محمدصادق شجاعی / دکتری روان‌شناسی، استادیار روان‌شناسی جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.  
مه‌دی عباسی / عضو هیئت علمی پژوهشکده اخلاق و روان‌شناسی اسلامی - گروه روان‌شناسی اسلامی، پژوهشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

**Mohammad Hossein Rahimi** / Master of Islamic Psychology, Institute of Ethics and Education, Qom, Iran.  
Hosein.12777@gmail.com

**Mohammad Sadegh Shojaei** / PhD in Psychology, Assistant Professor of Psychology, Mustafa International University, Qom, Iran.

**Mehdi Abbasi** / Faculty Member of the Institute of Islamic Ethics and Psychology - Department of Islamic Psychology, Quran and Hadith Research Institute, Qom, Iran.

#### Abstract

The present study aims to explain the psychological functions of sincerity based on Islamic sources (Quran and Hadith). The method used in this study was a qualitative analysis of the content of religious texts. To achieve this goal, propositions related to sincerity were first extracted from Islamic sources and the family of texts was formed. Then the collected texts were analyzed and classified. After classifying the functional texts and extracting the main functions of sincerity, the content of each according to the functional aspects of sincerity was examined and finally, using religious and psychological texts, the psychological functions of sincerity were explained. The results of the analysis of the psychological functions of sincerity showed that intrinsic motivation, positive motivation,

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین کارکردهای روان‌شناختی اخلاص بر اساس منابع اسلامی (قرآن و حدیث) صورت گرفته است. روش به‌کاررفته در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی متون دینی بود. ابتدا گزاره‌های مرتبط با اخلاص از منابع اسلامی استخراج و خانواده متون تشکیل گردید. سپس متون جمع‌آوری شده مورد تحلیل و طبقه‌بندی قرار گرفت. پس از طبقه‌بندی متون کارکردی و استخراج کارکردهای اصلی اخلاص، محتوای هر کدام با توجه به جنبه‌های کارکردی اخلاص مورد بررسی و در نهایت با استفاده از متون دینی و روان‌شناختی، کارکردهای روان‌شناختی اخلاص تبیین گردید. نتایج مربوط به تحلیل و بررسی کارکردهای روان‌شناختی اخلاص نشان داد که انگیزش درونی، انگیزش مثبت، انگیزش

spiritual motivation, friendship, social popularity, psychological security, hope, self-esteem, hardiness, avoidance of procrastination, satisfaction, self-control, and certainty are the most important Psychological functions are sincerity. These functions were then classified into three areas: motivational, social and daily health. The final results of the research showed that by using Islamic sources, the psychological functions of sincerity can be identified and explained.

**Keywords:** sincerity, psychological function, Islamic sources, GOD, faith.

معنوی، دوستی، محبوبیت اجتماعی، امنیت روانی، امیدواری، حرمت خود، سخت‌رویی، دوری از اهمال‌کاری، رضامندی، خودمهارگری، و یقین‌زایی از مهم‌ترین کارکردهای روان‌شناختی اخلاص هستند. سپس این کارکردها در سه حوزه انگیزشی، اجتماعی و بهداشت روانی طبقه‌بندی گردید. نتایج نهایی پژوهش، نشان داد که با استفاده از منابع اسلامی، می‌توان کارکردهای روان‌شناختی اخلاص را شناسایی و تبیین کرد. **کلیدواژه‌ها:** اخلاص، کارکرد روان‌شناختی، منابع اسلامی، خدا، ایمان.

## مقدمه

اخلاص یکی از آموزه‌های دینی است که همواره مورد توجه انبیا و اولیای الهی و مورد تأکید عالمان اخلاق بوده و در دانش‌های اسلامی مانند فقه، اخلاق و عرفان بررسی شده است. یکی از عوامل مؤثر در تحقق سعادت و کمال انسانی و آرامش و آسایش ابدی و جاودانه، در پیش گرفتن یکرنگی و پاک ساختن دل و جان از آلودگی‌های این جهان ناپایدار و گذرا، و رها شدن از تعلقات و متصف شدن به اخلاص است. چنان‌که به بندگان امر شده است که حق تعالی را خالصانه عبادت کنند (بینه، ۵).

هر چیزی ممکن است با غیر خود بیامیزد، و چون از غیر خود صافی و از آن رها شود خالص گفته می‌شود و فعل صافی و از هر شائبه خالی را اخلاص می‌نامند (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۱۵۸). گاهی اخلاص نسبت به دین و گاهی نسبت به عمل و عبادت سنجیده می‌شود؛ اخلاص دین آن است که دین خدا از تثلیث، شرک، تشبیه و هر امر غیر خدایی پاک باشد که همان توحید است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۹۲). درعین حال، وقتی در ارتباط با عمل و مسئله عبادت به کار می‌رود منظور پاک کردن نیت از شرک و ریا است (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۶۲۸). خالص کردن و پاکیزه نمودن عمل از غیر خدا مراتبی دارد. هرچه درجه اخلاص بیشتر باشد، عمل ارزش بیشتری نزد خدا پیدا می‌کند، به هدف و مقصد نزدیک‌تر شده و شخص را زودتر به کمال مطلوب خود می‌رساند. چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

درجات مؤمنان به وسیله اخلاص برتری می‌یابد (ورام، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۱۹). بالاترین مرتبه اخلاص آن است که انسان اعمالش را از هر نوع شائبه‌ای اعم از منافع دنیوی و اخروی پاک گرداند و فقط رضایت خداوند را در نظر داشته باشد. این مرتبه برای کسانی است که غرق در محبت، عظمت و جمال الهی هستند و خدا را سزاوار پرستش یافته، عبادتش می‌کنند (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۶۲۹).

اخلاص به عنوان یک ویژگی مثبت در همه شئون زندگی کاربرد دارد (شبر، ۱۳۸۲، ص ۴۴). یک بخش از کارکردهای اخلاص را جنبه‌های روان‌شناختی آن تشکیل می‌دهد. بر طبق روایات، اخلاص باعث بهبود سلامت روانی افراد می‌شود. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: علامت فرد با اخلاص چهار چیز است؛ دلش پاک، اعضا و جوارحش سالم، خیرش مبذول و شرفش مأمون است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۲۱). این روایت نشان می‌دهد که یکی از کارکردهای اصلی اخلاص بهره‌مندی از سلامت روانی است. رودسری (به نقل از احمدی نوجانی، ۱۳۸۶) بیان می‌دارد که اخلاص به صاحب خود آرامش روانی و اطمینان خاطر می‌بخشد، سینه او را گشاده و قلبش را راحت می‌سازد؛ چرا که قلب او بر یک هدف واحد گرد آمده است و آن هم رضایت خداوند عزوجل است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۱۱۲) که خود را تسلیم محض خدا کند از هیچ چیزی نمی‌هراسد و هرگز دچار ترس و اندوه نمی‌شود. اخلاص در انگیزش رفتار نیز کارکرد دارد بر طبق روایات اخلاص موجب استقامت‌ورزی و دوری از اهمال‌کاری می‌شود برای مثال امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: انسان مخلص اگر هوی و هوس نیز از بین برود، از زیر بار عمل شانه خالی نمی‌کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۵). اخلاص در روابط اجتماعی نیز مهم است. بر طبق روایات، اخلاص یکی از شاخص‌های اصلی روابط مثبت در تعامل اجتماعی است. به همین جهت در روایات به خالص‌سازی دوستی در روابط میان‌فردی توصیه شده است. برای مثال، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: با دشمنت مدارا کن و برای دوستت خالص شو (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۱۸). این نشان می‌دهد که اخلاص در روابط میان‌فردی نیز بسیار مهم است. با توجه به کارکردهای زیادی که اخلاص دارد، خداوند در قرآن بندگان شایسته و صالح خود را به صفت اخلاص ستوده است (مریم: ۵).

با وجود کارکردهای روان‌شناختی مختلفی که برای اخلاص وجود دارد، در پژوهش‌ها کمتر به آن پرداخته شده است. شاید برخی این تصور را داشته باشند که اخلاص صرفاً یک

سازه اخلاقی است. شواهد نشان می‌دهد که در بیشتر منابع از جمله تفسیر المیزان، تفسیر تسنیم، تفسیر نمونه، معراج السعاده، جامع السعادات و محجة البیضا و... تأکید و تمرکز اصلی بر کارکردهای اخلاقی اخلاص بوده و جنبه‌های روان‌شناختی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مجموع با توجه به اهمیت سازه اخلاص، شناسایی و تبیین کارکردهای این مفهوم از نقطه نظر روان‌شناختی مهم به نظر رسیده، که هدف این مقاله نیز، تبیین کارکردهای روان‌شناختی اخلاص می‌باشد.

### روش پژوهش

به منظور شناسایی و تبیین کارکردهای روان‌شناختی اخلاص، در این پژوهش از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی (قرآن و حدیث) استفاده شده است. روش تحلیل محتوای متون دینی روشی است که برای استخراج و استنباط آموزه‌های دینی از آیات و روایات استفاده می‌شود (شجاعی، ۱۳۹۳). تحلیل کیفی محتوای متون دینی از سه مرحله اصلی تشکیل شده است: ۱. جمع‌آوری متون مربوطه ۲. تحلیل و طبقه‌بندی متون مربوطه ۳. تبیین متون بر اساس کارکردها و جنبه‌های روان‌شناختی آنها.

قدم نخست در مرحله اول جمع‌آوری متون مربوطه و تشکیل خانواده متون است. نوع تشکیل خانواده متون به تناسب موضوع و هدف تحقیق، متفاوت خواهد بود. در این مرحله باید خانواده متون با گرایش کارکردهای روان‌شناختی اخلاص تشکیل گردد و منظور از کارکردهای روان‌شناختی طبق نظر آرتور اس (۲۰۱۱، ۳۶۵) اهداف و پیامدها و آثار روان‌شناختی یک وجه وصفی می‌باشد. متونی در این خانواده قرار می‌گیرند که در آثار روان‌شناختی اخلاص مفیدند نه همه متون مربوط به موضوع اخلاص. پس از جمع‌آوری متون مربوطه، نوبت به تحلیل و طبقه‌بندی متون می‌رسد. در این مرحله، چند کار انجام می‌دهیم: نخست باید هر متن به درستی مطالعه شود و نکته کارکردی آن به دست آید. سپس یک یا چند کارکرد اصلی مشخص شوند که نقش اساسی در آثار روان‌شناختی موضوع دارند و بقیه موارد، در دل آنها قرار گیرند و با آنها تفسیر شوند. در مرحله سوم پس از طبقه‌بندی متون کارکردی و استخراج کارکردهای اصلی اخلاص، اطلاعاتی که در تبیین کارکرد روان‌شناختی اخلاص نقش دارند، شناسایی و استخراج شوند و در نهایت با استفاده از متون دینی و روان‌شناختی، کارکرد روان‌شناختی اخلاص تبیین گردد.



## یافته‌های پژوهش

از بررسی منابع اسلامی در باب کارکردهای روان‌شناختی اخلاص در مجموع سیزده کارکرد روان‌شناختی برای اخلاص به دست آمد که در سه حوزه اصلی کارکرد انگیزشی اخلاص، کارکرد اجتماعی اخلاص و کارکرد بهداشت روانی اخلاص، طبقه‌بندی گردید. در حقیقت این سیزده کارکرد به دست آمده، در دل این سه حوزه کارکردی قرار گرفته و با آنها تفسیر می‌شوند. که در این بخش به تبیین و بررسی این کارکردها پرداخته می‌شود:

### اخلاص و انگیزش رفتار

اخلاص صفت نیت است و نیت با انگیزه رفتار ارتباط دارد. از همین رو در تعریف نیت بیان کرده‌اند که نیت عبارت است از قصد و اراده‌ای که انسان را به کاری تحریک می‌کند (مشکینی، ۱۳۷۴، ص ۵۳). در روایات نیز به کارکرد انگیزشی نیت اشاره شده است. هم‌چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: اعمال ثمره و نتیجه نیت افراد است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۶۲). تعبیرهای مربوط به انگیزه و نیت این موضوع را تداعی می‌کند که این دو اصطلاح مترادف هستند (دیلمی، آذربایجانی، ۱۳۸۰، ص ۴۳).

اخلاص در نیت، اساساً یک موضوع انگیزشی است. آیا افراد برای رضای خدا و با نیت تقرب به او رفتارهای خود را به وجود می‌آورند، یا اینکه رفتار آنان واکنشی به خواست‌ها و مقاصد شخصی و محبوب شدن نزد دیگران است؟ (شجاعی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۹). روایات زیادی در مورد اهمیت اخلاص و نقش انگیزشی آن در متون اسلامی وارد شده است که به عنوان مثال، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «ای مردم، هدف و انگیزه‌ای که مردمان را به کاری وا می‌دارد، یکی از این دو است: یا خداست، که در این صورت، آن کار، مصداق حق، هدایت، رشد، عاقبت نیک و حسنه است، یا شیطان است که در این صورت، آن کار، باطل، گمراهی، نادانی، امور دنیایی و گناه محسوب می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۲۱۰).

### ۱. اخلاص به عنوان انگیزش درونی

انگیزش درونی به نوعی از انگیزش اشاره دارد که فرد را به انجام فعالیتی در غیاب پاداش و یا کنترل هدایت می‌کند، تنها برای لذت و رضایتی که همراه آن فعالیت است انجام می‌گیرد و شخص از فرایند کار لذت می‌برد (deci & ryan، ۱۹۸۵). اخلاص هم از این جهت که انسان فعالیتش را از هرگونه پاداشی پاک می‌گرداند، و فقط به انگیزه رضای پروردگار انجام می‌دهد

با انگیزش درونی مرتبط است. هم‌چنان‌که در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اخلاص این است که انسان عملش را از هر پاداشی سوای رضای پروردگار خالص سازد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶). در مورد اینکه اخلاص با انگیزه رفتن به بهشت و یا ترس از جهنم با انگیزش درونی سازگار است یا نه، در میان علما اختلاف است که بعضی از علما اعتقاد دارند که انگیزه رفتن به بهشت و ترس از جهنم با اخلاص منافات دارد و برخی نیز معتقدند که این دو انگیزه نیز اخلاص محسوب می‌شود لکن از مراتب پایین اخلاص است (بطحایی گلپایگانی، ۱۳۹۲). اما بنا بر قول کسانی که معتقدند انگیزه پاداش بهشت و دوری از جهنم نیز اخلاص است این سوال پیش می‌آید که چگونه با انگیزش درونی بودن اخلاص یعنی تحصیل رضای پروردگار، سازگار است؟ مصباح یزدی (۱۳۷۲، ص ۹۶) در پاسخ به این پرسش بیان می‌دارد که: رضایت خداوند مراتبی دارد و انسان‌ها به طرق گوناگون در پی تحصیل آن هستند، و انجام عمل به امید رسیدن به بهشت و دوری از جهنم نیز به رضایت پروردگار بازگشت دارد.

## ۲. اخلاص به عنوان انگیزش مثبت

به‌طورکلی از نظر اسلام انگیزه‌هایی که باید در وجود افراد ایجاد و تقویت و ارضا شوند، مثبت تلقی می‌شوند (کاویانی ارانی، ۱۳۹۲)؛ یکی از آن انگیزه‌ها اخلاص است که در متون دینی به ایجاد این نوع انگیزه در اعمال و رفتار، و تشویق بندگان به انجام کارها برای کسب رضای الهی و رسیدن به لقاءالله، تأکید فراوانی شده و با فضیلت‌ترین عمل، عمل همراه با اخلاص محسوب می‌شود (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۸). در حقیقت شخص مخلص هدفی جز رضای الهی و لقای پروردگار را ندارد و برای اینکه به این هدف برسد، تمام کارهایش را با اخلاص انجام می‌دهد این اخلاص و انگیزه مثبت، موجب افزایش شوق و ازدیاد ایمان و انرژی روانی او برای رسیدن به هدفش می‌گردد (کاویانی ارانی، ۱۳۹۲). چنان‌که قرآن کریم راه رسیدن به لقای الهی و کسب رضایت خداوند را انجام اعمالی می‌داند که مورد رضایت خداوند باشد به شرط اخلاص و دوری از شرک (کهف: ۱۱۰).

## ۳. اخلاص به عنوان انگیزش معنوی

اخلاص همان‌طور که سابقاً گذشت، این است که رفتار انسان فقط به انگیزه و نیت خدایی انجام گرفته و در نیت او اهداف و مقاصد دیگری لحاظ نشود. از این‌رو که اخلاص جهت‌گیری

معنوی انگیزه‌ها را نشان می‌دهد، انگیزش معنوی محسوب می‌شود. علت اینکه انگیزه یا رفتار انسان به «معنوی» توصیف می‌شود، رابطه آن با خداست. از نظر اسلام یاد خدا و توجه به او اصالت دارد و هر چیز دیگری در ارتباط با او ارزش پیدا می‌کند. از این جهت، انگیزه معنوی در سایه توجه به خدا حاصل می‌شود و اگر این ویژگی در همه اعمال و رفتار انسان نفوذ پیدا کند، آن اعمال ارزش معنوی می‌یابند (شجاعی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۵).

از آنجا که اخلاص بالاترین ارزش را بر آنچه که مورد رضایت خداست قرار می‌دهد، می‌تواند به صورت یک فراسیستم عمل نموده و انگیزه‌های سطوح پایین‌تر را تحت پوشش خود قرار دهد. اشخاص با اخلاص به دیگران و اهداف و انگیزه‌های دیگر به عنوان انگیزه‌های فرعی بها می‌دهند. بنابراین یک رفتار ممکن است چند انگیزه طولی داشته باشد؛ در این صورت آنچه به این کار بها می‌دهد و ارزش آن را تعیین می‌کند، همان انگیزه اصلی است. بخش قابل توجهی از آموزه‌های دینی هم مربوط به این است، تا جهت‌گیری رفتارهای عادی افراد از قبیل خوردن، آشامیدن، خواب، تفریح، صحبت کردن و ارتباط و تعامل با دیگران را به سمت خدا توجیه نماید (همان). هم‌چنان که حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: عمل و علم و حب و بغض و گرفتن و ترک کردن و صحبت کردن و سکوت کردن را برای خداوند متعال انجام دهید (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۱). در این صورت همه رفتارها و عملکردهای فرد رنگ و بوی خدا گرفته و تحت تأثیر انگیزه معنوی اخلاص قرار می‌گیرند.

در حقیقت تأکید خداوند بر اخلاص، بدین جهت است که انسان بنده خداست و برای بندگی و عبادت خداوند آفریده شده است. از این رو، باید در هر رفتاری که انجام می‌دهد، رضایت الهی را در نظر داشته باشد. تنها در این صورت، می‌توان گفت انگیزه او انگیزه معنوی است (شجاعی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۹).

## اخلاص و کارکرد اجتماعی آن

### دوستی

برقراری ارتباط دوستی با دیگران، یکی از رفتارهای اجتماعی است که اغلب انسان‌ها در دوران زندگی اجتماعی خویش آن را یاد می‌گیرند و تجربه می‌کنند. انسان در ارتباط با خود کاملاً صادق و روراست است؛ انتظاری هم که از رابطه‌های دوستانه با دیگران دارد، همین صداقت و خلوص می‌باشد و از این نظر، دوست را «صدیق» می‌نامند (شکری‌نیا، حسینی‌زاده، ۱۳۹۴).

بر اساس آموزه‌های دینی، در حقیقت، محور اصلی دوستی دو یا چند نفر در جامعه اسلامی، اخلاص است. اگر محور دوستی خدا بود، دوستان با هم متحد می‌شوند و علاوه بر حمایت از یکدیگر در تأمین نیازهای مادی، حرکت یکدیگر در مسیر کمال را موجب می‌شوند، ولی اگر محور دوستی، تنها منافع مادی شد، خودخواهی بروز می‌کند و ریشه اختلاف و سقوط انسانیت در همین خودخواهی است (همان). از دیدگاه قرآن کریم، چنین رفاقت‌هایی در آخرت به دشمنی تبدیل می‌شود (زخرف: ۶۷). امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: آگاه باشید! هر دوستی و رفاقتی که در دنیا بر پایه غیر خدا بنا شود، در قیامت، تبدیل به دشمنی می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۲۳۷). قیامت تجلی حقیقت امور است و حقیقت رفاقت بر اساس منافع دنیوی، چیزی جز دشمنی و خصومت نیست. آنچه در این نوع رفاقت‌ها مطرح است سودبری است؛ تا وقتی که از رفیق سود برده شود، رفاقت پابرجاست. اما بسیار، اتفاق می‌افتد که در دوستی‌های دنیوی، منافع طرفین در تراحم قرار می‌گیرد؛ زیرا اصولاً دنیا چون محدود است، دار تراحم است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: دوستی برادرانی که به خاطر دنیا دوست شده‌اند با کمترین تعارضی از بین می‌رود؛ ولی دوستی کسانی که به خاطر خدا دوست هستند ادامه پیدا می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۰۸)؛ چرا که رفاقتی که بر محور اخلاص به وجود آید پس آن رفاقت از بین رفتنی نیست. چون عامل آن دوستی، یعنی خدا، دائمی است.

بر طبق روایات، اخلاص یکی از شاخص‌های اصلی روابط مثبت در تعامل اجتماعی است. به همین جهت در روایات به خالص‌سازی دوستی در روابط میان فردی توصیه شده است. برای مثال، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: با دشمنت مدارا کن و برای دوستت خالص شو (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۱۸). مجموعه این روایات بیانگر آن است که اساس رفاقت‌ها باید «لله و فی الله» باشد. اگر دوستی‌ها بر این اساس شکل بگیرد، ضمن آن که تداوم آنها تضمین می‌گردد، در نیل انسان به سوی سعادت ابدی که همان جلب رضایت خداوند و قرب الی الله است، نیز تأثیر قابل توجهی خواهد داشت.

### کارکرد رابطه دوستی مخلصانه

#### اخلاص عامل بروز رفتار حمایتی

یکی از کارکردهای دوستی‌های مخلصانه رفتار حمایتی است. بارون و همکاران (۲۰۰۶) رفتار حمایتی را به رفتاری که به قصد کمک کردن به دیگران، صرفاً به خاطر نوع دوستی و نه

به منظور رسیدن به منفعت خاصی انجام می‌شود، تعریف کرده‌اند (به نقل از آذربایجانی، شجاعی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۷).

بر طبق روایات، خیررسانی و کمک به دیگران یکی از شاخص‌های اصلی انسان مخلص در تعامل اجتماعی است. به همین جهت در روایتی از پیامبر ﷺ، یکی از ویژگی‌ها و علامات شخص مخلص خیررسانی او به دیگران معرفی شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۱). این تکلیفی است که تشکیل رابطه دوستانه بر گردن انسان خواهد گذاشت؛ چنان که در روایتی امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: هرگاه بذر دوستی روئید، کمک رساندن به یکدیگر و پشتیبانی از یکدیگر واجب می‌گردد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۹۰).

### اخلاص عامل تقویت و تداوم دوستی

تأمل در روایات، این نکته را روشن می‌سازد که، انگیزه انتخاب دوست، رابطه مستقیمی با تداوم دوستی دارد. شرط اصلی تداوم رابطه دوستی، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، این است که اساس رابطه بر انگیزه اخلاص و رضایت الهی شکل بگیرد. از این رو، هرگونه روابطی که بر مبنای سود مادی و مطامع دنیوی شکل بگیرد، تعهدی در بقای آن نخواهد بود و چه بسا که به دشمنی‌های ریشه‌دار تبدیل گردد (شکری‌نیا، حسینی زاده، ۱۳۹۴). بدین جهت در روایات یکی از عوامل حفظ دوستی و برادری، اخلاص در دوستی بیان شده است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۸۱۸). و یا آنجایی که در روایت بیان می‌شود که بنای دوستی و برادری در راه خدا بر چند چیز است که یکی از آن‌ها اخلاص در محبت است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ۱۹۹).

### اخلاص و محبوبیت اجتماعی

نیاز و میل به محبوبیت یک نیاز طبیعی است. چرا که همه ما دوست داریم مورد احترام و علاقه دیگران باشیم (ایمانی، ۱۳۹۲).

از ویژگی‌های بارز افراد مومن و با تقوا این است که خداوند محبت آنها را در دل مردم، به ویژه مؤمنین قرار می‌دهد و آنها را محبوب و دوست داشتنی می‌گرداند. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶) به یقین کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند به زودی خداوند رحمان محبتی برای آنان [در دل‌ها] قرار می‌دهد. از سوی دیگر ایمان و تقوا میسر نیست مگر به اخلاص یعنی تا وقتی که

اعمال انسان رنگ و بوی خدا را نگیرد تقوا حاصل نمی‌شود؛ چراکه، آنچه قطعاً پسندیده است و آنچه هر خوبی را دربردارد، این است که انسان به واسطه گفتنش، به واسطه عمل نمودنش و به واسطه فکرش خدا را راضی کند. وقتی که خدا از دست کسی راضی شود، همه از دست او راضی می‌شوند (مظاهری، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰). در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر در مقابل دوست و دشمن عزت می‌خواهی کاری کن که خدا از تو راضی باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۷۸). از سوی دیگر، چنین شخصی که به دنبال رضایت خداوند است خیرخواه دیگران است که در روایات نیز یکی از علامات شخص مخلص، همین خیرخواهی نسبت به دیگران، شمرده شده است. بدیهی است که پس از روشن شدن حقیقت امر چنین خیرخواهی موجبات محبوبیت اجتماعی را فراهم می‌کند (رحیمی، ۱۳۸۷). هم‌چنان که در روایات هم به این مطلب اشاره شده است که کسی که نیتش نیکی و خیرخواهی باشد دوستی با چنین شخصی واجب می‌شود (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۶۵).

## اخلاص و بهداشت روانی

### اخلاص و امنیت روانی

یکی از کارکردهای روان‌شناختی اخلاص ایجاد امنیت روانی در انسان است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۱۱۲)، کسی که خود را تسلیم محض خدا می‌کند، از هیچ چیزی نمی‌هراسد و هرگز دچار ترس و اندوه نمی‌گردد». در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام: ۸۲) کسانی که ایمان آوردند، ایمان خود را با ظلم نپوشاندند، برای آنها ایمنی خواهد بود و آنها هدایت یافتگانند». به بیان دیگر ایمان خالص، امنیت می‌آورد و ایمان ناخالص، دلهره و اضطراب در پی دارد.

امنیت روانی عبارت است از احساس اطمینان، پشت‌گرمی، عدم خطر و آزادی از ترس، رعب، وحشت یا اضطراب، همراه با توجه و تأمین نیازهای شخصی (اولیه) حال و آینده (ربر، ۱۹۹۵، به نقل از حسنی، ۱۳۹۰، ص ۱۱).

مهم‌ترین و اصیل‌ترین عامل ایجاد ناامنی روانی از دیدگاه آیات و روایات، از خود بیگانگی و در نتیجه از خدا بیگانگی انسان است که تضاد درونی در انسان ایجاد کرده و اضطراب و نگرانی ره‌آورد تضاد درونی انسان است؛ چراکه انسان به صورت فطری خداجوست. قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۲) پس

روی خود را متوجه آئین خالص پروردگار کن این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده است» فردی که ریاکار است و کارهایش را برای غیر خدا انجام می‌دهد، در حقیقت بر اساس آموزه‌های اسلامی دچار نوعی شرک می‌شود که به تبع آن از فطرت خداجویی فاصله می‌گیرد. چنین شخصی، چون بر خلاف گرایش‌های درونی و فطری خویش رفتار می‌کند در نتیجه مبتلا به تضاد درونی می‌شود. تضاد و کشمکش دورنی امنیت روانی فرد را به چالش کشیده و آرامش روانی را از وی سلب می‌کند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۲۹-۱۲۷). هیچ پدیده روحی‌ای نمی‌تواند مانند اخلاص زندگی پرفراز و نشیب و پراضطراب انسان را تنظیم و تعدیل ساخته، موجب آرامش خاطر شود. علت پیدایی آرامش خاطر از طریق اخلاص این است که روح انسان مخلص هنگامی که به حقیقت والای اخلاص می‌رسد، در واقع گمشده‌اش را باز می‌یابد و خود را در مسیر مقصد متعالی می‌بیند و از آن پس، تاریکی‌ها از فراروی او کنار می‌روند و به هر سوی می‌نگرد روشنایی‌ها را می‌بیند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷). شخص با اخلاص چون می‌داند که خداوند امور او را کفایت می‌کند هرگز دچار نگرانی و اضطراب نمی‌گردد هم‌چنان که رسول اکرم ﷺ در روایتی از قول خداوند متعال می‌فرماید هرگاه دل بنده‌ام را بنگرم و دریابم که از روی اخلاص و برای خشنودی من طاعت‌م را به جا می‌آورد، تدبیر او را خود به عهده می‌گیرم (امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۴۰۰، ۹۲).

### اخلاص و امیدواری

یکی از کارکردهای روان‌شناختی اخلاص بر اساس آموزه‌های دینی، امیدبخشی است. در روایتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام صراحتاً به کارکرد امیدبخشی اخلاص اشاره کرده و بیان می‌دارد، کسی که اخلاص داشته باشد امید داشته شده را از دست ندهد و به امیدش خواهد رسید (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۴۳). امید، همان چیزی است که افراد را قادر می‌سازد تا ارزش‌هایشان را تعیین کنند و هدف‌هایشان را بشناسند و خودشان را در جهت رسیدن به هدف‌هایشان سوق دهند (اشنایدر، ۲۰۰۲، به نقل از شریانی، نام‌آور، ۱۳۹۵). امید هنگامی نیرومند است که هدف‌های ارزشمندی را در بر بگیرد و با داشتن موانع چالش‌انگیز ولی نه برطرف نشدنی، احتمال دستیابی به آن‌ها در میان مدت وجود داشته باشد (کار، ۱۳۸۷، ص ۱۸۱).

ازجمله آثار نیک مذهب کاهش بیماری‌ها، افزایش سطح سازگاری و افزایش امیدواری در انسان است (رسولی شریانی، نام‌آور، ۱۳۹۵).

در روایات به نقش اخلاص در ایجاد امید به خداوند و ناامیدی از غیر خدا اشاره شده است. هم‌چنان‌که در روایتی حضرت اولین گام اخلاص را ناامیدی از مردم معرفی می‌کند (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۴). و در جایی دیگر بیان می‌شود که عمل خالص آن است که انسان در آن جز به پروردگارش امیدوار نباشد (همان، ص ۶۵). شخص مخلص چون هدف با ارزش کسب رضایت خداوند را دنبال می‌کند، لذا از امید نیرومندی برخوردار است چرا که اخلاص و ارتباط با قدرت بیکران به فرد این اطمینان را می‌دهد که نیروی قوی همیشه او را حمایت می‌کند. این افراد حوادث را با تکیه بر ایمان و اعتقاد خود راحت‌تر می‌گذرانند، کمتر دستخوش استرس و اضطراب می‌شوند و در نتیجه تصور این افراد از آینده امیدوارانه‌تر و خوش‌بینانه‌تر است (عسگری و همکاران، ۱۳۹۰، به نقل از شریانی، نام‌آور، ۱۳۹۵).

### اخلاص و حرمت خود

اعتقادات و باورهای دینی با تدارک زمینه‌ای که در آن فرد خودش را هدفمند، با ارزش و شایسته و کارآمد تصور می‌کند «حرمت خود» نسبتاً پایداری را ایجاد می‌نماید (شجاعی، ۱۳۸۲، ص ۸). حرمت خود به‌منزله مجموعه بازخوردها و عقایدی است که افراد در روابط خویش با دنیای بیرونی ابراز می‌کنند. باور به موفقیت شخصی، بسیج خویشتن با توجه به هدف تعیین‌شده، تأثیر پذیری کم و بیش عمیق از یک شکست، و بهبود بخشیدن به کارآمدی خود با استفاده از تجربیات گذشته، به‌منزله بازخوردهایی هستند که رابطه مستقیمی با حرمت خود دارند. به عبارت دیگر، حرمت خود، شامل یک حالت روانی است که فرد را آماده می‌سازد تا به انتظار موفقیت، پذیرش آن و تعیین‌کننده‌های شخصی واکنش نشان دهد. در نتیجه، حرمت خود به‌منزله بیان تأیید یا عدم تأیید فرد از خویش است (شجاع کاظمی، ۱۳۸۳).

بهرامی (۱۳۸۱) در یافته‌های پژوهش خود بیان می‌کند که بین جهت‌گیری مذهبی و حرمت خود رابطه‌ای مثبت برقرار است و مذهب قادر است تا نقشی درون روانی در تأمین سلامتی ایفا کند. میتون (۱۹۸۹، به نقل از بهرامی، ۱۳۸۱) در گزارش پژوهشی خود نشان داده است که حمایت معنوی ناشی از احساس ارتباط با خدا به‌صورت مثبتی بر حرمت خود اثر می‌گذارد.

در آموزه‌های دینی کسانی که از شهوات و لذات زودگذر دنیا چشم‌پوشی می‌کنند صاحب کرامت نفس هستند و در مقابل کسانی که دچار شهوات و آلودگی‌های دنیایی می‌شوند



از کرامت نفس محرومند (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۳۷) و بر طبق روایات کرامت نفس و دوری از آلودگی‌ها کمترین اثر اخلاص در دنیاست (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۴۵) هم‌چنان‌که در روایتی امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند که شخصی که اخلاص داشته باشد از پستی و ذلت دور می‌ماند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۱۶). ورام (۱۳۶۹، ص ۳۵۸) در این زمینه بیان می‌دارد: «پس آن‌که تمام توجّه قلبیش را متوجه خدا می‌کند و اخلاص پیشه می‌کند، در حقیقت خود را از ذلت ریاکاری نجات داده چراکه شخص ریاکار به خاطر ذلتی که از درون احساس می‌کند چشم طمع به مردم دارد و هر کس چشم طمع به مردم بدارد، از خواری و ذلت برکنار نماند، و اگر به مقصود خود نیز برسد از منت و حقارت به دور نخواهد بود، پس چگونه آدم عاقل آنچه را نزد خدا است در برابر امیدی واهی و خیالی فاسد از دست می‌دهد که گاهی ممکن است برسد و یا نرسد! و هنگامی هم که برسد، لذتش به رنج منت و ذلتش نمی‌ارزد».

«در قرآن صدقات و رفتار حمایتی که از سر اخلاص و راستی باشد موجب تقویت جان و استواری روح دانسته شده است، شاید بتوان گفت تمرینی برای اعتماد به نفس و ارتقای حرمت خود است؛ یعنی کار خود را آن قدر ارزشمند می‌بیند که بهای آن را جز از خدا نمی‌خواهد و دانستن دیگران را اهمیتی نمی‌دهد و (تمثیل حال کسانی که اموالشان را به خاطر رضای خدا و تقویت جان و تثبیت ایمان خویش می‌بخشند چنان است که باغی در زمینی بلند باشد و باران تندی بر آن ببارد آن باغ میوه‌های خود را دوچندان عرضه کند یا اگر باران تند نیارد باران لطیف ملایم نیز آن را کافی است و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است)» (آذربایجانی، شجاعی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۲).

### اخلاص و سخت‌روی

آموزه‌های دینی اخلاص شامل بیاناتی است که محتوای آنها به شیوه‌های گوناگون، به کارکرد اخلاص برای کنار آمدن با بحران‌ها و مقاومت در برابر استرس‌های زندگی (سخت‌روی) اشاره دارد. به عنوان مثال، امام صادق علیه السلام نقش اخلاص را در سخت‌روی افراد این‌گونه بیان می‌کنند: شخص مخلص کسی است که اعمالش به درگاه الهی قبول واقع شده و خداوند از او راضی باشد، و کسی که اعمالش مورد قبول خدا نبوده، مخلص نیست، گرچه اعمالش زیاد باشد و علامت قبولی عمل (اخلاص) استقامت است (جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰، ص ۳۶).

سخت‌رویی به‌عنوان مجموعه‌ای متشکل از ویژگی‌های شخصیتی است که در رویارویی با حوادث فشارزای زندگی به‌عنوان منبعی از مقاومت، همانند سپری محافظ عمل می‌کند و افراد واجد آن می‌توانند به‌گونه‌ای کارآمد با مشکلات و فشارهای زندگی مقابله کنند (کوباسا، ۱۹۷۹، به‌نقل از حقیقی، عطاری، رحیمی و سلیمانی‌نیا، ۱۳۷۸) این مفهوم که با واژه‌هایی مانند استقامت، تهور، جسارت، بی‌پروایی و شهامت، وجه مشترک دارد نوعی سبک شخصیتی است که مجموعه‌ای از صفت‌های روانی را در بر می‌گیرد (جمهری، ۱۳۸۰). شخص مخلص، چون به‌دنبال کسب رضایت خداوند است، به‌دنبال هر کاری است که رضایت خدا را در پی داشته باشد، هرچند که سختی و مشقت بیشتری داشته و سخت‌رویی بیشتری را بطلبد، چنان‌که در احوالات امیرالمؤمنین علیه‌السلام وارد شده است که هیچ‌گاه میان دو کار که هر دو موجب رضایت پروردگارند، قرار نگیرد، مگر آن‌که دشوارترین آن دو بر بدنش را انتخاب نمود (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۰).

انسان با اخلاص در راه رسیدن به خشنودی خدا همه سختی‌ها را تحمل کرده و از هیچ تلاشی فروگذار نیست، تا حدی که حاضر است جانش را هم در راه هدفش فدا کند؛ چنان‌که روایت امام صادق علیه‌السلام به این مطلب این‌گونه اشاره می‌کند: شخص با اخلاص روح و جان خود را در آتش عشق حق ذوب نموده و در طریق معرفت و شناخت حق و پیگرد عملی دل و جان را نثار می‌نماید و اگر انسان به‌چنین مقامی رسید همه چیز را به‌دست آورده ولی اگر این استقامت عملی و این شعور و بینش علمی را به‌دست نیاورد همه چیز را از دست داده و همین است معنای حقیقی توحید کامل که از هر نقصی منزّه و پیراسته است (جعفر بن محمد علیه‌السلام، ۱۴۰۰، ص ۳۶).

### اخلاص و دوری از اهمال‌کاری

یکی از عوامل دوری از تعلل و اهمال‌کاری در کارها، مربوط به نوع انگیزه و هدفی است که فرد در کارهایش انتخاب می‌کند. بدیهی است کسانی که در زندگی خود انگیزه و اهداف مناسبی را در نظر می‌گیرند موفقیت بیشتری را تجربه خواهند کرد (بیابان‌گرد، ۱۹۹۷؛ به‌نقل از لامعی، سپهری، آقا محمدیان شعرباف، ۱۳۹۳). اهمال‌کاری این است که کاری را که تصمیم به اجرای آن داریم به آینده موکول کنیم. در یک کلمه می‌توان گفت: جوهره این آسیب روانی به تعویق انداختن، تعلل ورزیدن، سبک گرفتن و سهل‌انگاری در کار است (آقا تهرانی، ۱۳۸۲).

در نگاه اهل بیت علیهم‌السلام، تنها هدفی که دارای ارزش ذاتی و اصیل است و همه اهداف میانی باید در مسیر رسیدن به آن اتخاذ شوند، اخلاص و جلب رضایت خداوند است که انسان را از تنبلی و اهمال‌کاری دور می‌کند (کریمی، ۱۳۹۳). در آموزه‌های دینی، به‌طور کلی، پذیرفته شده است که اخلاص در دوری از اهمال‌کاری و تنبلی انسان، نقش مهمی دارد. به‌عنوان مثال یکی از علامات کسانی که دچار ریا شده‌اند و اخلاص ندارند این است که، وقتی تنها شد، دچار اهمال‌کاری و تنبلی در کارها می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۹۵) یا آنجایی که حضرت می‌فرماید: اگر هوی و هوس از بین برود شخص غیر مخلص از عملش باز می‌ماند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۵). بنابراین، شخص مخلص، بدین جهت که کارهایش را فقط به انگیزه رضای الهی انجام می‌دهد و خودش را همیشه در محضر پروردگار می‌بیند، لذا برای او دیدن یا ندیدن مردم فرقی ندارد و حتی در خلوت‌ها نیز در عملش سست نشده و دچار اهمال‌کاری در کارهایش نمی‌شود.

### اخلاص و رضامندی

رضامندی یکی از کارکردهای روان‌شناختی اخلاص است. ارتباط شخص مخلص با خداوند متعال رابطه‌ای بر اساس محبت است و جذب به این عشق و محبت به انسان، رضایت خاطر و ایمنی از حزن و اندوه می‌بخشد تا جایی که مشمول خطاب رضایت‌آمیز الهی می‌گردد: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» (مائده: ۱۱۹)، هم خدا از آن‌ها راضی است و هم آن‌ها از خداوند راضی‌اند». رضامندی به احساس خوشی برآمده از آگاهی به یک وضعیت که با ارضای تمایلات خاص پیوند خورده، تعریف شده است (عادل و همکاران، ۱۳۸۹، به نقل از پسندیده، گلزاری و براتی، ۱۳۹۱). پیکاک و پولوما (۲۰۰۰م) دریافتند که احساس نزدیکی به خدا، بزرگترین و تنها پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی در همه سنین است (به نقل از پرپوچی، احمدی، سهرابی، ۱۳۹۲).

در آموزه‌های دینی به نقش اخلاص در ایجاد رضامندی اشاره شده است آنجا که در روایتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از جبرئیل در مورد تفسیر اخلاص سوال می‌کند و جبرئیل بیان می‌دارد که: مخلص، کسی است که از مردم چیزی طلب نمی‌کند، تا آنکه خودش آن را بیابد و وقتی که یافت، بدان راضی است و اگر نزدش چیزی اضافه آمد، در راه خدا می‌دهد. درخواست نکردن او از دیگران، خود اقراری است به بندگی خدا و وقتی چیزی یافت، بدان راضی می‌شود [از کم یا زیادش شکایت نمی‌کند]. هم او از خدا راضی است، هم خدا از او (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق،

ص ۲۶۱). در حقیقت شخص مخلص با کسب رضایت خداوند، گویا همه چیز را به دست آورده اما اگر عامل اخلاص پیدا نکرد مانند این است که چیزی درک نکرده و همه را از دست داده است (مجلسی، عطار دی قوچانی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۷) و همین امر سبب ایجاد احساسی در انسان می‌شود که همراه با رضایت است و از زندگی‌اش لذت می‌برد چون به مقصد و هدفش رسیده است. رضایت انسان مخلص از خدا در حقیقت همان رضایت داشتن از تقدیرات خداست و کسی که نسبت به تقدیرات باور خیری داشته باشد، از دیدگاه اسلام رضامند است (پسندیده، گلزاری، براتی، ۱۳۹۱).

### اخلاص و خودمهارگری

اخلاص نیروی کنترل‌کننده‌ای است که توان نظم‌دهی و مدیریت خود را به انسان می‌دهد. در آموزه‌های دین اسلام به مسئله اخلاص و خودمهارگری در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی تأکید شده است. به عنوان مثال پیامبر ﷺ در روایتی تمام اخلاص را به اجتناب از حریم‌های الهی می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۹۱). و یا در جایی دیگر پیامبر ﷺ می‌فرماید که از علامت‌های شخص با اخلاص این است که، شرش را از دیگران باز می‌دارد و خیرش را به دیگران می‌رساند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۱). امام صادق علیه السلام می‌فرماید که اخلاص انسان را از ارتکاب به حرام الهی باز می‌دارد (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۳۷۰) و در جایی دیگر حضرت علیه السلام اشاره می‌کنند به اینکه اخلاص فضایل اعمال را جمع می‌کند (جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰، ص ۳۷). یا در روایتی حضرت علیه السلام تصریح می‌کنند به اینکه اخلاص انسان را از زشتی‌ها دور می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۸).

جیبر و بامیستر (۲۰۰۵) خود مهارگری را یک توانایی روان‌شناختی جهت رساندن رفتار انسان به مرز قواعد و معیارهای معنادار می‌دانند و معتقدند جوامع بشری، یک سری قواعد اخلاقی دارند که اعمال و رفتار معینی را به عنوان درست یا غلط مشخص می‌نماید (به نقل از رفیعی هنر، ۱۳۹۰، ص ۲ و ۳).

آنچه که در اخلاص سبب کنترل تکانه و تمایلات نفسانی می‌شود توجه به خداست. به این معنی که، هروقت می‌خواهیم سخنی بگوییم و یا دست به کاری بزنیم، اول اندیشه کنیم که آیا خداوندی که همه‌کاره من، مالک هستی و عادل است، از رفتار من راضی است؟ (ایزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸) و وقتی که انسان به دنبال کسب رضای الهی حرکت کرد یقیناً از هر چه که مورد رضایت او نیست پرهیز کرده و آنچه که مورد رضای اوست را به دست

می‌آورد. لذا اولاً به عبادت خدا می‌پردازد و ثانیاً از آنچه که می‌کند و آنچه که نمی‌کند جز روی خدا و توجه به او چیز دیگر در نظر ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴)، بدین جهت اخلاص در انسان خودمهارگری ایجاد می‌کند و او را از زشتی‌ها دور و به سمت نیکی سوق می‌دهد.

### اخلاص و یقین‌زایی

عوامل مختلفی در ایجاد یقین در انسان‌ها نقش دارند که طبق آموزه‌های اسلامی، یکی از آن عوامل اخلاص است. در زبان قرآن و روایات، یقین حقیقی، اخلاص است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: اخلاص عمل، همان یقین است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۹۱). یقین علم ثابت و استواری است که هیچ‌گونه شک و شائبه‌ای در آن راه ندارد (حسینی سرشت، ۱۳۸۷). این ویژگی برای مخلصان نیز ثابت است. در روایتی حضرت علیه السلام به همین ویژگی اشاره می‌کند که انسان مخلص به خاطر یقینی که دارد، دچار شک و شبهه نمی‌گردد (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۷۶).

و وقتی اخلاص به دست آمد، به تعبیر (جوادی آملی) «هر چه بر اخلاص افزوده شود علم و یقین ویژه بیشتر عطا می‌شود، چنان‌که حضرت ابراهیم علیه السلام در پرتو همین اخلاص، ملکوت آسمان‌ها و زمین را مشاهده کرد و به مقام صاحبان یقین رسید «وَكَذَلِكَ نُرِي اِبْرَاهِيْمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ وَ لِيَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ (انعام: ۷۵) و این‌گونه، ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نمایانندیم تا از جمله یقین‌کنندگان باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۵۴).

### بحث و نتیجه‌گیری

محور اصلی پژوهش حاضر، شناسایی کارکردهای روان‌شناختی اخلاص بر اساس منابع اسلامی بود. البته نظریات مربوط به کارکردهای روان‌شناختی اخلاص در علوم مختلف از جمله اخلاق و تفسیر و روان‌شناسی نیز مورد توجه قرار گرفت که نتایج بررسی‌ها حاکی از همسویی متون دینی با نظریات علوم مختلف بود.

کارکردهای به‌دست آمده از اخلاص در منابع اسلامی، در سه حوزه کارکردهای انگیزشی، کارکردهای اجتماعی و کارکردهای بهداشت روانی اخلاص قرار گرفت. که در ادامه به بحث و بررسی هر بخش اشاره می‌گردد.

اولین حوزه کارکردی اخلاص مربوط به کارکردهای انگیزشی اخلاص است؛ چراکه اخلاص صفت نیت است و همان‌طور که سابقاً اشاره گردید نیت، انگیزش محسوب می‌شود و در روایات نیز به کارکرد انگیزشی آن اشاره شده است. هم‌چنان‌که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: اعمال ثمره و نتیجه نیت افراد است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۶۲). پژوهش‌های زیادی پیرامون انگیزش‌های مذهبی صورت گرفته که کارکرد انگیزشی اخلاص را تأیید می‌کنند از جمله محمدی و مزروعی (بی‌تا) در مقاله خود این‌گونه بیان می‌دارند: انگیزه انسان بر اساس حوزه شناختی او شکل می‌گیرد. انسان می‌تواند با تبعیت از فطرت الهی‌اش به زندگی خود رنگ الهی دهد و با انگیزه‌های الهی همه تلاش‌ها را به رضای خداوند منتهی کند، به انگیزه‌های الهی که عامل پایداری و بقا عمل آنها می‌باشد وصل نماید از حب به ذات خود مانند حب بقا، حب کمال و... در جهت انگیزه‌های الهی خود و برای جلب رضایت خداوند که منجر به جهان آخرت می‌شود بهره ببرد. انگیزش به دو نوع درونی و بیرونی تقسیم می‌گردد و همان‌طور که گذشت اخلاص از نوع انگیزش درونی مذهبی است و تمام کارکردهای انگیزش درونی را دارد. تحقیقات نیز کارکردهای انگیزش درونی را نسبت به انگیزش بیرونی تأیید می‌کنند. ریان و دسی (۲۰۰۰ م)، به آثار انگیزش درونی اشاره می‌کند که: دارندگان انگیزش درونی در مقایسه با کسانی که انگیزش بیرونی دارند درباره کاری که انجام می‌دهند، توجه، هیجان و اعتماد به نفس بیشتری از خود نشان می‌دهند. آنان همچنین در انجام تکالیف از عملکرد، خلاقیت و پشتکار بهتری برخوردارند و عزت نفس و سلامت ذهنی بالاتری را گزارش می‌دهند (به نقل از آلان کار، ۱۳۸۷، ص ۳۵۴). کارکردهایی که ذکر گردید همچنین شامل انگیزش‌های درونی دینی نیز می‌شود همان‌گونه که آلپورت به این مطلب اشاره می‌کند که انگیزش دینی دارای کارکرد خویش‌نانه است. این انگیزش که در هسته اصلی شخصیت فعال است «سراسر زندگی را پر از معنا می‌کند» و به این ترتیب به فرایند وحدت کمک می‌کند (آلپورت، ۱۹۶۱؛ ۱۹۶۶، ص ۲۳۲).

دومین حوزه کارکردی اخلاص مربوط به کارکردهای اجتماعی اخلاص است، چراکه اخلاص یکی از شاخصه‌های اصلی روابط مثبت در تعاملات اجتماعی است. به همین جهت در روایات به خالص‌سازی دوستی در روابط میان‌فردی توصیه شده است. برای مثال، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: با دشمنت مدارا کن و برای دوستت خالص شو (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۸۱۸). این نشان می‌دهد که اخلاص در روابط میان‌فردی و اجتماعی نیز بسیار مهم است. از این‌رو از کارکردهای اجتماعی اخلاص نمی‌توان غفلت کرد همان‌طور

که تحقیقات نیز این مطلب را تأیید می‌کنند. حسینی زاده و شکری نیا (۱۳۹۴) در مقاله خود در تأیید کارکرد اجتماعی اخلاص بیان می‌دارند: افرادی که براساس انگیزه الهی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و یکدیگر را به‌عنوان دوست برمی‌گزینند، علاوه بر اینکه در رسیدن به سعادت معنوی و کمال نهایی نسبت به یکدیگر، حمایت‌گری می‌کنند، در برآورده شدن نیازهای جسمی، روانی و اجتماعی و رفع نقایص و معایب یکدیگر نیز مراقبت و همدلی می‌کنند. انگیزه انتخاب دوست، رابطه مستقیمی با تداوم دوستی دارد. شرط اصلی تداوم رابطه دوستی، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، این است که اساس رابطه بر انگیزه اخلاص و رضایت الهی شکل بگیرد. و یا تحقیقات شکوری (۱۳۸۴) با نقش اخلاص در بروز رفتارهای حمایتی، همسو است و بیان می‌دارد: رفتارهای حمایتی ممکن است ریشه فطری، روانی، اجتماعی یا بیواجتماعی داشته باشند؛ با این وصف، به نظر می‌رسد انگیزه‌های نوع‌دوستانه با خصایص ایثارگرانه و خالصانه نقش مهمی در بروز این نوع رفتارها دارند. و یا تحقیقات محمودشاهی، شمشیری (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که ریشه معضلات اجتماعی جامعه، نبود اخلاص در جامعه است و بیان می‌دارد: «بی‌شک جامعه امروزی گرفتار انحرافات اخلاقی بسیاری است که ریا، تملق، نفاق، دورویی و... از آن جمله می‌باشند، امروزه شاهد این هستیم که بسیاری به دنبال اسم و رسم یافتن و ایجاد محبوبیت در میان مردم هستند تا بتوانند از این طریق هرچه بیشتر و زودتر به خواسته‌های نفسانی خود دست یابند، اگر می‌بینیم که افراد برای دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی و یا نگه داشتن مقام و موقعیت خویش جاهلانه در پی تخریب شخصیت یکدیگر هستند و یا... همه و همه ریشه در نبود اخلاص دارد».

سومین حوزه کارکردی اخلاص مربوط به کارکردهای بهداشت روانی اخلاص است. به تعبیر قرآن یکی از کارکردهای روان‌شناختی اخلاص ایجاد احساس امنیت روانی در انسان است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۱۱۲)، کسی که خود را تسلیم محض خدا می‌کند، از هیچ چیزی نمی‌هراسد و هرگز دچار ترس و اندوه نمی‌گردد». تحقیقات اخلاص و یا مفاهیم مرتبط با آن نیز این یافته را تأیید می‌کنند. به‌عنوان مثال مصباح یزدی (۱۳۸۷) بیان می‌کند: هیچ پدیده روحی‌ای نمی‌تواند مانند اخلاص زندگی پرفراز و نشیب و پراضطراب انسان را تنظیم و تعدیل ساخته، موجب آرامش خاطر شود. علت پیدایی آرامش خاطر از طریق اخلاص این است که روح انسان مخلص هنگامی که به

حقیقت والایی اخلاص می‌ورزد، در واقع گمشده‌اش را باز می‌یابد و خود را در مسیر مقصد متعالی می‌بیند و از آن پس، تاریکی‌ها از فراروی او کنار می‌روند و به هر سوی می‌نگرد روشنایی‌ها را می‌بیند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷). در مقابل، حسینی‌زاده (۱۳۸۲، ص ۱۲۹-۱۲۷) نبود آرامش روانی را در ریاکاری می‌داند و بیان می‌کند: فردی که ریاکار است و کارهایش را برای غیر خدا انجام می‌دهد، در حقیقت بر اساس آموزه‌های اسلامی دچار نوعی شرک می‌شود که به تبع آن از فطرت خداجویی فاصله می‌گیرد. چنین شخصی، چون بر خلاف گرایش‌های درونی و فطری خویش رفتار می‌کند در نتیجه مبتلا به تضاد درونی می‌شود. تضاد و کشمکش دورنی امنیت روانی فرد را به چالش کشیده و آرامش روانی را از وی سلب می‌کند. و یا دینر و همکاران (۲۰۰۲م) در تأیید این کارکرد بیان می‌دارند: نتایج در مورد رابطه انگیزش دورنی مذهبی با احساس بهزیستی روان‌شناختی نشان دهنده آن است که افرادی که مذهب در آنها دورنی است در مقایسه با افرادی که مذهب را وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف دیگر خود می‌دانند از سلامت روانی بیشتری برخوردارند. مالتبی می‌گوید تحقیقات پژوهشگران نشان می‌دهد که همبستگی‌های مثبتی بین جهت‌گیری دورنی مذهبی و بهزیستی روان‌شناختی وجود دارد (maltby & lewis & day، ۱۹۹۹). همچنین یافته‌های تحقیقات پژوهشگران نشان می‌دهد که جهت‌گیری مذهبی دورنی با رضایت از زندگی، سازگاری روان‌شناختی، خویش‌داری و عملکرد بهتر شخصیتی، عزت نفس، سلامت روحی، کنترل درونی، نمره‌های هدفمندی زندگی، روحیه و سازگاری در کهنسالی، همبستگی دارد (وولف، ۱۳۸۶، ص ۳۵۷).

پژوهش حاضر مانند سایر تحقیقات انجام شده در حوزه علوم انسانی با محدودیت‌ها و پیشنهاداتی مواجه بوده است؛ که لازم است این محدودیت‌ها و پیشنهادات را در غنای پژوهش‌های آتی اخلاص در نظر گرفت. به عنوان مثال، در استفاده از روایات به دلالت آنها بر مفهوم اخلاص، اکتفا شده است و روایات مذکور مورد بررسی سندی و صدوری قرار نگرفته است و بیشترین تمرکز این پژوهش، بر واژه اخلاص در منابع اسلامی بود و از الفاظ مرتبط و مقابل اخلاص در منابع اسلامی کمتر استفاده گردید. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی الفاظ مرتبط و متقابل اخلاص نیز با استفاده از روش معناشناسی زبانی مورد بررسی قرار گیرد. در پایان، با توجه به کارکردهای روان‌شناختی اخلاص پیشنهاد می‌گردد که برنامه درمانی مبتنی بر اخلاص تنظیم گردد.



## منابع

- آذربایجانی، مسعود و شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۳)، *روان‌شناسی در نهج البلاغه*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- آقا تهرانی، مرتضی (۱۳۸۲)، «اهمال کاری بررسی علل، راهکارها و درمان»، *معرفت*، شماره ۶۴، ص ۳۸-۵۳.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۴۰۳ ق)، *معانی الاخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین.
- احمدی نوجانی، عطیه؛ دولابی، پرستو (۱۳۸۶)، *اخلاص از دیدگاه قرآن و سنت و پیامدهای فردی و اجتماعی آن*، پایان نامه سطح ۲ حوزه علمیه خواهران.
- ایزدی، عباس (۱۳۸۴)، *اخلاق ایزدی بیست گفتار اخلاقی - عرفانی*، قم: اجر.
- ایمانی، محسن (۱۳۹۲)، «عوامل مؤثر در محبوبیت اخلاقی و تأثیرات تربیتی آن»، *پیوند*، شماره ۴۰۲ و ۴۰۳، ص ۷۵-۷۸.
- بطحایی گلپایگانی، سید حسن (۱۳۹۲)، «جستاری در مفهوم شناسی و گستره اخلاص در قرآن»، *فصلنامه پژوهشنامه معارف قرآنی*، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۹۷-۱۱۶.
- بهرامی، احسان (۱۳۸۱)، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی، اضطراب و حرمت خود»، *مجله روان‌شناسی*، شماره ۲۴، ص ۳۳۶-۳۴۷.
- پریوچی، بهجت؛ احمدی، مجید و سهرابی، فرامرز (۱۳۹۲)، «رابطه دین‌داری و حمایت اجتماعی با رضایت از زندگی دانشجویان دانشگاه»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال چهاردهم، شماره ۳، ص ۶۰-۶۸.
- پسندیده، عباس؛ گلزاری، محمود و براتی سده، فرید (۱۳۹۱)، «پایه نظری رضامندی از دیدگاه اسلام»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۲۰، ص ۸۷-۱۰۶.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد (۱۴۱۰ ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
- ----- (۱۳۶۶)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات.
- جعفر بن محمد علیه السلام (۱۴۰۰ ق)، *مصباح الشریعه*، بیروت: اعلمی.
- جمهری، فرهاد (۱۳۸۰)، *بررسی رابطه بین سخت‌رویی و گرایش به افسردگی و اضطراب در بین زنان و مردان دانشجویی دانشگاه‌های تهران*، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *ادب فنای مقربان*، قم: چاپ اسراء.

- حسینی زاده، سید مهدی (۱۳۸۲)، *جوان و آرامش روان*، (به کوشش علی نقی فقیهی)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی سرشت، سید محمدصادق (۱۳۸۷)، «عوامل کسب یقین از دیدگاه قرآن و سنت»، *مجله اخلاق*، شماره ۱۳ و ۱۴، ص ۴۵-۵.
- حقیقی، ج؛ عطاری، ی؛ رحیمی، س و سلیمانی نیا، ل (۱۳۷۸)، «رابطه سرسختی و مؤلفه‌های آن با سلامت روانی در دانشجویان پسر دوره کارشناسی دانشگاه»، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳(۴)، ص ۱-۱۸.
- دیلمی، احمد؛ آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۰)، *اخلاق اسلامی*، قم: دفتر نشر معارف.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن*، (غلامرضا خسروی)، تهران: مرتضوی.
- ریز، آرتور اس (۲۰۱۱)، *فرهنگ روان‌شناسی (توصیفی)*، (یوسف کریمی و همکاران، مترجم کریمی)، تهران: رشد.
- رحیمی، مرتضی (۱۳۸۷)، «نقش و آثار تربیتی دوستی در نهج البلاغه»، *کوثر*، شماره ۲۷، ص ۱۸-۳۲.
- رسولی شریبانی، رضا؛ نام آور، لیلا (۱۳۹۵)، «تأثیر باورهای مذهبی و امیدواری بر رضایت زناشویی در زوج‌های ناباور»، *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، دوره دوم، شماره ۴، ص ۱۸۹-۲۰۰.
- رفیعی هنر، حمید؛ جان بزرگی، مسعود؛ پسندیده، عباس و رسول زاده طباطبایی، سید کاظم (۱۳۹۰)، *ساخت مقیاس خود مهارگری بر اساس منابع اسلامی*، پایان نامه ارشد روان‌شناسی بالینی، قم: مؤسسه امام خمینی ره.
- شبر، سید عبدالله (۱۳۸۲)، *اخلاق*، (محمد رضا جباران، مترجم)، قم: انتشارات هجرت.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۵)، *انگیزش و هیجان*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شجاعی، محمدصادق؛ جان بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی، محمد؛ پسندیده، عباس (۱۳۹۳)، *ساختار شخصیت از دیدگاه اسلام در چارچوب رویکرد صفت*، پایان نامه دکتری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۲)، *رابطه میزان توکل به خدا با حرمت خود*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- شکری نیا، محمد علی؛ حسینی زاده، سید علی (۱۳۹۴)، «تحلیل و بررسی مسئله دوستی در روایات»، *معرفت*، سال بیست و چهار، شماره ۲۰۹، ص ۲۹-۴۳.
- شکوری، علی (۱۳۸۴)، «رفتارهای حمایتی و دلالت بروز آن»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۱۸، ص ۳۵۷-۳۸۶.

- شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۸۳)، «نقش حرمت خود در رفتار کمک‌خواهی دانش‌آموزان»، *معرفت*، ش ۸۴، ص ۱۰۱-۱۰۸.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۲)، *راه روشن: ترجمه کتاب المحجة البيضاء فی تهذیب الإحیاء*، (محمدصادق عارف، مترجم). مشهد: آستان قدس رضوی.
- کار، آلن بی (۱۳۸۷)، *روان‌شناسی مثبت: علم شادمانی و نیرومندی‌های انسان*، (شریفی، حسن پاشا؛ نجفی زند، جعفر و ثنائی، باقر، مترجمان)، تهران: انتشارات سخن.
- کاویانی ارانی، محمد (۱۳۹۲)، «رویکردی جامع به مباحث انگیزش از دیدگاه قرآن»، *اسلام و روان‌شناسی*، شماره ۱۳، سال هفتم، ص ۶۷-۹۴.
- کریمی، مصطفی (۱۳۹۳)، «ویژگی‌های کار و تولید در سیره‌ی امام علی علیه السلام»، *فصلنامه علمی-تخصصی فرهنگ پژوهش*، شماره ۱۹، ص ۹-۴۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- لامعی، بی بی عفت؛ سپهری شاملو، زهره و آقا محمدیان شعرباف، حمیدرضا (۱۳۹۳)، «بررسی ارتباط ساختار انگیزشی و اهمال کاری تحصیلی در دانشجویان کارشناسی شاهد دانشگاه فردوسی مشهد»، *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۴(۱)، ص ۵۵-۷۰.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دارالحدیث، چاپ اول.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر؛ عطاردی قوچانی، عزیزالله (۱۳۷۸)، *ایمان و کفر*، تهران: انتشارات عطارد.
- محمودشاهی، زهرا؛ شمشیری، بابک (۱۳۹۲)، *مفهوم اخلاص از منظر آموزه‌های اسلامی و تلویحات تربیتی آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه شیراز.
- مشکینی، علی (۱۳۷۴)، *دروس فی الاخلاق*، قم: انتشارات الهادی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۲)، *اخلاق در قرآن*، تهران: امیرکبیر.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۷)، «اخلاق و عرفان اسلامی»، *معرفت*، سال هفدهم، شماره ۱۳۴، ص ۵-۱۲.
- مظاهری، حسین (۱۳۷۷)، *در ساحل سپیده اخلاص*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نراقی، احمد (۱۳۷۸)، *معراج السعاده*، قم: انتشارات هجرت.

- ورام بن ابی الفارس (۱۴۱۰ ق)، *مجموعه ورام*، قم: مکتبه فقیه.
- ورام، مسعود بن عیسی (۱۳۶۹)، *مجموعه ورام: آداب و اخلاق در اسلام*، (محمد رضا عطایی، مترجم)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- وولف، دیوید ام (۱۳۸۶)، *روان‌شناسی دین*، (محمد دهقانی، مترجم) تهران: رشد.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1985). *Intrinsic motivation and self determination in human behavior*. New York: Springer.
- Maltby, J., Lewis, C. A. & Day, L. (1999). Religious orientation and psychological well-being: The role of the frequency of personal prayer. *British Journal of Health Psychology*, 4, 363-378. 665.
- Diener, E. lucas, R.E.& Oishi, S.(2002). Subjective well-being. In R.C. Snyder, & S. J. Lopez (Ed.), *Handbook of positive psychology*. Oxford: Oxford University Press.

# اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال هفتم، شماره دوم، پایانی ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (ص ۱۱۷-۱۴۰)

## بررسی رابطه بین دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری با سلامت روان دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم (شهر نیشابور)

### Investigating The Relationship Between Religiosity, believe's the Resurrection and Responsibility with high school student's mental health in Neyshaboer City.

علی اصغر جلیلی کیا / کارشناس ارشد مشاوره مدرسه، گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران.  
محبوبه ثابت ایمانی / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه فنی و حرفه‌ای نیشابور، ایران.

**Ali asghar Jalilikia** / Senior expert in school counseling, Department of Psychology and Counseling, Qochan Branch, Islamic Azad University, Qochan, Iran. [aliasgharjalilikia@yahoo.com](mailto:aliasgharjalilikia@yahoo.com)

**Mahboobeh Sabete Imani** / Assistant Professor, Department of Psychology, Neishabur Technical and Vocational University, Iran.

#### Abstract

The purpose of the current study was checking the predictive role of Religiosity, believe's the Resurrection and Responsibility for high school student's mental health in Neyshaboer City. The design of current study was Correlation and The statistical population includes the kidney students of Neyshaboer's high school in the academic year 2017/2018-. That Among them, 122 students were selected as a statistical sample by multi-stage cluster sampling method. We use Glock and Stark's Religiosity Questionnaire, Ebrahimi and Bahrami Ehsun's Resurrection's believe Questionnaire, Ne'mati s youth Responsibility Questionnaire and General Health Questionnaire (GHQ) as a Measerement Tools in the current study.

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری بر سلامت روان دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوره دوم شهر نیشابور می‌باشد. طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوره دوم شهر نیشابور در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ بود که از میان آنها ۱۲۲ دانش‌آموز به‌عنوان نمونه آماری به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه دین‌داری گلاک و استارک، مقیاس آخرت‌نگری، پرسشنامه مسئولیت‌پذیری نوجوانان و پرسشنامه سلامت عمومی می‌باشند. یافته‌های پژوهش نشان

The result's of study Showed That There is a positive and significant relationship between predictor variables and mental health ( $p < 0.01$ ). The correlation coefficients between religiosity and mental health were 0.267, between believe's the Resurrection and mental health were 0.337 and between responsibility and mental health were 0.337. Also, among the predictor variables, the responsibility variable was able to play a significant predictive role for mental health ( $B = 0.349$ ). In the discussion and conclusion of the present study, these relationships are explained.

**Keyword:** religiosity, believe's the Resurrection, responsibility, mental health.

داد که بین متغیرهای پیش‌بین با سلامت روان رابطه مثبت و معناداری ( $p < 0.01$ ) وجود دارد که ضرایب همبستگی بین دین‌داری و سلامت روان ۰/۲۶۷، بین آخرت‌نگری و سلامت روان ۰/۳۳۷ و بین مسئولیت‌پذیری و سلامت روان ۰/۳۳۷ محاسبه شد. همچنین از بین متغیرهای پیش‌بین، متغیر مسئولیت‌پذیری توانست به‌طور معناداری نقش پیش‌بینی‌کنندگی را برای سلامت روان ایفا کند ( $B = 0.349$ ). در قسمت بحث و نتیجه‌گیری پژوهش حاضر، به تبیین این روابط پرداخته شده است.

**کلید واژه‌ها:** دین‌داری، آخرت‌نگری، مسئولیت‌پذیری، سلامت روان.

## مقدمه

در جهان امروز، سلامت روان اهمیت بسیاری دارد و به‌عنوان یکی از ابعاد مهم سلامتی مورد توجه قرار گرفته است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۷، به نقل از قدرتی میرکوهی و خرمایی، ۱۳۸۹). در سال‌های اولیه سلامت به‌عنوان عدم وجود بیماری تعریف می‌شده است و سپس سازمان بهداشت جهانی تعریف را به «حالت رفاه کامل جسمی، ذهنی و اجتماعی و نه صرفاً عدم وجود بیماری یا ضعف» گسترش داد (هالین و همکاران، ۲۰۱۷، سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۶، ۲۰۱۶ به نقل از هالین و همکاران، ۲۰۱۷)؛ این سازمان معتقد است سلامت عمومی (روانی) حالتی از رفاه است که هر فرد بتواند توانایی‌هایش را بازشناسد و استعدادهای بالقوه خودش را تحقق ببخشد، با استرس‌های معمول در زندگی تطابق حاصل کند، در حیطه کاری و تحصیلی خود، مفید و سازنده باشد و به‌عنوان عضوی از جامعه با دیگران همکاری و مشارکت داشته باشد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۳، به نقل از روشنگر وصالی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۶، به نقل از رستمی و همکاران، ۱۳۹۶). فلدمن و گام (۲۰۰۷) معتقدند که معمولاً افرادی که از نظر روانی سالم هستند نسبت به خود آرامش دارند، احساس امنیت می‌کنند، توانایی‌های خود را در حد واقعی ارزیابی می‌نمایند، به خود احترام می‌گذارند، کمبودهای خود را می‌پذیرند، به حقوق دیگران احترام

می‌گذارند، می‌توانند به دیگران علاقه‌مند شوند و آنها را دوست بدارند، می‌توانند احترام و دوستی دیگران را جلب نمایند، می‌توانند نیازهای خود را برآورده سازند و برای دشواری‌هایی که در زندگی آنها پیش می‌آید راه‌حل پیدا کنند، آنها قادرند خود بیندیشند و تصمیم بگیرند، می‌توانند مسئولیت روزمره خود را با برگزیدن اهداف معقول به انجام برسانند، انعطاف‌پذیرند و به گونه‌ای منفی تحت تأثیر عواطف، ترس، خشم، عشق یا گناه خود قرار نمی‌گیرند (به نقل از ذبیحی حصاری، ۱۳۹۶). در عصر حاضر با توجه به امکانات موجود، انسان باید در رفاه و آسایش به سر برد؛ اما ملاحظه می‌شود که موازات پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی - اجتماعی، نابسامانی‌های روانی در حال گسترش است و پزومردگی، افسردگی، احساس عدم نشاط، اضطراب، غمگینی و دل‌مردگی از پدیده‌های وحشتناک عصر ماست به طوری که افزایش آمار بیماران روانی و توسعه روزافزون بیمارستان‌های اعصاب و روان، دلیل روشنی برای این موضوع به شمار می‌آید (طاهری، ۱۳۸۴؛ بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱؛ امامی، ۱۳۷۷، به نقل از طاهری، ۱۳۸۴) و طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی، در طی سه دهه بعدی اختلالات روان‌پریشی شایع‌ترین علل معلولیت و مرگ زودرس می‌باشد (نوربالا و همکاران، ۲۰۱۲، به نقل از مهرلویی و همکاران، ۲۰۱۴). با توجه به اهمیت سلامت روان، در ادامه به عوامل مؤثر بر سلامت روان می‌پردازیم.

دین و دین‌داری می‌تواند از عوامل مرتبط با سلامت روان باشد؛ نتایج پژوهش فیروزی و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که اعتقادات دینی و مذهبی قوی‌تر موجب ارتقاء سلامت روان دانش‌آموزان می‌شود. نتایج پژوهش احمدی پور (۱۳۹۳) نیز نشان داد که بین مؤلفه‌های نگرش مذهبی و دین‌داری با سلامت عمومی نوجوانان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و دین‌داری می‌تواند یک عامل مهم در شکل‌گیری سلامت عمومی باشد.

در تعریف دین آیت‌الله جوادی‌آملی (۱۳۷۷) با استفاده از آیات و روایات، دین را از نظر لغوی انقیاد، خضوع، پیروی، اطاعت، تسلیم و جزا معرفی می‌کند و آن را متشکل از مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی می‌داند که هدف آن اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌هاست (به نقل از خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۹). دین‌داری یا تدین، ناظر بر پذیرش دین توسط انسان‌هاست. در واقع دین‌داری صفت و حالت انسان درباره دین است و به معنای برخورداری از شناخت و باور به پروردگار یکتا، انبیاء، آخرت و احکام الهی و داشتن عواطف نسبت به خدا، اولیاء و بندگان خدا و التزام و عمل به وظایف برای تقرب به خداوند می‌باشد (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۴).

کوئینگ (۲۰۰۴)، به نقل از فتحی و امرانی، (۱۳۹۵) بیان می‌کند: مذهب باعث ایجاد نگرش مثبت درباره دنیا می‌شود و فرد را در مقابل رویدادهای ناگوار زندگی یاری می‌رساند؛ به زندگی فرد معنا و هدف می‌دهد، باعث افزایش توانایی فرد در انجام دادن کارها می‌شود، باعث برخورداری فرد از حمایت اجتماعی بیشتر می‌شود، افراد مذهبی با حوادث آسیب‌زای زندگی که پذیرفتنی نیست راحت‌تر سازگار می‌شوند، احساس آزادی شخصی بیشتری نسبت به دیگران می‌کنند، وابستگی عاطفی کمتری نسبت به اطرافیان دارند و از شخصیت‌های دینی مقاوم‌الگوبرداری می‌کنند، که این مسئله باعث افزایش تحمل و پذیرش موقعیت‌های تغییرناپذیر در آنها می‌شود. افراد مذهبی از الگوی تصمیم‌گیری خاصی استفاده می‌کنند و این الگو فرد را در جهت افزایش تصمیم‌گیری‌های مفید برای اطرافیان و خود و همچنین کاهش تصمیم‌گیری‌های خود مخرب سوق می‌دهد و این امر تا حدی از شدت تنش‌ها در زندگی می‌کاهد؛ سرانجام اینکه احساس کنترل در افراد مذهبی به واسطه دعا کردن ایجاد می‌شود. زیمر و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند که شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه مذهبی بودن با زندگی طولانی‌تر همراه است و افراد مذهبی سلامت جسمی و روحی بهتری دارند (زیمر و همکاران، ۲۰۱۶).

در این راستا، باور به آخرت یکی از عناصر اصلی ادیان الهی است و عمل بر طبق این باور دارای نقش مهم می‌باشد (ابراهیمی و بهرامی احسان، ۱۳۹۱). ایمان به آخرت شرط مسلمانی است، یعنی اگر کسی این ایمان را از دست بدهد و انکار کند، از زمره مسلمانان خارج شده است. در قرآن کریم به صدها آیه بر می‌خوریم که به نحوی از مسائلی که به عالم پس از مرگ مربوط می‌شود، بحث کرده است (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۷ و ۸). آخرت‌نگری به معنی ایمان و اعتقاد به اصل معاد و اینکه همه انسان‌هایی که در این جهان به دنیا آمده‌اند، بعد از مدتی زندگی در این عالم می‌میرند، همگی در جهان دیگری زنده شده و در قیامت در دادگاه عدل الهی حضور یافته و پس از رسیدگی به اعمال و رفتار آنها در دنیا، در بهشت و سعادت جاودانه یا در دوزخ خشم و غضب الهی همیشه خواهند بود (اسلام‌پور کریمی، ۱۳۸۸؛ ابراهیمی، ۱۳۸۷).

نتایج پژوهش رضایی (۱۳۹۳) نشان داد با شناخت درست از مرگ و زندگی پس از مرگ (معاد) و ایمان به آن، آرامش روانی و امنیت خاطر برای معادباوران حاصل خواهد شد (رضایی، ۱۳۹۳). باورهای آخرت‌نگرانه با این پیش‌فرض که هدف نهایی از زندگی انسان، حیات اخروی اوست و زندگی دنیا تنها مقدمه و کشتزاری برای آن زندگی جاودان است، از



سویی، در دادن معنا و مفهوم به زندگی انسان و نجات او از پوچی و از سوی دیگر، با تغییر شناخت انسان از مرگ و ارضای صحیح انگیزه بقاء و نیز با ارائه مفهوم پاداش و جبران سختی‌ها می‌تواند در بهزیستی روانی فرد و جامعه نقش مؤثری داشته باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر، انسان‌های با اخلاق و حساس به مسائل اجتماعی، فرهنگی و محیطی، انسان‌های مسئولیت‌پذیری می‌باشند (قنبری و همکاران، ۱۳۹۴). مسئولیت‌پذیری انسان در قبال مسائل مختلف تاریخچه‌ای به قدمت خلقت انسان دارد. از همان لحظه که به امر پروردگار، روح الهی در جسم انسان دمیده شد و مسجود ملائکه گردید، انسان در برابر خالق بی‌همتای خود، در برابر نفس خود و جهان اطراف خود، رسالت عظیم خلیفه الهی و دیگر مسئولیت‌های بزرگ را متقبل گردید (قائمیه، ۱۳۸۵، به نقل از داداشی کلایی، ۱۳۹۵، ص ۲). به اعتقاد سروش (۲۰۱۲)، به نقل از حکیم‌زاده اردکانی و همکاران، (۱۳۹۵) معمولاً شاخص‌های مرتبط با مسئولیت‌پذیری با مواردی همچون موفقیت در کار، عملکرد تحصیلی، سلامت روان، کیفیت روابط دوستانه نزدیک و رفتارهای سلامتی همبسته با طول عمر درهم آمیخته است.

به اعتقاد شارف (۲۰۰۸)، به نقل از حکیم‌زاده اردکانی و همکاران، (۱۳۹۵) مسئولیت‌پذیری یعنی قابلیت پذیرش، پاسخگویی یا برعهده گرفتن کاری که از کسی درخواست می‌شود و شخص حق دارد آن را بپذیرد یا رد کند.

هاوتن (۲۰۰۴) معتقد است افراد مسئول، در کنترل عواطف منفی و جرأت‌ورزی مثبت و استقلال عاطفی موفق هستند و با خودکنترلی، کفایت شخصی بیشتری به دست می‌آورند، همچنین بین رشد اجتماعی، ادراک لیاقت و مسئولیت رابطه وجود دارد (به نقل از معصومی و بزازیان، ۱۳۹۳). در واقع بی‌مسئولیتی، موجب ناتوانی در برقراری روابط سالم و محبت‌آمیز با دیگران، ناتوانی در تصمیم‌گیری، شکست‌های پیاپی تحصیلی، ترک تحصیل و مهم‌تر از همه روی آوردن به مصرف مواد مخدر و نوشیدنی‌های الکلی، پرخاشگری و بزهکاری خواهد شد (وایت، ۲۰۰۳، به نقل از خدیوی و الهی، ۱۳۹۲).

پژوهش‌های متعددی در رابطه با موضوع پژوهش حاضر انجام شده است، که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

نتایج پژوهش نظامی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد بین دلبستگی به خدا و مؤلفه‌های سلامت روان (علائم جسمانی، اضطراب و بی‌خوابی، نارساکنش‌وری اجتماعی و افسردگی)

رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش درویشی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که بین گرایش مذهبی و اعتقادات مذهبی با سلامت روان دانشجویان رابطه مثبت وجود دارد. یافته‌های پژوهش پروندی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که بین امیدواری و جهت‌گیری مذهبی درونی با مؤلفه‌های سلامت روان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ و میان جهت‌گیری مذهبی بیرونی با مؤلفه‌های سلامت روان نیز رابطه‌ای مستقیم و معناداری وجود دارد. بختیاری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که زیارت به کاهش اضطراب و نگرانی و همچنین افزایش عملکرد اجتماعی و معنا در زندگی منجر می‌شود.

نتایج پژوهش گلپاشا و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد بین نگرش و باور به مرگ و جهان پس از مرگ و سلامت روان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش ابراهیمی و بهرامی احسان (۱۳۹۰) نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری بین نمره کل مقیاس آخرت‌نگری با نمره کل مقیاس سلامت و نیز نمره زیر مقیاس سلامت روان وجود دارد. یافته‌های پژوهش اکبری و فتحی آشتیانی (۱۳۸۸) نشانگر رابطه منفی و معنادار بین دنیاگرایی و سلامت عمومی می‌باشد. ابراهیمی (۱۳۸۷) در پژوهش خود نشان داد که باورهای آخرت‌نگرانه و التزام به آنها، از جوانب مختلف می‌تواند به سلامت و بهزیستی روانی افراد کمک کند.

نتایج پژوهش قنبری و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد بین سلامت روان با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان رابطه معنادار و با جهت مثبت وجود دارد. عیسی‌مراد و جماعت‌لو (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان دادند بین متغیر مسئولیت‌پذیری و مؤلفه‌های سلامت روان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. یافته‌های پژوهش عبدی (۱۳۹۰)، به نقل از عیسی‌مراد و جماعت‌لو، (۱۳۹۱) نشان داد، بین مسئولیت‌پذیری و رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج تحقیقات سالیوان (۲۰۱۰)، به نقل از فنلون و دانلیسن، (۲۰۱۶) نشان داد که افراد مذهبی نسبت به افراد غیر مذهبی دارای سلامتی بسیار بالاتری هستند و تمایل به زندگی طولانی‌تری نسبت به افراد غیر مذهبی از خود نشان می‌دهند. نتایج تحقیقات لورپرو و همکاران (۲۰۱۸) نشان داد که اعتقادات معنوی و مذهبی باعث کاهش خطر ابتلاء به خودکشی و افزایش سلامت روانی در میان بیماران همودیلایز می‌شود. نتایج پژوهش هاسنویک و پاچویک (۲۰۱۰)، به نقل از صولتی و همکاران، (۱۳۹۰) نشان داد بین باورهای اخلاقی و مذهبی با علائم شدید اختلال استرس پس از سانحه، افسردگی، اضطراب و سوء

مصرف الکل و توتون، همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. نتایج تحقیقات چیلدز و الیسون (۲۰۱۰ و ۱۹۹۱، به نقل از فنلون و دانیلسن، ۲۰۱۶) نشان داد که افراد مذهبی از افراد غیر مذهبی شادترند. در مطالعه فلانلی و همکارانش (۲۰۰۸)، به نقل از ابراهیمی و بهرامی، (۱۳۹۱) رابطه بین باور خوشایند به زندگی پس از مرگ و برخی اختلالات روان‌پزشکی بررسی شده است، نتایج نشان داد که بین باور به زندگی پس از مرگ با افسردگی، اضطراب و وسواس، رابطه منفی معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش لیزا ساند (۲۰۰۸)، به نقل از شعاع کاظمی و سعادت، (۱۳۸۹) نشان داد آموزش «مسئولیت و آزادی و ارزش» و کاربرد آنان، تسکین دهنده آلام و کاهش دهنده استرس بیماران سرطانی می‌باشد. هایس (۲۰۰۲)، به نقل از عیسی مراد و جماعت‌لو، (۱۳۹۱) معتقد است که مسئولیت‌پذیری اهمیت فراوانی دارد، زیرا می‌تواند عامل پیش‌بینی‌کننده خوشحالی و شادی باشد، افراد با نمره بالا در مسئولیت‌پذیری، تمایل بیشتری برای عملکرد مؤثر در جامعه دارند، روابط گرم و عاطفی با دیگران برقرار می‌کنند، واقعیت‌ها را می‌پذیرند و ادراک درستی از آن دارند. به نوبه خود کارایی در رسیدن به اهداف، منجر به سلامت روان می‌شود.

از سوی دیگر دوران نوجوانی مقطع بسیار حساس از زندگی است که در آن هر فردی با تغییرات گسترده شناختی و ساختاری روبه‌رو است، به طوری که از این دوران به عنوان دوران بحران، طوفان، استرس، دوران تولد دوباره، هویت‌طلبی و جز آن یاد کرده‌اند (سلامی و همکاران، ۱۹۹۹، به نقل از شادور و پاشا، ۱۳۹۳). چه بسیار افرادی که در همان مراحل ابتدایی تحصیلات دبیرستان به دلیل استرس‌های روانی و متعاقب آن ابتلای به بیماری‌های روانی از تحصیل کناره گرفتند و یا عده‌ای پس از ورود به دانشگاه به دلیل مشکلات روانی که از سال‌های قبل داشته‌اند، دچار کاهش بازده فکری و عملی شده و یا پس از فراغت از تحصیلات، سلامت روانی آنها به خطر افتاده است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۲). بنابراین با توجه به اهمیت بسیار زیاد دوره نوجوانی و سلامت روان نوجوانان، ما در این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر هستیم:

- ۱) آیا بین دین‌داری و سلامت روان دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟
- ۲) آیا بین آخرت‌نگری و سلامت روان دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟
- ۳) آیا بین مسئولیت‌پذیری و سلامت روان دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟
- ۴) آیا دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری پیش‌بینی‌کننده سلامت روان دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر نیشابور می‌باشند؟

## روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی و جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر مقطع متوسطه دوم شهر نیشابور در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ می‌باشد، که شامل ۱۰۵۰۰ دانش‌آموز است. حجم نمونه پژوهش حاضر، ۱۲۲ نفر بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی که شامل روش همبستگی گشتاوری پیرسون و روش رگرسیون چند متغیری می‌باشد، استفاده شده است. همچنین در تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss۲۱ کمک گرفته شد.

## ابزارهای پژوهش:

### پرسشنامه دین‌داری:

برای سنجش دین‌داری از پرسشنامه دین‌داری گلاک و استارک (۱۹۶۵) استفاده شد. این پرسشنامه از ابعاد اعتقادی، مناسکی، تجربی، فکری و پیامدی تشکیل شده است (سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۰، به نقل از شایگان، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه آموزش همگانی و رسمی دانش دینی در نظام آموزشی ایران صورت می‌گیرد، بعد فکری یا دانش دینی نمی‌تواند معرف دقیقی برای سنجش دین‌داری باشد (سراج‌زاده، ۱۳۸۳، به نقل از سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۷)، پس در پژوهش حاضر، پرسشنامه دین‌داری بدون احتساب بعد فکری، شامل ۲۶ گویه می‌باشد. این پرسشنامه به صورت مقیاس لیکریت ۵ درجه ای (۴-۰) می‌باشد (پایگاه تخصصی تحلیل آماری و داده‌پردازی). اعتبار معیار این پرسشنامه ۱/۴۹ و ضریب آلفایی کرونباخ این پرسشنامه ۰/۹ محاسبه شده است، که نشان‌دهنده ضریب پایایی بسیار بالا و رضایت‌بخش آن می‌باشد. پایایی این پرسشنامه به روش دونیم‌سازی ۰/۶۴ محاسبه شده است (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۷).

### پرسشنامه آخرت‌نگری:

مقیاس آخرت‌نگری توسط ابراهیمی و بهرامی احسان (۱۳۹۰) با استفاده از منابع اسلامی و اصول روان‌شناسی تهیه شده است (ابراهیمی و بهرامی احسان، ۱۳۹۱). این پرسشنامه از ۴۰ ماده و ۵ بعد آمادگی، تکلیف‌گریزی، آخرت‌محوری، تعالی و لذت‌جویی تشکیل شده است (منظری توکلی و همکاران، ۱۳۹۱). این مقیاس از ۵ گزینه تشکیل شده است، و به هر گزینه نمرات صفر تا چهار تعلق می‌گیرد (ابراهیمی و بهرامی احسان، ۱۳۹۰). در پژوهش ابراهیمی و بهرامی احسان (۱۳۹۱) برای بررسی اعتبار مقیاس آخرت‌نگری، از روش آلفای

کرونباخ استفاده شد؛ ضریب اعتماد آزمون آخرت‌نگری، برای کل آزمون ۰/۸۵، برای فرم بتا ۰/۸۷ و در آزمون‌های فرعی، برای تکلیف‌گریزی ۰/۵۲، آمادگی ۰/۷۲، آخرت‌محوری ۰/۷۹، تعالی ۰/۶۵ و لذت‌جویی ۰/۶۷ بوده است. ارزیابی نظرات کارشناسان خبره مذهبی نشان داد آزمون مربوطه دارای روایی محتوایی قابل توجه است. در بررسی روایی سازه این آزمون، همبستگی نمره کل با خرده آزمون آمادگی ۰/۸۱، با آخرت‌محوری ۰/۶۱، با تعالی ۰/۶۲، با تکلیف‌گریزی ۰/۷۲ و با لذت‌جویی ۰/۴۵ محاسبه شد (ابراهیمی و بهرامی احسان، ۱۳۹۱).

### پرسشنامه مسئولیت‌پذیری نوجوانان:

این پرسشنامه را نعمتی (۱۳۸۶) زیر نظر کرمی ساخته و هنجاریابی کرده است؛ که شامل ۵۰ سؤال و هفت بعد می‌باشد. روش نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس لیکریت ۵ درجه‌ای تنظیم شده است (زرین جوی الوار و فیاض، ۱۳۹۶). در پژوهش حیاتی و فاطمی عقدا (۱۳۹۶) ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد خودمدیریتی ۰/۸۱، نظم‌پذیری ۰/۹۱، قانون‌مندی ۰/۸۵، امانتداری ۰/۷۹، وظیفه‌شناسی ۰/۷۳، سازمان‌یافتگی ۰/۸۶، پیشرفت‌گرایی ۰/۷۶ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۶ به دست آمد که همه نشان‌دهنده پایایی مطلوب و مناسب آزمون است. در پژوهش نعمتی (۱۳۸۶)، به نقل از حیاتی و فاطمی عقدا، (۱۳۹۶) برای تعیین روایی سازه از روش‌های تحلیل عاملی و تفاوت‌های گروهی استفاده شده است. نتایج نشان داده که آزمون از ۷ عامل تشکیل شده و اشتراک سوال‌ها بین ۰/۴۸ و ۰/۸ و اکثراً بالا بوده است. بررسی روایی سازه از طریق تفاوت‌های گروهی با مسئولیت‌پذیری بالا و پایین نیز، تفاوت معناداری را در تمامی هفت عامل ذکر شده نشان داد و این نشان‌دهنده روایی سازه بالای این پرسشنامه می‌باشد.

### پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ):

فرم ۲۸ سوالی پرسشنامه سلامت عمومی، توسط گلدبرگ و هیلر در سال ۱۹۷۹ تدوین یافته که در برگزیده ۴ مقیاس علائم جسمانی، اضطراب و اختلال خواب، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی شدید می‌باشد (گلدبرگ و هیلر، ۱۹۷۹، به نقل از نوربالا و همکاران، ۱۳۸۷). نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت مقیاس لیکریت می‌باشد و به هر پاسخ نمره صفر تا سه اختصاص داده می‌شود (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۲). پژوهش‌های زیادی در سطح جهان در زمینه بررسی اعتبار و روایی پرسش‌نامه سلامت عمومی انجام شده است، از آن میان می‌توان به پژوهش نظیفی (۱۳۹۲) اشاره کرد. در این پژوهش ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های نشانه‌های جسمانی ۰/۸۶۵، اضطراب و بی‌خوابی ۰/۸۸۳، نارسایی

کارکرد اجتماعی ۰/۷۴۶، افسردگی شدید ۰/۸۹۷ و برای مقیاس کلی ۰/۹۲۳ محاسبه شد. در تحلیل عاملی، شاخص KMO مساوی با ۰/۸۶۹ بود و این چهار عامل ۶۰٪ از واریانس کلی را تبیین کردند. اکثر سوال‌های نسخه فارسی، از همبستگی قابل قبولی با خرده مقیاس‌های مربوط به خود و مقیاس کلی سلامت عمومی برخوردار می‌باشند (نظیفی، ۱۳۹۲).

### یافته‌های پژوهش

در جدول زیر اطلاعات مربوط به میانگین و انحراف معیار متغیرهای دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری و ضرایب همبستگی بین این متغیرها با متغیر سلامت روان آمده است.

جدول شماره ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری و ضرایب

همبستگی بین این متغیرها با سلامت روان

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	مقدار ضریب	سطح معناداری
دین‌داری	۶۶/۳۴	۱۶/۷۵	-۰/۲۶۷	۰/۰۰۳
آخرت‌نگری	۹۶/۷۱	۲۰/۶۰	-۰/۳۳۷	۰/۰۰۱
مسئولیت‌پذیری	۱۸۴/۷۳	۲۴/۷۵	-۰/۳۳۷	۰/۰۰۱
سلامت روان	۲۲/۰۶	۱۳/۱۴	-	-

همین‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، در سطح معناداری ( $P < 0/01$ ) ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای دین‌داری با سلامت روان  $-0/267$ ، بین متغیرهای آخرت‌نگری با سلامت روان  $-0/337$  و بین متغیرهای مسئولیت‌پذیری با سلامت روان  $-0/337$  محاسبه شده است، بنابراین می‌توان بیان کرد که بین متغیرهای دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری با سلامت روان رابطه منفی و معنادار وجود دارد، در نتیجه فرضیه‌های جزئی شماره یک، دو و سه تأیید می‌شود. با توجه به اینکه در متغیر سلامت روان کاهش نمره به معنی بهبود سلامت روان است، پس با افزایش دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری، سطح سلامت روان بهبود می‌یابد.

برای آزمون فرضیه کلی پژوهش که عبارت است از "دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری پیش‌بینی‌کننده سلامت روان دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر نیشابور می‌باشد" از روش آماری تحلیل رگرسیون چند متغیره و روش ورود همزمان متغیرها استفاده شده است. نتایج به شرح جداول زیر می‌باشد.

جدول شماره ۲: ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین برای فرضیه کلی تحقیق

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	دوربین واتسون
۱	۰/۴۲۴	۰/۱۸۰	۰/۱۵۹	۱/۷۴۳

پیش‌بینی‌کننده: (ثابت)، دین داری، مسئولیت‌پذیری، آخرت‌نگری

متغیر ملاک: سلامت روان

همین‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، ضریب تعیین ۰/۱۸ محاسبه شده است، بنابراین می‌توان بیان نمود که متغیرهای پیش‌بین "دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری" قادر به تبیین و پیش‌بینی ۱۸٪ از تغییرات سلامت روان به عنوان متغیر ملاک می‌باشند. همچنین در جدول فوق ضریب تعیین تعدیل یافته ۰/۱۵۹ محاسبه شده است؛ که این ضریب با اضافه شدن متغیرهای مستقل تغییری نمی‌کند، و نسبت به ضریب تعیین حقیقی‌تر می‌باشد.

جدول شماره ۳: تحلیل واریانس، ضرایب استاندارد شده و ضرایب استاندارد نشده، آماره آزمون و

سطوح معناداری مربوط به پیش‌بینی سلامت روان بر مبنای متغیرهای پیش‌بین

سطح معناداری	آماره تی	ضرایب بتای استاندارد	ضرایب استاندارد نشده		سطح معناداری B	آماره فیشر	مدل
				Std. Error			
۰/۰۰۱	۷/۵۵۷		۸/۲۹۸	۶۲/۷۰۷	۰/۰۰۱	۸/۶۳۳	ثابت
۰/۰۰۳	-۰/۵۲۲	-۰/۰۷۴	۰/۰۹۱	-۰/۰۴۷			آخرت‌نگری
۰/۰۰۳	-۳/۰۶۷	-۰/۳۴۹	۰/۰۶۰	-۰/۱۸۵			مسئولیت‌پذیری
۰/۷۷۱	-۰/۲۹۲	-۰/۰۳۵	۰/۰۹۵	-۰/۰۲۸			دین‌داری

a متغیر ملاک: سلامت روان

همین‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، با توجه به مقدار محاسبه شده آماره فیشر در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱، می‌توان بیان کرد که متغیرهای پیش‌بین مرکب از "دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری" مدل مقبولی می‌باشند. از سوی دیگر همین‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود متغیر مسئولیت‌پذیری به‌طور معنادار ( $P < 0/05$ ) قادر به پیش‌بینی تغییرات سلامت روان می‌باشد. در این جدول ضریب بتای استاندارد

متغیر مسئولیت‌پذیری ۰/۳۴۹- محاسبه شده است که این عدد نشان می‌دهد ۰/۳۴۹- از تغییرات متغیر ملاک توسط متغیر مسئولیت‌پذیری به صورت معنادار پیش‌بینی می‌شود. پس معادله رگرسیونی متغیر مسئولیت‌پذیری به صورت زیر است:

### مسئولیت‌پذیری \* ۰/۳۴۹- = سلامت روان دانش‌آموزان

ضریب بتای استاندارد شده ( $\beta$ ) درباره سهم هر یک از متغیرها در پیش‌بینی متغیر ملاک (بر حسب انحراف استاندارد) می‌باشد؛ و به دلیل این‌که در متغیر سلامت روان کاهش نمره به معنی بهبود سلامت روان می‌باشد، پس با افزایش مسئولیت‌پذیری، سلامت روان نیز بهبود می‌یابد.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد بین متغیر دین‌داری با مؤلفه‌های سلامت روان (علائم جسمانی، اضطراب و اختلال خواب، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی شدید) رابطه منفی و معنادار وجود دارد، این نتیجه همسو با نتایج تحقیقات نظامی و همکاران (۱۳۹۶)، پروندی و همکاران (۱۳۹۶)، درویشی و همکاران (۱۳۹۶)، بختیاری و همکاران (۱۳۹۶)، احمدی‌پور (۱۳۹۳)، فیروزی و همکاران (۱۳۹۲)، لوریو و همکاران (۲۰۱۸)، چیلدز و ایسون (۲۰۱۰ و ۱۹۹۱)، به نقل از فنلون و دانیلسن، (۲۰۱۶)، سالیوان (۲۰۱۰)، به نقل از فنلون و دانیلسن، (۲۰۱۶) و هاسنویک و پاچویک (۲۰۱۰)، به نقل از صولتی و همکاران، (۱۳۹۰) می‌باشد. در تبیین رابطه متغیرهای دین‌داری و سلامت روان، درابتدا به آیه ای از قرآن کریم اشاره می‌کنیم: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»: آگاه باشید دل‌ها فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد (رعد: ۲۸). در واقع کارکرد دین فقط اصلاح آخرت نیست، بلکه تأمین سعادت دنیوی و اخروی بشر می‌باشد (آیت‌الله مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰) که برخورداری یک فرد از سلامت روان مصداق بارز سعادت دنیا است.

کروز (۲۰۰۳)، به نقل از فتحی و امرانی، (۱۳۹۶) معتقد است که دین چهره جهان را در نظر فرد دین‌دار دگرگون می‌سازد و طرز تلقی او را از خود، خلقت و رویدادهای پیرامون تغییر می‌دهد. فرد دین‌دار خود را تحت حمایت و لطف همه‌جانبه خداوند، یعنی بزرگترین نیروی موجود در هستی می‌بیند، بدین ترتیب احساس اطمینان و آرامش و لذت معنوی عمیقی



به وی دست می‌دهد. او خداوند را منشأ خیر و برکت می‌داند بنابراین در نظر این چنین فردی همه رویدادها و حتی بلاها و مصائب، نعمت و آزمایش از جانب خداوند تلقی می‌شود. چنین فردی به واسطه ناملایمات و ناکامی‌های زندگی دچار ناامیدی و اضطراب نمی‌گردد، زیرا خداوند را حامی خویش می‌داند، او اطمینان دارد که این حوادث و رویدادها در پیشگاه خداوند متعال فراموش شدنی نیست و او یاداش صبر خود را خواهد گرفت.

بینگر (۱۹۹۶)، به نقل از مهری نژاد و شریفی، (۱۳۹۵) معتقد است با تکیه بر کارکرد دین در پاسخ‌دهی به مسائل بشری، شاهد رفع اضطراب و کاهش نگرانی‌های انسان به دلیل گم شدن در مسیر و در نتیجه بی‌عملی او هستیم. در واقع دین با ارائه کارکرد سه‌گانه تعیین وضعیت کنونی فرد و اجتماع، هدف‌نهایی و شناخت مسیر، کارکرد آرامش‌بخشی و حذف اضطراب را در افراد ایفا می‌کند، همچنین نظم موجود را از طریق معنا‌بخشی و مشروع‌سازی هنجارهای اجتماعی، تثبیت می‌کند و موجب رضایت از زندگی در فرد می‌شود.

درباره نقش اعمال و فرایض دینی بر سلامت روان در حدیثی از پیامبر ﷺ آمده است که هنگام فرا رسیدن اوقات نماز می‌فرمود: «ای بلال ما را با نماز به آرامش وادار» (رمضانی زین‌آباد، ۱۳۹۳). مهاتما گاندی رهبر فقید هند نیز در مورد دعا اظهار می‌دارد که اگر دعا و نماز نبود من مدت‌ها قبل دیوانه شده بودم (همان). ربانی و همکاران (۱۳۹۴) معتقدند که انجام اعمال و فرایض دینی به صورت فردی و جمعی علاوه بر ایجاد آرامش و معنویت که در نتیجه نیایش با خداوند حاصل می‌کنند، به دلیل داشتن جنبه اجتماعی موجب نشاط، شادمانی و سرزندگی شده و انسان را از آسیب‌ها و اختلالات روانی مصون می‌دارند (ربانی و همکاران، ۱۳۹۴).

والریت و لاری (۱۹۹۵)، به نقل از فتحی و امرانی، (۱۳۹۵) الگویی عرضه کردند که اعتقادات مذهبی را به سیستم ایمنی، عصبی و روانی پیوند می‌دهد. بر اساس این الگو باورها و نگرش‌های مذهبی در مؤلفه‌های شناختی تأثیر می‌گذارد و این تأثیر می‌تواند از طریق سیستم ایمنی، عصبی و روانی خود را در رفتارهای فرد نشان دهد و منجر به سلامتی، افزایش طول عمر و ... شود.

از دیگر نتایج این پژوهش وجود رابطه منفی و معنادار بین متغیر آخرت‌نگری با مؤلفه‌های سلامت روان می‌باشد؛ این نتیجه همسو با یافته‌های تحقیقات گلپاشا و همکاران (۱۳۹۳)، رضایی (۱۳۹۳)، ابراهیمی و بهرامی احسان (۱۳۹۰)، اکبری و فتحی آشتیانی (۱۳۸۸)، ابراهیمی (۱۳۸۷)، فلانلی و همکاران (۲۰۰۸)، به نقل از ابراهیمی و بهرامی

احسان، (۱۳۹۱) می‌باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: "میل به آخرت، سبب بشارت و آسایش است، اما میل به دنیا باعث غم و اندوه است" (ابراهیمی و بهرامی، ۱۳۹۰). در تبیین رابطه آخرت‌نگری و سلامت روان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- شخص آخرت‌نگر باور دارد که اگر به کسی در این دنیا ظلم شود و حقش پایمال گردد و یا هرگونه ستمی به او شود و او در این دنیا نتواند با آن مقابله کند و حق خود را پس بگیرد، در روز قیامت می‌تواند حق خود را استیفا کند و این خود می‌تواند موجب تسلی خاطر برای فرد باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۷).

۲- آخرت‌نگری باعث می‌شود که افراد تلخی و مشکلات زندگی دنیا را برای رسیدن به اهداف عالی‌تر و حیات جاوید و با امید اینکه ثمره و محصول اعمال خود را در عالم پس از مرگ دریافت خواهد کرد، با جان و دل بپذیرند. از این رو زندگی را هدف‌دار و هدف را خیر و سعادت اخروی انسان می‌دانند و به همین دلیل زندگی‌شان معنا و مفهوم می‌یابد و از پوچی نجات می‌یابند (ابراهیمی و بهرامی احسان، ۱۳۹۰)، که این معناداری و نجات از پوچی در بهبود سلامت روان افراد مؤثر است (نیکونژاد و میرشاه جعفری، ۱۳۹۵).

۳- انسان باورمند به معاد، زندگی را محدود به زندگی دنیوی نمی‌داند. اسلام به او می‌آموزد که زندگی دنیا به منزله مقدمه‌ای برای حیات اخروی است. باور به یک وجود دائمی پس از مرگ و پایان زندگی مادی، اولاً منجر به ارضای صحیح انگیزه بقاء می‌شود و ثانیاً، ترس از مرگ را کاهش می‌دهد که هر دوی آنها در سلامت روان مؤثرند (ابراهیمی، ۱۳۸۷).

۴- از پیامدهای انجام دادن اعمال حرام و گناه آسیب‌های روانی - شخصیتی، کاهش عزت نفس و کاهش شادکامی می‌باشد (زارعی توپخانه و یاری شریفی، ۱۳۹۳)؛ حال باورهای آخرت‌نگرانه و اعتقاد به عالم پس از مرگ با تقویت نیروی تقوا در فرد، انسان را از ارتکاب به اعمال گناه و حرام باز می‌دارد (اسلام پورکریمی، ۱۳۸۸) و به این طریق نیز می‌تواند در سلامت روان مؤثر باشد.

۵- از سوی دیگر، از پیامدهای دنیاگرایی و غفلت از آخرت، دل بستن به چیزهایی است که زوال، فنا و اضمحلال در ذات آنها نهفته است و این باعث می‌شود که انسان دنیاگرا همواره با فانی شدن و از دست دادن نعمت‌هایی که در اختیار دارد نگران شود و هیچ‌گاه آرامش پیدا نکند، در صورتی که انسان آخرت‌نگر در کوران حوادث آرامش و اطمینان خود را از دست نمی‌دهند، زیرا تکیه‌گاهی دارد ثابت و ماندگار که همیشه با اوست و تمام اسباب و علل در دست اوست (اکبری و فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸).

۶- از دیگر پیامدهای دنیاگرایی و فراموشی آخرت، غفلت از یاد خدا می‌باشد، و غفلت از یاد خدا باعث اضطراب است (اکبری و فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸). (وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا؛ وهرکس از یاد من اعراض و روی گردانی کند، برای او زندگی تنگ و سختی خواهد بود. طه: ۱۲۴).

نتایج همچنین نشان داد بین متغیر مسئولیت‌پذیری با مؤلفه‌های سلامت روان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این فرضیه تأیید شده همسو با نتایج تحقیقات قنبری و همکاران (۱۳۹۴)، عیسی مراد و جماعت‌لو (۱۳۹۱)، عبدی (۱۳۹۰)، به نقل از عیسی مراد و جماعت‌لو، (۱۳۹۱)، لیزا ساند (۲۰۰۸)، به نقل از شعاع کاظمی و سعادت، (۱۳۸۹) و هایس (۲۰۰۲)، به نقل از عیسی مراد و جماعت‌لو، (۱۳۹۱) می‌باشد.

در تبیین رابطه مسئولیت‌پذیری با سلامت روان می‌توان به کارکردهای مسئولیت‌پذیری اشاره کرد که این کارکردها، باعث بهبود سلامت روان در افراد می‌شود. در ادامه به بیان این کارکردها و نقش آنها در سلامت روان می‌پردازیم:

۱- یکی از کارکردهای مسئولیت‌پذیری، توانایی در برقراری ارتباط مؤثر و مفید با محیط و اطرافیان می‌باشد (شیری و کاظمی، ۱۳۹۳). این برقراری ارتباط صمیمانه با محیط و اطرافیان و ابراز محبت و علاقه به آنها باعث برون‌ریزی عاطفی و ابراز وجود، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و فکری، احساس امنیت، آسودگی و اعتماد، نشاط و شادکامی، احساس آرامش، احساس امید و ارزشمندی و عزت نفس می‌شود که این موارد نقش تعیین‌کننده‌ای در بالا بردن سطح سلامت روانی افراد به عهده دارند (موسوی، ۱۳۸۸).

۲- به اعتقاد نبوی (۱۳۸۷)، به نقل از قنبری و همکاران، (۱۳۹۴) مسئولیت‌پذیری همراه با قبول مسئولیت‌های بزرگتر، عاملی جهت تسریع روند پیشرفت‌های فردی و اجتماعی است. این ویژگی در هر حرفه یا شغلی بر میزان اعتبار اجتماعی شخص می‌افزاید و احساس ارزشمند بودن و عزت نفس را در او می‌آفریند. افرادی که به سطوح بالایی از احترام و عزت نفس از خود دست می‌یابند، می‌توانند سلامت روان بیشتری داشته باشند (مرادی کردلو و مصرآبادی، ۱۳۹۴).

۳- به اعتقاد میشل (۲۰۰۲)، به نقل از عیسی مراد و جماعت‌لو، (۱۳۹۱) پایبندی و التزام به اصول اخلاقی از دیگر آثار و کارکردهای مسئولیت‌پذیری می‌باشد. پایبندی و التزام و تقویت اصول و هنجارهای اخلاقی، فضای روان‌شناختی و ذهنی انسان را بهبود می‌بخشد

و مشکلات روانی را کاهش می‌دهد و زمینه را برای سلامت روانی افراد فراهم می‌کند (احمدپناهی، ۱۳۹۶).

۴- یکی دیگر از کارکردهای مسئولیت‌پذیری، تأثیر آن بر روی شخصیت افراد است، که باعث مقاوم‌تر شدن شخصیت و انجام مراحل بلوغ، تفکیک و انسجام در شخصیت آنها می‌باشد؛ ویژگی‌های شخصیتی علاوه بر اینکه به طور مستقیم بر سلامت روان تأثیر می‌گذارند، به طور غیر مستقیم از طریق تاب‌آوری هم بر سلامت روان تأثیر دارند (شیری و کاظمی، ۱۳۹۳؛ سفیری و چشمه، ۱۳۹۰؛ باقری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴).

در خصوص فرضیه کلی پژوهش، نتایج بیان‌گر این است از بین متغیرهای پیش‌بین، متغیر مسئولیت‌پذیری نقش پیش‌بینی‌کنندگی معناداری را در تبیین تغییرات سلامت روان دارا می‌باشد. این نتیجه همسو با نتایج تحقیقات عیسی‌مراد و جماعت‌لو (۱۳۹۱)، هایس (۲۰۰۲)، به نقل از عیسی‌مراد و جماعت‌لو، (۱۳۹۱) و لیزا ساند (۲۰۰۸)، به نقل از شعاع کاظمی و سعادت، (۱۳۸۹) می‌باشد.

در تبیین نقش پیش‌بینی‌کنندگی مسئولیت‌پذیری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- به اعتقاد رستمیان (۱۳۹۳) مسئولیت‌پذیری به وظیفه‌شناسی در افراد منجر می‌شود؛ و افراد با وظیفه‌شناسی بالا خویشتن دارند، قادر به عملکرد مؤثر در محیط و جامعه هستند و با تلاش هدفمند می‌توانند به موفقیت برسند و به اهدافشان نائل شوند و این وصول به اهداف و موفقیت باعث افزایش شادکامی و بهبود سلامت روان در این افراد می‌شود (رستمیان، ۱۳۹۳؛ معینی و همکاران، ۱۳۹۵؛ دنو و کوپر، ۱۹۹۸، پتلی و توماکا، ۲۰۰۲ و مک کری و کاستا، ۱۹۹۱، به نقل از احدی، ۱۳۸۶ و مغانلو و آگیلار وفایی، ۱۳۸۸).

۲- هایس (۲۰۰۲)، به نقل از عیسی‌مراد و جماعت‌لو، (۱۳۹۱) معتقد است که افراد با نمره بالا در مسئولیت‌پذیری تمایل بیشتری برای عملکرد مؤثر در جامعه دارند و برای رسیدن به اهداف خود با علاقه آنها را دنبال می‌کنند، روابط گرم و عاطفی با دیگران برقرار می‌کنند، واقعیت‌ها را می‌پذیرند و ادراک درستی از آن دارند؛ به نوبه خود کارایی در رسیدن به اهداف، منجر به سلامت روان می‌شود.

۳- لویی (۲۰۰۷)، به نقل از قنبری و همکاران، (۱۳۹۴) معتقد است افراد با روحیه مسئولیت‌پذیری به دلیل اعتباری که در جامعه کسب می‌کنند، برجسته‌تر هستند و بدین ترتیب ترقی و پیشرفت را نصیب خود و جامعه می‌کنند. این پیشرفت و ترقی زمینه‌ساز

شادکامی و خوشحالی در افراد می‌شود. هر اندازه افراد از شادکامی بالاتری برخوردار باشند، سلامت روان آنان نیز بهبود خواهد یافت (معینی و همکاران، ۱۳۹۵).

۴- به اعتقاد میشل (۲۰۰۲)، به نقل از عیسی‌مراد و جماعت‌لو، (۱۳۹۱) اشخاصی که با صفت مسئولیت‌پذیری توصیف می‌شوند، دارای ویژگی‌های کفایت در ارزیابی، تمیز، آراسته، مرتب، اداره‌کننده آگاهانه مسائل، پایبند به اصول اخلاقی و تعهدات خویش، خویشترن دار و دارای آرزوهایی با سطح بالا هستند که این خصوصیات برای برخورداری از سلامت روان کافی است.

با توجه به نتایج این پژوهش و مطالب فوق در بیان پیشنهادات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- جهت‌دهی پژوهش‌ها به سمت بررسی رابطه متغیرهای دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری با سلامت روان در جوامع و نمونه‌های آماری مختلف و متفاوت با پژوهش حاضر جهت افزایش قدرت تعمیم‌پذیری نتایج؛

۲- پرداختن به بررسی رابطه متغیرهای دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری با کارکردهای دیگری همچون پیشرفت تحصیلی، سازگاری در زندگی و ...؛ جهت آشکار شدن لایه‌های پنهان بیشتری از گستره تأثیر و نقش این متغیرها در زندگی افراد؛

۳- جهت‌دهی پژوهش‌ها به سمت ارائه راهکاری عملیاتی جهت تقویت متغیرهای دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان؛

۴- به متولیان نظام آموزش و پرورش و مشاورین نیز پیشنهاد می‌شود، که جهت حفظ و بهبود سلامت روان دانش‌آموزان و یا مراجعان، علاوه بر اقدامات در حال اجرا، اهتمام بیش از پیش به تقویت سطوح دین‌داری، آخرت‌نگری و مسئولیت‌پذیری در ایشان (با استفاده از شیوه‌ای که در منابع اسلامی ذکر شده است) داشته باشند.

با توجه به اینکه جامعه آماری پژوهش حاضر، دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر نیشابور می‌باشند، احتیاط در تعمیم نتایج به دانش‌آموزان مقاطع تحصیلی و شهرهای دیگر، از محدودیت‌های پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای و حسین انصاریان.
- ابراهیمی، ابوالفضل (۱۳۸۷)، «باورهای آخرت‌نگرانه و رابطه آنها با سلامت روان»، *مجله روان‌شناسی و دین*، سال اول، ش ۳، صص ۱۰۷-۱۲۵.
- ابراهیمی، ابوالفضل و هادی بهرامی، احسان (۱۳۹۰)، «رابطه ی آخرت‌نگری با سلامت در دانشجویان دانشگاه تهران و طلاب علوم دینی حوزه علمیه قم»، *مجله روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، ش ۲، صص ۴۵-۶۲.
- ابراهیمی، ابوالفضل و هادی بهرامی احسان (۱۳۹۱)، «تهیه و اعتباریابی مقیاس سنجش آخرت‌نگری، یک مطالعه ی مقدماتی»، *مجله روان‌شناسی و دین*، سال پنجم، ش ۴، صص ۷۰-۵۳.
- احدی، بتول (۱۳۸۶)، «رابطه صفات شخصیتی و سلامت روان»، *مجله مطالعات علوم تربیتی*، سال اول، دوره دوم، صص ۷-۱۸.
- احمدپناهی، علی (۱۳۹۶)، «بررسی نقش سازنده فضائل اخلاقی در سلامت روانی با رویکرد دینی- روان‌شناختی»، *فصلنامه علمی-ترویجی اخلاق*، سال هفتم، ش ۲۷، صص ۷۲-۵۳.
- احمدی پور، الهام (۱۳۹۳)، «رابطه دین‌داری و نگرش مذهبی با سلامت روان نوجوانان دختر شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۳»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه.
- اسلام پور کریمی، عسکری (۱۳۸۸)، «برخی از آثار اعتقاد به معاد از منظر قرآن»، *ماهنامه پاسدار اسلام*، سال بیست و هشتم، ش ۳۳۴، صص ۳۹-۳۴.
- اکبری، الله رضا و فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه دنیاگرایی و سلامت روانی»، *مجله روان‌شناسی و دین*، سال دوم، ش ۳، صص ۱۴۳-۱۰۵.
- باقری نیا، حسن؛ یمینی، محمد؛ ایلدرآبادی، اسحاق و باقری نیا، فهیمه (۱۳۹۴)، «رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روان با واسطه تاب‌آوری در پرستاران»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، دوره ۲۲، ش ۶، صص ۱۰۷۰-۱۰۶۳.
- بختیاری، مریم؛ مسجدی آرانی، عباس؛ کرمخانی، مرضیه؛ شگری خوبستانی، معصومه و محمدی، حسین (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه بین زیارت خانه خدا با سلامت روان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف»، *مجله پژوهش در دین و سلامت*، دوره سوم، ش ۲، صص ۸۷-۷۸.
- بیرامی، منصور؛ اسماعیل پور، خلیل و رضائی، زینب (۱۳۹۱)، «بررسی مقایسه ای سخت‌رویی و سلامت روان در سطوح مختلف دین‌داری در فرهنگیان شهرستان خوی»، *فصلنامه علوم تربیتی*، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۸۰-۷۵.

• پایگاه تخصصی تحلیل آماری و داده‌پردازی: [www.tahlil-amari.com](http://www.tahlil-amari.com)

- پروندی، علی؛ مرادی، اسماء؛ عارفی، مختار (۱۳۹۶)، «پیش‌بینی سلامت روان براساس امیدواری و جهت‌گیری مذهبی در زنان سرپرست خانوار»، *مجله دین و سلامت*، دوره پنجم، ش ۲، صص ۲۲-۱۳.
- جعفری، اصغر؛ صدری، جمشید و فتحی‌اقدم، قربان (۱۳۸۴)، «رابطه بین کارایی خانواده و دین‌داری و سلامت روان و مقایسه آن بین دانشجویان دختر و پسر»، *مجله تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، جلد ۶، ش ۲۲، صص ۱۱۵-۱۰۷.
- عیسی‌مراد، ابوالقاسم و جماعت‌لو، نوشین (۱۳۹۱)، «رابطه مسئولیت‌پذیری و سلامت روان بانوان ورزشکار آماتور کرج»، *فصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی*، سال اول، شماره چهارم، صص ۸۹-۷۲.
- حسینی، سید حمزه؛ موسوی، سید ابراهیم و رضا زاده، حسین (۱۳۸۲)، «بررسی سلامت روانی دانش‌آموزان سوم راهنمایی شهر ساری در سال ۸۰-۷۹»، *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، سال ششم، ش ۱۹ و ۲۰، صص ۹۹-۸۲.
- حکیم‌زاده اردکانی، علی؛ عاصی‌مذنب، ابوالقاسم و گرامی، محمد حسن (۱۳۹۵)، «اثر بخشی آموزش معنا‌گرایی اسلامی بر مسئولیت‌پذیری دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد»، *دو ماهنامه علمی پژوهشی طلوع بهداشت یزد*، سال پانزدهم، ش ۶، مسلسل ۶، صص ۸۹-۸۰.
- حیاتی، مژگان و فاطمی‌عقدا، مهناز (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه‌ی بین تجارب معنوی و مسئولیت‌پذیری با انسجام خانواده در زنان تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی»، *فصلنامه علمی مطالعات اجتماعی-روان‌شناسی زنان*، سال پانزدهم، ش ۲، صص ۲۰۳-۱۸۵.
- خدایاری‌فرد، محمد؛ رحیمی‌نژاد، عباس؛ غباری‌بناب، باقر؛ شکوهی‌یکتا، محسن؛ فقیهی، علی‌نقی؛ آذربایجانی، مسعود؛ هومن، حیدر علی؛ منطقی، مرتضی؛ پاک‌نژاد، محسن؛ سراج‌زاده، سید حسین؛ فاطمی، سید محسن؛ اکبری‌زردخانه، سعید (۱۳۸۸)، «گزارش نهایی طرح پژوهشی آماده‌سازی مقیاس دین‌داری و ارزیابی سطوح دین‌داری اقشار مختلف جامعه‌ی ایران»، دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، موسسه روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- خدایاری‌فرد، محمد؛ رحیمی‌نژاد، عباس؛ غباری‌بناب، باقر؛ شکوهی‌یکتا، محسن؛ فقیهی، علی‌نقی؛ آذربایجانی، مسعود؛ افروز، غلامعلی؛ هومن، حیدر علی؛ منطقی، مرتضی؛ پاک‌نژاد، محسن؛ سراج‌زاده، سید حسین؛ فاطمی، سید محسن؛ اکبری‌زردخانه، سعید؛ فرزاد، ولی‌الله؛ باقری‌نوع‌پرست، خسرو؛ به‌پژوه، احمد و بهرامی‌احسان، هادی (۱۳۸۹)، «مدل سنجش دین‌داری و ساخت مقیاس آن در سطح ملی»، *مجله پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، سال اول، ش ۱، صص ۲۴-۱.

- خدیوی، اسدالله و الهی، ایران (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع اول متوسطه شهرستان مهاباد»، *فصلنامه زن و مطالعات خانواده*، سال ششم، ش ۲۲، صص ۵۹-۳۷.
- داداشی کلایی، فاطمه (۱۳۹۵). *تبیین اصول و روش‌های مسئولیت‌پذیری از دیدگاه اسلام و دلالت‌های تربیتی آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران.
- درویشی، مراد؛ قاضی وکیلی، زهره؛ جمال محمدی، علی (۱۳۹۶)، «بررسی ارتباط بین اعتقادات مذهبی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی البرز و آزاد اسلامی کرج در سال ۹۳-۹۲»، *نشریه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی البرز*، دوره ششم، ش ۲، صص ۱۵۲-۱۴۵.
- دلاور، علی (۱۳۹۴)، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، چاپ چهاردهم از ویرایش جدید، تهران، انتشارات رشد.
- ذبیحی حصری، نرجس خاتون (۱۳۹۶)، «تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر حرمت خود و سلامت روان نوجوانان آهسته‌گام»، *فصلنامه توانمندسازی کودکان استثنایی*، سال هفتم، ش ۲۲، صص ۱۰۹-۸۸.
- ربانی، زینب؛ بیگدلی، ایمان اله و نجفی، محمود (۱۳۹۴)، «رابطه مذهب با سلامت روان: نقش میانجی احساس شرم و گناه»، *مجله پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، دوره پنجم، ش ۱، صص ۱۵۳-۱۳۴.
- رستمی، طاهره؛ آشنا، امیرحسین؛ طاووسی، محمود و منتظری، علی (۱۳۹۶)، «رابطه سرمایه فرهنگی با سلامت روان جوانان»، *نشریه پایش*، سال هفدهم، ش ۱، صص ۳۹-۳۳.
- رستمیان، محمد علی (۱۳۹۳)، «مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت (ع)»، *پژوهش‌نامه حکمت اهل بیت (ع) دانشگاه اصفهان*، سال اول، ش ۲، صص ۵۰-۳۱.
- رضایی، فاطمه (۱۳۹۳)، «معاد باوری و آرامش روح و روان از دیدگاه قرآن»، پایگاه معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه خواهران سراسر کشور.
- رمضان‌زین آباد، مهدی (۱۳۹۵)، «تأثیر دین و باورهای دینی در سلامت روانی فرد و جامعه»، *وبسایت تخصصی دین درمانی*: <http://www.dindarmani.ir>
- روشنگر وصالی، محمود؛ احدی، حسن؛ کجباف، محمد باقر و نشاط دوست، حمید طاهر (۱۳۹۶)، «اثر بخشی مداخله مبتنی بر ذهن آگاهی ویژه کودکان بر ذهن آگاهی و سلامت روان آنها»، *مجله مطالعات ناتوانی*.
- زارعی توپخانه، محمد و یاری شریفی، عذری (۱۳۹۳)، «آثار و پیامدهای گناه در آئینه دین و روان‌شناسی»، *مجله معرفت*، سال بیست و سوم، ش ۲۰۵، صص ۹۸-۸۵.



- زرین جوی الوار، مریم و فیاض، ایراندخت (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه بین روش‌های تربیتی مادران با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان»، *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، سال دوم، ش ۲، صص ۳۷-۶.
- سراج زاده، سید حسین و پویافر، محمدرضا (۱۳۸۷)، «مقایسه‌ی تجربی سنجه‌های دین‌داری، دلالت‌های روش‌شناسانه‌ی کاربرد سه سنجه در یک جمعیت»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره‌ی هشتم، ش ۴، صص ۳۷-۷۰.
- سفیری، خدیجه و چشمه، اکرم (۱۳۹۰)، «مسئولیت‌پذیری نوجوان و رابطه آن با شیوه‌های جامعه‌پذیری در خانواده»، *مجله جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ش ۱، صص ۱۳۰-۱۰۳.
- شادور، لایلا و پاشا، رضا (۱۳۹۴)، «بررسی مقایسه‌ای سلامت روان دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه معتاد و غیرمعتاد به اینترنت در شهرستان دزفول»، *مجله علوم پزشکی صدا*، دوره ۳، ش ۲، صص ۱۳۰-۱۱۹.
- شایگان، فریبا، (۱۳۹۱)، «دین‌داری و احساس امنیت (مطالعه موردی دانش‌آموزان دختر شهر تهران)»، *فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۱۵، صص ۲۰۸-۱۷۹.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز و سعادت، معصومه (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر آموزش ابعاد معنا درمانی بر کاهش ناامیدی زنان مبتلا به سرطان»، *فصلنامه بیماری‌های پستان ایران*، سال سوم، ش ۱ و ۲، صص ۴۸-۴۰.
- شبیری، اردشیر و کاظمی، کبری (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه خودباوری و مسئولیت‌پذیری پرستاران بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی شهر ایلام»، *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، دوره ۲۴، ش ۵، صص ۹۱-۸۳.
- صولتی، سید کمال؛ ربیعی، محمد و شریعتی، مریم (۱۳۹۰)، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ویژه‌نامه طب و دین*، دوره پنجم، ش ۳، صص ۴۸-۴۲.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۳۸۴)، «نقش دین در بهداشت روانی»، *مجله پژوهش‌های فقهی*، سال اول، شماره سوم، صص ۲۱-۵.
- فتحی، آیت‌اله و امرانی، ابراهیم (۱۳۹۵)، «نقش و کارکرد دین و معنویت در سلامت روانی»، *نشریه بصیرت و تربیت اسلامی*، صص ۶۶-۴۵.
- فیروزی، ابودر؛ امینی، معصومه؛ اصغری، زهرا و مقبی دهکردی، بیژن (۱۳۹۲)، «بررسی ارتباط باورهای مذهبی و سلامت روان دانش‌آموزان متوسطه شهر درگز در سال تحصیلی ۹۰-۸۹»، *فصلنامه بهداشت و توسعه*، سال دوم، ش ۲، صص ۱۴۸-۱۳۸.
- قدرتی میرکوهی، مهدی و خرمایی، احسان (۱۳۸۹)، «رابطه دین‌داری با سلامت روان در نوجوانان»، *فصلنامه علوم رفتاری*، صص ۱۳۱-۱۱۶.

- قنبری، علی؛ حقانی پور، فاطمه؛ بابایی، زهرا و حاج احمدی جهرمی، ماریا (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه کیفیت زندگی و سلامت روان با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول»، چهارمین کنفرانس ملی توسعه‌ی پایداری در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- گلپاشا، الهه؛ آسایش زارچی، محمد حسن و حسین زاده سرشکی، زهره (۱۳۹۳)، «نگرش نسبت به جهان پس از مرگ و سلامت روان»، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مرادی کردلو، محمد و مصر آبادی، جواد (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه تفکرات غیر منطقی و عزت نفس با سلامت روانی دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر اهر»، *مجله پژوهش‌های کاربردی در روان‌شناسی تربیتی*، سال دوم، ش ۳، شماره پیاپی ۵، صص ۱۰۰-۸۸.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱)، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، جلد سوم، چاپ هشتم، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، *زندگی جاوید یا حیات اخروی*، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری: [www.motahari.ir](http://www.motahari.ir)
- معصومی، منیره و بزازیان، سعیده (۱۳۹۳)، «رابطه بین جرات ورزی و مسئولیت‌پذیری با تمایز یافتگی دانشجویان دختر»، *فصلنامه زن و مطالعات خانواده*، سال هفتم، ش ۲۶، صص ۹۰-۷۷.
- معینی، بابک؛ بابامیری، محمد؛ محمدی، یونس؛ براتی، مجید و رشیدی، سهیلا (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه بین شادکامی و وضعیت سلامت در دانش‌آموزان دختران دبیرستانی»، *مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، دوره چهاردهم، ش ۱۱، صص ۹۵۱-۹۴۲.
- مغاللو، مهناز و آگیلار-وفایی، مریم (۱۳۸۸)، «رابطه عوامل و وجوه الگوی پنج عاملی شخصیت با شادکامی و سلامت روانی و جسمانی»، *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال پانزدهم، ش ۳، صص ۲۹۳-۲۹۰.
- منظری توکلی، وحید؛ بهرامی احسان، هادی؛ منظری توکلی، علیرضا و حمزه نژاد، محمود (۱۳۹۲)، «بررسی اعتبار و روایی سازه‌ی مقیاس آخرت‌نگری»، *مجله مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهراء*، دوره نهم، ش ۲، ۲۸-۹.
- موسوی، سمیه السادات (۱۳۸۸)، «تأثیر روابط اجتماعی صمیمانه بر سلامت روان»، *نشریه معرفت*، ش ۱۴۷.
- مهری نژاد، سید ابوالقاسم و شریفی، مهشید (۱۳۹۶)، «رابطه مکانیسم‌های دفاعی سازگاران و ناسازگاران با دین‌داری در دانشجویان»، *دوفصلنامه علمی-ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، سال پنجم، ش ۸، صص ۱۳۸-۱۱۷.

- میکائیلی منیع، فرزانه؛ نوری زاده، نرگس و هاشمی، سهیلا (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه آخرت‌نگری، هدفمندی درزندگی، امید و انگیزش تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانشجویان دوره کارشناسی»، *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، سال نهم، ش ۳۶، صص ۲۰۷-۱۸۱.
- نظامی، زهره؛ نقدی، اعتبار؛ بهرامی، هادی و بابایی سیاهکلرودی، سیروس (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه ی دل بستگی معنوی و سلامت روانی»، *مجله فرهنگ در دانشگاه*، سال هفتم، ش ۳، صص ۴۱۲-۳۹۸.
- نظیفی، مرتضی؛ مکرمی، حمیدرضا؛ اکبری تبار، علی اکبر؛ فرجی کوجردی، مهدی؛ رهی، عمید و تبریزی، رضا (۱۳۹۲)، «اعتبار، روایی و ساختار عاملی ترجمه فارسی پرسشنامه سلامت عمومی ۲۸ سوالی در بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی کرمان»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی فسا*، سال سوم، ش ۴، صص ۳۴۲-۳۳۶.
- نوربالا، احمدعلی؛ باقری یزدی، سید عباس و محمد، کاظم (۱۳۸۷)، «اعتباریابی پرسشنامه ۲۸ سوالی سلامت عمومی به عنوان ابزار غربالگری اختلالات روان پزشکی در شهر تهران»، *مجله پژوهشی حکیم*، دوره ۱۱، ش ۴، صص ۵۳-۴۷.
- نیکونژاد، سپیده و میرشاه جعفری، سید ابراهیم (۱۳۹۵)، «نقش تربیتی معناداری زندگی در مقابل پوچی از دیدگاه اسلام و تأثیر کاربست آن در نظام تعلیم و تربیت»، *مجله بصیرت و تربیت اسلامی*، سال سیزدهم، ش ۳۷، صص ۱۱۶-۸۹.
- واحدی، شهرام و احمدیان، ریحانه (۱۳۹۳)، «رابطه سبک‌های هویت مذهبی، ابعاد دین‌داری با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان»، *مجله روان‌شناسی و دین*، سال هفتم، ش ۴، پیاپی ۲۸، صص ۱۰۷-۹۱.
- Fenelon, Andrew & Danielsen, Sabrina. 2016, Leaving my religion: Understanding the relationship between religious disaffiliation, health and well-being, (ELSEVIER), *social science Research*, 57, pages 49-62.
- Haeyen, S., Hooren, S., Veld, W.M & Hutschemaekers, G, 2017, Promoting mental health vesus reducing mental illness in art therapy with patients with personality disorders, Manuscript, *The Arts in Psychotherapy*, pages 1-24.
- Loureiro, A.C.T., Coelho, M.C.R., Coutinho, F.B., Borges, L.H., Lucchetti, G, 2018, The influence of spirituality and religiousness on suicide risk and mental health of patients undergoing hemodialysis. (ELSEVIER), *Comprehensive Psychiatry*, 80, pages 39-45.

- Maharlouei , N., Hoseinzadeh, A., Ghaedsharaf, E., Zolfi, H., Arab, P., Farahmand, Z., Hallaj, M., Fazilat., Sh ., Heidari, S.T., Joulaei, H, K ., Karbalaei, F & Lankarani, K.B. (2014). The mental health status and associated factor affecting underprivileged Iranian womem. *Asian Journal of psychiatry*, 12, pages 108-112.
- Zimmer, Z., Jagger, C., Chiu, Ch., ofstedal, Mb., Rojo, F & Saito, Y, 2016, Spirituality, religiosity, aging and health in global perspective: Areview. (ELSEVIER), *SSM- population Health*, 2, pages 373-381.

# Contents

<b>Designing the Educational Package of “Zekr” in Order to Reduce Depression Symptoms Based on Islamic Sources.....</b>	<b>7</b>
Ahmad Entesari / Ramin Tabaraei / Mohammad Reza Jahangirzadeh	
<b>Designing the conceptual pattern of educational method of induction from the perspective of Islam (Grounded Theory Strategy) .....</b>	<b>31</b>
Yaghoob Zare / Zohreh Esmaili / Mohammad Reza Sarmadi / Tayebeh Safaei	
<b>comparative study of the origin of clothing from the perspective of religion and psychology.....</b>	<b>53</b>
Mostafa Arabpour / Mohammad Dolatkah / Hamid Rafieihonar	
<b>Analysis of sociological factors affecting the formation of religious identity of female students .....</b>	<b>73</b>
Gholamreza Tajbakhsh / Reza Ramazani / Zahra Alidadi	
<b>Explaining the psychological functions of sincerity based on Islamic sources.....</b>	<b>93</b>
Mohammad Hossein Rahimi / Mohammad Sadegh Shojaei / Mehdi Abbasi	
<b>Investigating The Relationship Between Religiosity, believe’s the Resurrection and Responsibility with high school student’s mental health in Neyshaboor City.....</b>	<b>117</b>
Ali asghar Jalilikia / Mahboobeh Sabete Imani	

**In the Name of Allah**

**Islam & Psychological Research**

Two Quarterly Journal of Psychology

**Vol.7, No. 16**

**Autumn & Winter 2021\_2022**

**Proprietor:** Akhlaq & Tarbiat High Education Institute

**Managing director:** Dr. Mohammad Javad Zarean

**Editor in Chief:** Dr. Mohammad Reza Ahmadi

**Executive Secretary:** Amir Erfani Nejad

**Editorial Board**

**Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi:** *IKI*

**Dr. Hadi Bahrami Ehsan:** *Tehran University*

**Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Javad Zarean:** *Academic Institute for Ethics And Education*

**Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad:** *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

**Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Baqiyatallah University*

**Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Farhoush:** *Academic Institute for Ethics And Education*

**Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Kaviani:** *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

**Hujjat ul-Islam Dr. Rahim Narouei:** *IKI*

**Hujjat ul-Islam Dr. Mahmood Nozari:** *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

---

ADDRESS:

**The High Institute of Ethics and Education**

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545

Tel: +982532918444

Fax: +982523922239

journals.ueae.ir

pajoohesh.ueae@gmail.com

## فرم اشتراک دو فصلنامه

### مشخصات متقاضی حقیقی

نام خانوادگی: ..... نام: .....  
میزان تحصیلات: ..... رشته تحصیلی: .....  
مبلغ واریز شده: ..... تاریخ و شماره فیش بانکی: .....  
آدرس و کد پستی: .....  
صندوق پستی: ..... تلفن: .....

امضای متقاضی

### مشخصات متقاضی حقوقی

نام مؤسسه: ..... واحد درخواست کننده: .....  
مبلغ واریز شده: ..... تاریخ و شماره فیش بانکی: .....  
آدرس: .....  
کد پستی: ..... صندوق پستی: .....  
تلفن: ..... دورنگار: .....

امضای مسئول و مهر مؤسسه

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می شود پس از تکمیل فرم اشتراک، هزینه مربوطه را به شماره حساب ۱۰۳۵۷۰۴۰۳۰۰۰ بانک صادرات شعبه صدوقی، به نام «مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت» واریز نموده و اصل یا تصویر فرم اشتراک و فیش بانکی را به وسیله پست، دورنگار یا ایمیل به دفتر فصلنامه ارسال نمایند.

حق اشتراک سالانه برای دانشجویان: ۲۰۰.۰۰۰ ریال و تک شماره: ۱۰۰.۰۰۰ ریال  
حق اشتراک سالانه برای عموم: ۲۴۰.۰۰۰ ریال و تک شماره: ۱۲۰.۰۰۰ ریال